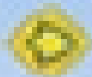


هذا المهدی خلیفة الله

ندای آسمان



سید حسن زمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

ندای آسمانی

نویسنده:

حسن زمانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ندای آسمانی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ندای آسمانی/حسن زمانی

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود:مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۱۲۹۱۱

۱. آخرالزمان. ۲. آخرالزمـان ــ جنبـه هـای قرآنی. ۳. آخرالزمـان ــ احـادیث. ۴. مهـدویّت. ۵. محمـدبن حسن(عـج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. ــ الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی(عج). ب. مرکز تخصصی مهدویّت. ج. عنوان.

BP ۴۶۲/۲۹۷ ۵/۲۲۴ / ۸ز ن۴

ص:۱

اشاره

ندای آسمانی

سید حسن زمانی

ندای آسمانی

مؤلف / سید حسن زمانی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ / دوم، پاییز ۸۹

شمارگان / سه هزار نسخه

طراح جلد و صفحه آرا / عباس فریدی

ویراستار / سید جواد میر خلیلی

بها / ۲۷۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹– ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس:۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ /ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۱-۷۸-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

ص:۵

یکم: زمان ندا۱۹۷

دوم: مکان ندا۱۹۸

سوم: ندا دهنده۱۹۸

چهارم: محتوای ندا۱۹۸

پنجم: مخاطبان ندای آسمانی۲۰۰

ب. حوادث قبل از ندای آسمانی۲۰۱

۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق۲۰۱

۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می شود۲۰۲

۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن۲۰۲

ص:۱۰

تقدیم

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

(انبیا (۲۱) ۱۰۵)

و به راستی در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم همانا زمین را بندگان درستکار من به ارث می برند.

ü تقدیم به پیشگاه سکاندار هدایت و یگانه نجات دهنده بشر از ظلم و بیداد و لبریز کننده جهان از عدالت و درستی؛ تقدیم به او که با آمدنش، نور و درخشندگی می آید و تاریکی ها رخت بر می بندد؛

ü تقدیم به او که تمام برگزیدگان خداوند، منتظر قدوم مبارکش بودند و دنیا بدون آمدن او معنا ندارد؛ تقدیم به او که مانند خورشیدِ پشت ابر، مدیریت جهان را بر عهده دارد و تمامی برکات و نعمت ها به واسطه او به ما می رسد.

ü و تقدیم به او که این توفیق را به بنده بی مقدار داد تا بتوانیم با آن، عرض ادبی خدمت مولایش انجام دهم.

امید، آن که این مختصر صفحاتی که به عشق و محبت آن یگانه هستی نگاشته شد ــ که بسان برگ سبزی است تحفه درویش ــ مورد عنایتشان قرار گیرد.

«ان شاءالله»

مقدمه

الف. موضوع نوشتار

موضوع این پژوهش، «ندای آسمانی» است. ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان شنیده می شود و در آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، و بیان نام، نسب و حقانیت او و پیروانش می پردازد. این صدا توسط همگان شنیده می شود و می توان آن را معجزه ای دانست که بدون هیچ وسیله ارتباطی، همگان، حتی افراد خواب، نیز آن را می شنوند. ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزعه» و «هدّه» در احادیث شیعه و عامه مطرح شده است.

ب. اهمیت ندای آسمانی

انسان ها همواره مشتاق دانستن آینده و سرنوشت و فرجام خود و جهان پیرامون خود بوده و هستند. به سبب این میل همگانی، بازار پیشگویان و طالع بینان همیشه از رونق برخوردار بوده است. پیش گویی و خبر از آینده را می توان به انواع آسمانی و زمینی تقسیم کرد. آینده بینان آسمانی از طرف

پروردگار، برگزیده شده اند و حجت او بر آدمیان هستند. کلام آنان ریشه در وحی آسمانی دارد و از افق بالا به هستی می نگرند. و خبر دادن از گذشته، حال یا آینده، برایشان تفاوتی نمی کند و اخبار آنان از آینده به میزان گفتارشان در مورد گذشته و حال حقیقت دارد؛ ولی آینده نگران زمینی با دید محدود خود، بیشتر سوداگرانی هستند که با استفاده از ساده اندیشان و نادانان، بازار خود را رونق می دهند.

وعده ظهور نجات بخش هستی و برقرار کننده عدالت در گیتی و برچیننده ظلم، از جهان برجسته ترین آینده بینی حجت های پروردگار آفرینش است که تمامی ادیان الهی از آن خبر داده اند. این حادثه به قدری باارزش است که آینده نگران آسمانی، نشانه ها و حوادث پیرامون آن را نیز برای مردم بازگو کرده اند. بخش زیادی از روایات اسلامی در بحث مهدویت، مربوط به علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حدود صد حدیث از شیعه و عامه در مورد «ندا یا صیحه آسمانی» به دست ما رسیده است که اهمیت و جایگاه آن را می رساند، وجوهی که می توان برای اهمیت ندای آسمانی برشمرد، به شرح ذیل است:

۱. مطرح شدن آن در قرآن کریم، آیه ۴ سوره شعراء طبق روایات تفسیری بر آن دلالت دارد؛

۲. روایات زیادی که در مورد آن به دست ما رسیده است؛

۳. مطرح شدن آن در توقیع آخر که برای نایب چهارم، علی بن محمد سمری فرستاده شد که مشاهده و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این توقیع؛ منوط به خروج سفیانی و صیحه آسمانی معرفی شده است؛

ص:۱۶

۴. حتمی بودن ندای آسمانی؛ در روایاتی که علایم حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شمرده می شود، یکی از آن علایم، «ندای آسمانی» است؛

۵. اعلان جهانی نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کلید ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با «ندای آسمانی» زده می شود و مردم از زمان ظهور آگاه می شوند؛

۶. این ندا، اتمام حجتی برای جهانیان خواهد بود که آیا با شناختن راه حق، باز هم دنباله رو راه های باطل خواهند بود یا نه؟

ج. اهداف ندای آسمانی

اشاره

هر کاری برای مقصود و هدفی صورت می گیرد. خواست و هدف پروردگار متعال از معرفی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان به واسطه فرشته وحی، یعنی جبرئیل امین علیه السلام چیست؟ در این قسمت به بیان اهداف و تأثیراتی که ندای آسمانی بر جای می گذارد، می پردازیم این موارد عبارتند از:

۱. شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم و ندای آسمانی با اعلام نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان حقانیت او برای جهانیان، بشارت به آمدن او را می دهد و با این معیار که مدعیان دروغین از آوردن آن عاجزند، آن حضرت به همگان معرفی می شود.

عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد: مراد از «صوت» چیست؟ آیا مراد، همان ندا دهنده است؟ امام فرمود:

«نعم و به یعرف صاحب هذا الامر(۱)»؛ بله و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود.

۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از دلایل پیروزی سریع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رعب و وحشتی است که دشمنان ایشان از وی در دل دارند و یکی از عوامل ایجاد رعب، امداد های غیبی است که به کمک حضرت مهدی می آید. برای مثال در حدیثی می خوانیم وقتی رومیان می بینند، یاران حضرت مهدی بر روی آب راه می روند، می گویند یاران او بر روی آب راه می روند، پس خود او چگونه است و تسلیم می شوند و یکی از امداد های غیبی و مواردی که باعث رعب در دل دشمنان حضرت می شود ندای آسمانی است که باعث می شود دشمنان حضرت بفهمند در مقابل قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی توانند مقاومت کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«یؤیده ثلاثه اجناد الملائکه و المؤمنون و الرعب؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سه لشکر یاری می شود؛ ملائکه و مؤمنان و رعب (در دل دشمنان)»(۲)

در روایات ندای آسمانی می خوانیم وقتی ندا داده می شود، گردن های دشمنان حضرت در مقابل آن خاضع می شود و به همین جهت، ندای آسمانی را عذابی برای کافران معرفی می کنند.

ص:۱۸

۱- الغیبه نعمانی، ص ۲۶۶، باب۱۴، ح ۱۶. روایت از جهت سند معتبر است.
۲- الغیبه نعمانی، ص ۲۰۴، باب ۱۱، ح ۹؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۳۹، باب۲۲، ح۴۶.

«... قد نودوا نداء یسمع من بعد کما یسمع من قرب، یکون رحمه علی المؤمنین و عذاباً علی الکافرین(۱)»؛ آنان ندا داده می شوند به خدایی که از دور همان گونه شنیده می شود که از نزدیک، آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران می باشد. و یا آن را روز سختی برای آنان معرفی می کنند: «فذلک یومئذ یوم عسیر علی الکافرین غیر یسیر(۲)».

۳. بشارت و امید برای اهل ایمان

پیروان حق و حقیقت با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی پیدا می کنند و آگاه می شوند که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت، همه جا را نورانی خواهد کرد؛ به همین دلیل، روح تازه ای با شنیدن آن در وجودشان دمیده می شود.

حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود:

هنگام فقدان ماء معین، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متاسف و اندوهناکند؛ گویا آنان را در ناامیدترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور، مانند شنیده شدن از نزدیک شنیده می شود و آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است: «یکون رحمه علی المؤمنین(۳)».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳؛ کشف الغمه، ج۲، ص۵۲۴.

۲- تأویل الآیات الظاهره، ص ۷۰۸

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، ح ۱۴.

۴. اتمام حجتی برای همگان

ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود، این ندا را می شنود(۱) و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به وسیله آن با نام و نسب می شناسد و دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی ماند که اگر ما واقعاً می دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می کردیم. مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«... و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یکثر ذلک علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین و المخالفین لتلزمهم الحجه بمعرفتهم به...»؛ به اسم و کنیه و نسب حضرت ندا داده می شود و این مطلب، دهان به دهان بین اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان می چرخد تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند. (۲)

د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی

ندا یا صیحه یا صوت آسمانی، یک پیشگویی آسمانی است؛ بنابراین ریشه در احادیث اسلامی دارد. از طرف دیگر، امر مشترکی میان شیعه و عامه است و در کتاب های حدیثی هر دو مطرح شده است. و از صدر اسلام نیز بوده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از نشانه های قیام او را ندای آسمانی بیان داشته است. همچنین این مطلب به صورت واضح و روشن تر در زمان پیشوایان معصوم علیهم السلام ؛ به خصوص در زمان امام محمد باقر و

۱- رجوع شود به بخش دوّم، فصل اوّل، بحث مخاطبان ندای آسمانی.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳، باب ۲۸، ح ۱؛ الهدایه الکبری، ص۳۹۳.

امـام جعفر صادق علیهما السـلام که بیشترِ احادیث شیعه از این دو بزرگوار است، بیان شـده است. این روایات در کتاب هایی چون:

۱. کافی؛ اثر محمد بن یعقوب کلینی که مهم ترین کتاب روایی شیعه است.

۲. کمال الدین؛ اثر شیخ صدوق که به دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاشته شده است.

۳. الغیبه؛ اثر شیخ طوسی که مؤلف آن از پایه گذاران فقه شیعه است.

۴. الغیبه؛ اثر محمد بن ابراهیم نعمانی که ایشان شاگرد و کاتب صاحب کتاب کافی بوده است.

۵. تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی که از کتاب های تفسیری متقدم شیعه هستند.

از شیعه و کتاب هایی چون؛

۱. الفتن لابن حماد مروزی (۲۲۹ ق)

۲. الملاحم لابن جعفر المنادی (۳۳۶ ق)

۳. المعجم الکبیر للطبرانی (۳۶۰ ق)

۴. مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ ق)

۵. السنن الوارده فی الفتن للدانی (۴۴۴ق)

۶. الحاوی للفتاوی سیوطی (۹۱۱ ق)

از عامه و کتاب های دیگری که در مباحث آتی مطرح می شوند، بیان شده اند.

به بحث «نـدای آسـمانی» به صورت موضوعی، کمتر توجه شـده است؛ ولی در کنـار سـایر موضوعـات، برخی از اندیشـمندان مباحث مهدویت به آن

توجه داشـته انـد. از باب نمونه در دو کتاب «تاریخ الغیبه الکبری» و «تاریخ ما بعد الظهور»، بهتر از کتاب های دیگر به بررسـی آن پرداخته شده است. همچنین در کتب «معجم موضوعی احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «یوم الخلاص» و «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور» به بررسی «نـدای آسـمانی» در کنار سایر موضوعات مهـدویت پرداخته شـده است. امید است در این نوشـتار با عنایت پروردگار متعال و توجه حضـرت ولی عصـر عجـل الله تعالی فرجه الشـریف قـدمی در راه روشن تر کردن این بحث از مباحث مهـدویت برداشـته شود.

ص:۲۲

بخش اول: کلیات

اشاره

ص:۲۳

فصل اول: واژه ها و لغات کلیدی ندای آسمانی

اشاره

واژه های به کار رفته در احادیث در مورد «ندای آسمانی» به شرح ذیل است:

۱. نداء ۲. صیحه ۳. صوت ۴. اعلان ۵. فزعه ۶. هدّه.

معنای لغوی واژه ها عبارت است از:

۱. «ندا» به معنی خواندن با صدای بلند است.

در «مفردات» آمده است:

«النداء رفع الصوت و ظهوره»؛ نداء، بلند کردن و آشکار کردن صدا را گویند.(۱)

مثال قرآنی، «اذا نادیتم الی الصلوه(۲)»ای دعوتهم. یعنی وقتی آنان را به سوی نماز فرا خواندید.

در بیشتر احادیثی که واژه «نداء» در آنها مطرح شده است، «نداء»،

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۴۸۶.

۲- مائده (۵): آیه ۵۸.

صدایی با محتوا آمده است.

پس می توان آن را صدایی رسا که به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد، دانست.

۲. «صیحه» به معنی فریاد یا صدای بسیار بلند است.

در «مجمع البحرین» آمده است: مراد از صیحه، «الصوت بأقصی الطاقه»، صدا با نهایت توان است. سپس مثال قرآنی می آورد: «و أخذ الذین ظلموا الصیحه(۱)»، مراد از صیحه، عذاب است و گفته می شود جبرئیل امین علیه السلام بر آنها فریادی کشید و آنان هلاک شدند.(۲)

زوایای مختلف عذاب قوم ثمود با واژه های «صیحه(۳)»، «رجفه(۴)»، «طاغیه(۵)» و «صاعقه(۶)» در قرآن کریم توصیف شده است. یعنی قوم ثمود با صدای وحشتناک و زمین لرزه ای شدید و یک عامل ویرانگر و صاعقه آسمانی هلاک شدند.

در قرآن کریم، پایان جهان با یک صیحه خواهد بود:

مَا یَنظُرُونَ إِلَّا صَیْحَهً وَاحِدَهً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ یَخِصِّمُونَ؛ جز بانگ مرگبار یگانه ای را انتظار نمی کشند و در حالی که ستیزه می کنند آنان را فرو می گیرد.(۷)

۱- هود (۱۱): آیه ۶۷.

۲- «مجمع البحرین»، ج۲، ص ۳۸۹.

۳- هود (۱۱): آیه ۶۷.

۴- اعراف (۷): آیه ۷۸.

۵- الحاقه (۶۹): آیه ۵.

۶- فصلت (۴۱): آیه ۱۷.

۷- یس (۳۶): آیه ۴۹.

همین طور رستاخیز با صیحه آغاز می شود:

إِن كانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ؛ صیحه واحدی بیش نیست؛ در آن هنگام، آنان همگی نزد ما حاضر خواهند شد.(۱)

اما در احادیث ندای آسمانی؛ واژه «صیحه» برای صدای بامحتوا نیز به کار رفته است که با آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.(۲) در نتیجه می توان مراد از «صیحه» را صدای بسیار بلند بامحتوا یا بدون محتوا دانست.

۳. صوت؛ به معنی صدای سخن است.

در «مجمع البحرین» آمده است: «و الصوت فی العرب جرس الکلام»؛ صوت در زبان عرب به معنای صدای سخن است.

مثال قرآنی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ»؛

ای کسانی که ایمان آوردید، صداهایتان را بلندتر از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبرید. (۳)

در چندین روایت از احادیث مربوط به ندای آسمانی، کلمه «صوت» آمده است. در حدیثی، عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

۱- یس (۳۶): آیه ۵۳.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۱، ص۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶ و... .

۳- حجرات (۴۹): آیه ۲.

قلت: و ما الصوت، هو المنادی؟ فقال: نعم، و به یعرف صاحب هذا الامر؛ پرسیدم مراد از صوت چیست؟ آیا همان ندادهنده است؟ فرمود: بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود.(1)

از این حدیث استفاده می شود مراد از «صوت»، همان ندای آسمانی است.

۴. اعلان؛ به معنی «آشکار کردن» آمده است.

در کتاب «العین» آمده است: «علن الامر ای شاع و ظهر»؛ علن الامر، یعنی آن چیز را پخش و آشکار کرد.(2)

مثال قرآنی:

«ثم انی اعلنت لهم و اسررت لهم اسراراً»؛ آن گاه آشکارا ایشان را خواندم و پنهانی، ایشان را دعوت کردم.(3)

در میان احادیث ندای آسمانی، تنها در یک روایت، کلمه «یعلن» آمده است. این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است که می فرماید بردن نامش در دوران غیبت، جایز نیست:

حتی یراه و یعلن باسمه و یسمعه کل خلق؛(4) تا این که ایشان را ببینند و نامش اعلان می شود و تمامی مردم آن را می شنوند.

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۶؛ «اثبات الهداه»، ج۳، ص۷۳۶، باب۳۴، فصل۹، حد ۱۰۳.
۲- «العین»، ج ۲، ص ۱۴۱، ماده علن .
۳- نوح (۷۱): آیه ۹.
۴- «الهدایه الکبری»، ص ۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

در نتیجه «اعلان» در این حدیث به معنی آشکارا بیان شدن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تمامی مخلوقات آمده است.

۵. فزعه؛ «فزع» به معنی ترس است.

در «السان العرب» آمده است؛ «فزع منه...؛ أخافه و روّعه[(۱)]».

فزع منه، یعنی از او ترسید و هراسناک شد.

مثال قرآنی:

«اذ دخلوا علی داود ففزع منهم، قالوا؛ لا تخف؛ آن گاه که بر داود علیه السلام وارد شدند و او از ایشان ترسید، گفتند؛ مترس.[(۲)]

در میان احادیث، سه روایت در مورد «فزعه» آمده است. در این فصل به بررسی آنها می پردازیم و اگر در مورد ندای آسمانی، این واژه را بپذیریم، ترسناکی ندای آسمانی، برای ما آشکار می شود.

۶. هدّه؛ به معنی صدایی است که از فرو ریختن یا انهدام چیزی شنیده می شود.

در کتاب «معجم مقاییس اللغه» آمده است «الهِدَّه»؛ صوت وقع الحائط؛[(۳)] هدّه، صدایی است که از ریختن دیوار شنیده می شود.

و در «مفردات» آمده است:

الهدّ هدم له وقع و سقوط شیء ثقیل و الهدّه صوت وقعه؛[(۴)] «الهدّ» به معنی انهدامی است که همراه فروریختن و سقوط چیز سنگینی باشد و

۱- «لسان العرب»، ج ۸، ص ۲۵۱

۲- سوره ص (۳۸): آیه ۲۲

۳- «معجم مقاییس اللغه»، ص۱۰۱۴.

۴- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۳۷، ماده هدد.

«الهدّه»، صدای فروریختن آن است.

در روایات شیعه، تعبیر «هدّه» نیامده است، ولی در احادیث عامه از «صیحه»، تعبیر به «هدّه» شده است و تعداد قابل توجهی از آنها با این واژه آمده است. در روایتی نقل شده است که: عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید؛ «ما الصیحه یا رسول الله؟ قال: هدّه فی النصف من رمضان(۱)»؛ مراد از صیحه چیست ای رسول خدا؟ فرمود: صدایی است که در نیمه ماه رمضان شنیده می شود.

پاسخ به دو سؤال:

سؤال اول: آیا مراد از «فزعه»، همان ندای آسمانی است یا مقصود، چیز دیگری است؟

بیشتر نویسندگان، مراد از «فزعه» را همان «صیحه یا ندای آسمانی» دانسته اند و مقصود از آن را بیان ترسناکی ندای آسمانی معرفی می کنند. در این میان، نویسنده ای، این مطلب را رد و دلایلی را مطرح می کند:

ایشان می نویسد: [کلمه «فزعه» که به معنی ترس و وحشت است و در چند خبر، بیشتر نیامده است، ارتباطی با نداء، صیحه یا صوت ندارد]، سپس دلایلی برای یکی نبودن آنها نقل می کند؛ دلایل ایشان: «نخست: معنای آنها با یکدیگر متفاوت است. دوم: بر اساس روایت ها، فزعه در ماه رمضان است؛ ولی در میان ده ها روایت نداء، تنها چهار روایت، وقوع نداء یا صیحه را در این ماه می داند و این چهار روایت هم به دلیل وجود برخی اشکالات در

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۸۵، ح ۶۴۱.

متن آنها، چندان قابل اعتماد نیستند. سوم؛ در چند روایت، سخن از کسوف در ماه رمضان است که به نظر می رسد مقصود از فزعه در رمضان، همان باشد؛ چون بنا به روایات، این کسوف بر خلاف حساب منجمان، بی سابقه خواهد بود؛ از این رو، وحشت (فزع) عمومی را به همراه دارد. چهارم: در یک حدیث، نداء و فزعه در کنار هم ذکر شده است که نشان می دهد نداء با فزعه، تفاوت دارد(۱)».

برای رسیدن به پاسخ مناسب، در آغاز، نگاهی به احادیث مطرح شده در مورد «فزعه» می اندازیم. در مورد «فزعه»، سه روایت در منابع ما آمده است. بیان این روایات؛

حدیث اول؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام :

«انه قال، النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و... . قال: و فزعه فی شهر رمضان توقظ النائم و تفزع الیقظان و تخرج الفتاه من خدرها»؛ فرمود: ندا از امور حتمی است و سفیانی محتوم است و... فرمود: و فزعه در ماه رمضان است که خوابیده را بیدار می کند و بیدار را می ترساند و دختران را از سراپرده شان بیرون می آورد.(۲)

حدیث دوم؛ روایت داود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام :

«قال؛ سئل امیرالمؤمنین علیه السلام ... فقال: انتظروا الفرج من ثلاث، فقیل: یا امیرالمؤمنین و ما هن؟ فقال: اختلاف اهل الشام بینهم و الرایات السود من

۱- تأملی در روایات علایم ظهور؛ «انتظار»، سال سوم، ش ۹ و ۸، ص ۳۲۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، ح ۱۱- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۳، باب ۲۵، ح ۹۸.

خراسان و الفزعه فی شهر رمضان، فقیل: و ما الفزعه فی شهر رمضان؟ فقال: أو ما سمعتم قول الله عزوجل فی القرآن «إن نشأ ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین(۱)» هی آیه تخرج الفتاه من خدرها و توقظ النائم و تفزع الیقظان»؛ از امیر مؤمنان علی علیه السلام سؤال شد: ... فرمود: از سه چیز، گشایش را انتظار داشته باشید. گفته شد:ای امیرمؤمنان، آنها چیست؟ فرمود: اختلاف میان اهل شام و پرچم های سیاه از خراسان و فزعه در ماه رمضان. سؤال شد: مراد از فزعه در ماه رمضان چیست؟ فرمود: آیا کلام خدای عزوجل را نشنیده اید: «اگر بخواهیم از آسمان بر آنان معجزه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان مقابل آن افتاده شود». آن آیه ای است که دختران را از سراپرده شان بیرون می آورد و خواب را بیدار می کند و بیدار را به ترس وا می دارد.(۲)

حدیث سوم؛ مضمون حدیث دوم را دارد ولی از معلی بن خنیس از امام جعفر صادق علیه السلام و ایشان از جدشان امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند.(۳)

حدیث اول به دلیل مجهول بودن «علی بن احمد البندنیجی» و «عبید الله بن موسی علوی» و حدیث دوم به دلیل توثیق نشدن «داوود دجاجی»، ضعیف محسوب می شوند وحدیث سوم در کتب متأخر ذکر شده است. و گرچه راویان این حدیث توثیق شده اند، ولی «یونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن یحیی»، حدیث نقل نمی کند، بلکه نقل حدیث از «صفوان بن

۱- شعراء (۲۶): آیه ۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب۱۴، ح۸.

۳- «تأویل الآیات الظاهره»، ص ۳۸۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۵، باب ۲۶، ح ۱۴.

مهران» دارد و «صـفوان بـن یحیی»، نقـل حـدیث از «یـونس بـن عبـدالرحمن» می کنـد و در سـند ایـن روایـت، «یـونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن یحیی» نقل حدیث کرده است. اما از جهت دلالت، نکاتی از این روایات استفاده می شود:

۱. «فزعه» در ماه مبارک رمضان است. هر سه حدیث، این مطلب را دارند.

۲. اثرهای این «فزعه» عبارتنـد از: بیـدار شدن افراد خواب و به هراس افتادن افراد بیدار و خارج شدن دختران از سـراپرده شان، که نشان از غیر منتظره بودن و ترسناکی «فزعه» است.

۳. در دو حدیث آخری، «فزعه» مصداق آیه ۴ سوره شعراء معرفی شده است. این مطلب می رساند که باید محل وقوع «فزعه»، طبق بیان آیه، آسمان باشد و همچنین باعث کرنش و خضوع افراد ستم گر در برابر آن شود.

این نویسـنده در بیان فرق «فزعه» با «صـیحه یا نـداء»، دلایلی آورده بود. دلیل اول ایشان، تفاوت در معنا بود. می گوییم: گرچه «فزعه» به معنی ترس است، ولی احـادیث «فزعه» می تواننـد نشـان گر ترسـناکی صـیحه آسـمانی باشـند و از این جهت به جای «صـیحه»، کلمه «فزعه» اسـتفاده شده است. دلیل این مطلب می تواند تأثیرات مشترک «فزعه» و «صیحه» باشد که در روایات هر دو دسـته آمـده است. دلیل دوم ایشان، بودن «فزعه» در ماه مبارک رمضان بود و گفتنـد: در میان ده ها روایت نداء، تنها چهار حدیث، وقوع نداء یا صیحه را در ماه رمضان می دانند که این چهار روایت نیز اضطراب در متن دارند.

ص:۳۲

ولی با مراجعه به احادیثی که زمان صیحه یا ندای آسمانی را از جهت ماه و روز مشخص می کنند، می بینیم نُه روایت، بر واقع شدن صیحه یا ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت می کنند که از میان آنها سه حدیث از جهت سند صحیح می باشند. علاوه بر این، در اکثر این احادیث، اضطراب در متن مشاهده نمی شود.(۱)

ایشان در ادامه، «فزعه» را بر «کسوف» در ماه مبارک رمضان تطبیق می دهد. اما در هیچ یک از احادیث «فزعه» به این مطلب اشاره نشده است. و ثانیاً بیشتر روایاتی که «کسوف» را مطرح می کنند، در کنار آن، «خسوف» را ذکر کرده اند که یکی در وسط ماه و دیگری در آخر ماه رخ می دهد(۲) و اگر مراد احادیث «فزعه»، این دو علامت در ماه مبارک رمضان بود، می بایست به جای «فزعه»، «فزعتان» آورده می شد. در پایان، نویسنده، ذکر شدن «نداء» و «فزعه» را در یک حدیث، دلیلی بر دو تا بودن آنها می گیرد. این حدیث، روایت اولی است که در صفحات قبل آورده شد، ولی احتمال دارد قسمت دوم حدیث که با «قال» شروع می شود، بیان تفصیلی ندای آسمانی باشد که در قسمت اول حدیث، فقط به حتمی بودن آن اشاره شده است، ولی در قسمت دوم، تأثیرهای آن بیان می شود. و یا این که قسمت دوم را راوی از امام شنیده است و به حدیث اضافه کرده است؛ چون قسمت اول حدیث تمام می شود و قسمت دوم حتی عطف بر قسمت اول نشده و با

۱- رجوع شود به بخش دوم، فصل اول، بحث زمان ندای آسمانی.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۴، ح ۴۳۹؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۴۵ و ۴۶.

«قال» شروع شده است.

نتیجه: گرچه به صورت صد در صد نمی توان گفت که مراد از «فزعه»، همان نداء یا صوت یا صیحه است، ولی نمی توان این احتمال را به وسیله این دلایل رد کرد و این مطلب به سبب ابهامی است که در احادیث «فزعه» مشاهده می شود و به صورت واضح مشخص نمی کنند که مراد از «فزعه» چیست. علاوه بر این در مورد «فزعه»، سه روایت _ که دو تای آنها یکی است _ وجود دارد و دو مورد از آنها ضعف سندی دارند و سومی در کتب متأخر آمده است و اضافه یا کم کردن آنها تأثیری بر روایات ندای آسمانی نمی گذارد.

سؤال دوم. آیا مراد از «صیحه»، همان «ندای آسمانی» است یا خیر؟

در دو حدیث، «صیحه» و «ندای آسمانی» در کنار هم ذکر شده است و این مطلب، دلالت بر یکی نبودن «صیحه» و «ندای آسمانی» در ابتدا می کند. بیان دو حدیث:

روایت اول: حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام :

«... و ان من علامات خروجه، خروج السفیانی من الشام و خروج الیمانی من الیمن و صیحه من السماء فی شهر رمضان و مناد ینادی من السماء باسمه و اسم ابیه»؛ و از نشانه های خروج ایشان (حضرت مهدی علیه السلام) خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و صیحه ای از آسمان در ماه رمضان است و منادی از آسمان که به نام او و نام پدرش ندا می دهد.(1)

روایت دوم: حدیث ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام :

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۵۹۸، باب ۳۲، ح ۷.

«... ثم قال: الصیحه لاتکون الا فی شهر رمضان لأن شهر رمضان شهر الله و الصیحه فیه هی صیحه جبرئیل الی هذا الخلق، ثم قال، ینادی مناد من السماء باسم القائم علیه السلام فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب...»؛ سپس فرمود: صیحه نمی باشد مگر در ماه رمضان؛ زیرا ماه رمضان، ماه خدا است و صیحه در آن، همان صیحه جبرئیل برای این مردم است. سپس فرمود: منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام ندا می دهد، پس کسی که در مشرق است و کسی که در مغرب است، آن را می شنود.(۱)

پاسخ: این دو حدیث از جهت سند، ضعیف می باشند. حدیث اول به دلیل مجهول بودن «اسماعیل بن علی قزوینی» و «علی بن اسماعیل» و حدیث دوم به دلیل توثیق نشدن «احمد بن یوسف بن یعقوب» و ضعف «حسن بن علی بن ابی حمزه» ضعیف محسوب می شوند. علاوه بر این، احتمال دارد تکرار با واژه های متفاوت برای بیان بیشتر مطلب باشد. در حدیث اول از خصوصیات «صیحه» آسمانی و در ماه رمضان بودن آن مطرح شده است و سپس با واو عطف «ندا» مطرح می شود که در آن محتوای ندا بیان می شود و همچنین در حدیث دوم در بیان ویژگی های «صیحه» در ماه رمضان و از جبرئیل علیه السلام بودن آن مطرح می شود و در ادامه، ندای آسمانی با ویژگی های، معرفی محتوای ندا و همگانی بودن و تأثیرات آن می آید. ثالثاً وقتی به احادیث دیگر ندای آسمانی می نگریم، می بینیم خصوصیات مشابه با واژه های «صوت»، «صیحه» و «ندا» مطرح شده است.(۲)

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، ح ۱۳.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۶ و ۱۶ ؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۷و باب ۱۶، حد۶؛ «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «الغیبه طوسی»، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸.

در نتیجه نمی توان با اختلاف در واژه ها قائل به جدا بودن آنها از یکدیگر شد. اغلب نویسندگانی که مباحث ندای آسمانی را آورده اند، قائل به اشتراک بین واژه های «صیحه» و «نداء» شده اند و محققی برای این مطلب، دلایلی ذکر می کند، ایشان می گوید:

و علی ذلک عده قرائن، من هذه الأخبار نفسها، منها، ان الصیحه و النداء معاً نسبا إلی جبرئیل علیه السلام بشکل مستفیض، و منها: ان وقتهما معا فی لیله الجمعه الثالث و العشرین من شهر رمضان. و انها: انما جمیعاً تورث الاهتمام الکبیر، یستیقظ النائم و یقوم القاعد و تخرج العذراء من خدرها، و منها: ان الصیحه و النداء من المحتوم، إلی غیر ذلک مما لایخفی علی المتتبع؛ و برای این مطلب، قرینه هایی از خود این اخبار یافت می شود؛ از جمله، نسبت داده شدن نداء و صیحه به جبرئیل علیه السلام به صورت مستفیض و زمان صیحه و نداء که شب جمعه، بیست و سوم از ماه مبارک رمضان است و این که هر دو، باعث توجه همگان شده و افراد خواب را بیدار می کند، نشسته را می ایستاند و دختران باحیا را از پرده ها یشان بیرون می آورد و همچنین حتمی بودن صیحه و نداء و مشترکات دیگری که بر اهل تحقیق، مخفی نیست.(۱)

البته، این نکته، قابل ذکر است که ندا یا صیحه آسمانی بر فرض یکی بودن مقصود از آن دو، آیا یک بار واقع می شود یا دو بار؟ و این بحث در بخش دوم، فصل اول، قسمت زمان ندای آسمانی مطرح می شود.

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

فصل دوم: علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکم. تعریف علامات قیام

در روایات نشانه های قیام، دو کلمه «علامه» و «علامات» استعمال شده است و «علامات»، جمع «علامه» است؛ مانند: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات(۱)» یا «علامه خروج المهدی».(۲)

در «لسان العرب» آمده است:

العلامه و العلم شیء ینصب فی الفلوات تهتدی به الضاله؛ علامت و علم، چیزی است که در بیابان ها نصب می شود تا گمشدگان، راهنمایی شوند.(۳)

علامت یا نشانه، چنان که از نامش پیداست، کارکردی جز حکایت گری ندارد؛ مانند: سرفه زیاد که نشان از درد سینه است یا شنیده شدن صدای قطار که نشانه آمدن آن است. در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آمدنش، علامت هایی در احادیث اسلامی آمده است که نشان از فاصله ما تا قیام آن

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۰، باب ۱۴، ح ۴۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۲، باب ۲۵، ح ۱۱۴.

۳- «لسان العرب»، ج ۱۲، ص ۴۱۹.

یگانه هستی است و ندای آسمانی، یکی از نشانه های حتمی آن است.

دوم. تقسیم نشانه های قیام

در کتاب های مختلف، تقسیم هایی برای نشانه های قیام مطرح شده است که در این جا به طور خلاصه بیان می شود:

الف. نشانه های حتمی و غیر حتمی؛ توضیح آن در صفحات بعد خواهد آمد.

ب. نشانه های متصل و منفصل.

متصل. علامت هایی که نزدیک قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع می شوند؛ به صورتی که فاصله زمانی میان آنها و قیام حضرت، مشخص است. مانند قتل نفس زکیه که پانزده شب با قیام، فاصله دارد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لیس بین قیام القائم و بین قتل النفس الزکیه إلا خمس عشره لیله؛ بین قیام قائم علیه السلام و قتل نفس زکیه، فاصله ای نیست؛ مگر پانزده شب.(۱)

منفصل. نشانه هایی که فاصله زمانی آنها با قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نیست و تحقق آنها باعث اطمینان قلبی مؤمنان و ایجاد روحیه امید در میان آنان می شود. مانند: اختلاف بنی عباس. هنگامی که آنان در اوج قدرت بودند و شیعیان زیر فشار آنها قرار داشتند؛ اهل بیت علیهم السلام از اختلاف و نابودی آنان سخن می گفتند و آن را جزء علامت های قیام برمی شمردند.(۲) هم اکنون از زوال بنی عباس، صدها سال می گذرد.

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۵، حد ۴۴۰؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۴، باب۵۷، حد۲.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، ح ۶۷؛ «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد ۴۸۴.

ج. نشانه های عادی و غیر عادی.

عادی. نشانه هایی که واقع شدن آنها مانند پیدایش سایر پدیده ها، روال عادی و طبیعی دارد. مانند خروج سفیانی و قتل نفس زکیه.

غیر عادی. نشانه هایی که واقع شدن آنها از راه عادی و طبیعی، ممکن نیست و نیازمند معجزه هستند. مانند ندای آسمانی و خسف بیداء.

د. نشانه های آسمانی و زمینی.

آسمانی. برخی نشانه ها در آسمان پدید می آیند. مانند: خورشید و ماه گرفتگی در ماه رمضان یا ندای آسمانی.

زمینی. محل وقوع برخی علامت ها زمین است. مانند: خسف بیداء و قتل نفس زکیه.

در این میان، ندای آسمانی از نشانه های حتمی، متصل، غیر عادی و آسمانی شمرده می شود.

سوم. آثار مطرح شدن نشانه های قیام

اشاره

بخش زیادی از روایات مهدویت، مربوط به علامات قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این توجه پیشوایان معصوم علیهم السلام به نشانه های قیام برای چیست؟ برای روشن شدن این مطلب، آثار و پی آمدهای نشانه ها را توسط پیشوایان دین بررسی می کنیم.

الف. امید بخشی

نقش حیاتی و شگفت انگیز امید در سعادت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. وقتی امید می آید، تلاش و حرکت، جای گزین رخوت و سستی می شود

و در یک سخن، انسان با امید زنده است. نشانه های قیام، علامت های نزدیک شدن برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام است. با پدیدار شدن هر یک از نشانه ها، نور امید در دل های مؤمنان، پر فروغ تر می شود و بر اثر آن، مقاومتشان در برابر سختی های دوران غیبت و حیرت، بیشتر و تلاششان برای آمادگی همراهی امامشان، فزون تر می گردد. در روایتی، علی بن یقطین از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الشیعه تربّی بالأمانی منذ مائتی سنه».(۱) علامه مجلسی در توضیح این جمله می گوید: مراد از «تربی بالامانی» این است که آنان، وعده نزدیکی گشایش و قرب ظهور دولت حق را به شیعیانشان می دادند تا مأیوس نشوند و دینشان را رها نکنند.(۲)

در ذیل این روایت گفت وگوی علی بن یقطین با پدرش که از عامه بود، خواندنی است. یقطین به پسرش می گوید: چرا آن چه درباره ما گفتند، محقق شد، ولی آن چه درباره شما گفتند، پدیدار نشد؟ علی بن یقطین پاسخ می دهد. آن چه درباره ما و شما گفته شده، از یک جاست جز این که زمان حکومت شما، حالا است، پس مطابق آن چه به شما گفته اند، واقع شده است و هنوز زمان حکومت ما نرسیده است؛ پس آن را با آرزوها برایمان آراستند و اگر به ما گفته می شد این امر تا دویست یا سیصد سال دیگر اتفاق نمی افتد، دلها ناامید می شد و اکثر مردم از اسلام بر می گشتند؛ ولی گفتند؛ چه زود است و چه نزدیک است واقع شود تا دل ها آماده شود و چشم به انتظار گشایش بمانند. این روایت می رساند همان طور که طبق پیشگویی اهل

۱- «اصول کافی»، ج۱، ص ۳۶۹، ح ۶؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۳۴۱، ح۲۹۲.

۲- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۰۲، باب ۲۱، ذیل ح ۴.

بیت علیهم السلام، حکومت بنی عباس محقق شد، حکومت اهل بیت علیهم السلام هم حتماً واقع می شود؛ ولی چون بعد از زمانی طولانی اتفاق خواهد افتاد، اهل بیت علیهم السلام، آن را امری نزدیک جلوه می دادند تا دل ها به آن امیدوار باشند.

ب. آماده شدن برای ظهور

با تحقق هر یک از نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤمنان خود را برای آن روز بزرگ و یاری امامشان، آماده تر می کنند و کسانی که خود را مشغول به کارهای دیگری کرده اند، به خود می آیند تا گذشته خویش را جبران کنند و به بیان دیگر، آنان بر اثر پدیدار شدن هر یک از نشانه ها از جهت روحی، جسمی، فردی و اجتماعی، خود را برای شرکت در حکومت حضرت آماده می کنند. از طرف دیگر، بخشی از نشانه های قیام، چون سفیانی و یمانی از امور سیاسی اسلام به حساب می آیند که همگان به خصوص مسئولان باید به آنها توجه کنند و خطر آنها را به حداقل رسانده و به تقویت یاران و همفکران خود بپردازند.

ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین

با رخداد هر یک از نشانه ها، حقانیت سخن پیشوایان دین، بیشتر نمایان می شود و همچنین باعث اطمینان بیشتر به نشانه های به وقوع نپیوسته و تحقق اصل ظهور می شود.

د. روشی برای شناخت و برنامه ریزی درست

نشانه های قیام مهدی آل محمد علیهم السلام، حوادث آینده بشر است. اهل بیت علیهم السلام با بیان آنها، آینده را پیش روی ما گذاشته اند تا در هنگام رخ دادن هر یک از آنها، برای

مواجهه درست با آنان، برنامه ریزی مناسب را انجام دهیم.

ه. روشی برای شناخت مدعیان دروغین

با شناخت نشانه های واقعی قیام، به سادگی، دروغ بودن ادعاهای کسانی که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت دارند، روشن می شود. همان گونه که در توقیع آخر، دستور به تکذیب مشاهده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از ظهور سفیانی و ندای آسمانی داده شده است.

و. جلوگیری از انحرافهای فکری

آدمی، همواره مشتاق شنیدن خبرهایی در مورد آینده است. با طرح این اخبار واقعی از روایات اسلامی، جلوی پخش اخبار کاهنان و غیب گویان شیاد گرفته می شود و انسان های باایمان، شناخت درستی از حوادث آینده پیدا می کنند.

ز. احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشوازی از آمدن او

آغاز هر کاری با مقدماتی صورت می گیرد. هر مقدار، آن کار، اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدماتش گرانسنگ تر خواهد بود. پروردگار باعظمت برخی از نشانه های قیام، مانند باران های پیاپی و ندای آسمانی را، به پیشوازی نماینده خود و تشکیل دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام می آورد.

چهارم. نشانه های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور

بر اساس برخی از احادیث مهدویت، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی توان به زمان خاصی محدود کرد، بلکه در همه وقت، احتمال ظهور وجود دارد. بیان این روایات:

الف. روایاتی که به مؤمنان توصیه می کنند باید پیوسته در هر صبح و شام، منتظر گشایش باشند.

مثال: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

... توقعوا الفرج صباحاً و مساءا؛ هر صبح و شام، منتظر گشایش باشید.(1)

ب. احادیثی که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ناگهانی و در زمانی که انتظار آن نمی رود، مطرح می کنند.
مثال: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود:

به پیامبر گرامی اسلام گفته شد:ای رسول خدا، قائم از ذریه شما چه وقت خروج می کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مثله مثل الساعه لایجلیها لوقتها إلا هو... لاتأتیکم إلا بغته؛ مثل زمان خروج قائم اهل بیت علیهم السلام، مانند زمان قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی داند... و آن نمی آید مگر به صورت ناگهانی.(2)

ج. روایاتی که بر اساس آنها، امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک شب، اصلاح خواهد شد.

مثال: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

المهدی منا اهل البیت یصلح الله له امره فی لیله؛ مهدی از ما اهل بیت

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۷، ح ۴۶۸؛ «الغیبه نعمانی»، ص۱۶۵، باب۱۰، ح۱.
۲- «عیون اخبار الرضا»، ج ۲. ص ۲۶۶، باب ۶۶، ح ۳۵؛ «بحارالانوار»، ج۵۱، ص۱۵۴، باب ۸، ح۴.

است و خداوند، امرش را در یک شب، درست می کند.(۱)

د. احادیثی که مشخص کنندگان زمان ظهور را تکذیب می کنند.

مثال: وقتی فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: آیا برای این امر (ظهور)، وقت مشخصی است؟

امام در پاسخ، سه بار فرمود: «کذب الوقّاتون»(۲) و در حدیثی دیگر، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

کذب الوقاتون و هلک المستعجلون و نجا المسلمون؛ تعیین کنندگان وقت دروغ گفتند و عجله کنندگان، هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند.(۳)

بر اساس این احادیث، نشانه های قیام قائم آل محمد علیهم السلام به دلیل تعیین کردن وقت و تدریجی بودن وقوعشان در امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی تواند جایگاهی داشته باشد؛ زیرا این امر با مشخص نبودن زمان ظهور و ناگهانی بودن و تکذیب مشخص کنندگان وقت برای ظهور، سازگار نیست.

بیان چند فرض برای پاسخ:

فرض اول: مراد از تعیین وقت برای ظهور، مشخص کردن سال ظهور است، اما ماه و روز ظهور، مشخص باشد. اشکالی وارد نمی کند و در هیچ یک از علایم قیام، سال ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نشده است و کسی نمی داند در چه سالی امر ظهور، رخ خواهد داد؛ به عبارت دیگر، علایم قیام به صورت دقیق و مشخص، وقتی را برای ظهور مشخص نمی کنند و مراد از

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۳۰۲، باب ۶ حد۴؛ «بحارالانوار»، ج۵۲، ص ۲۸۰، باب ۲۶، حد۷.

۲- «اصول کافی»، ج۱، ص ۳۶۸، حد ۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۲۵، حد ۴۱۱.

۳- «اصول کافی»، ج۱، ص ۳۶۸، حد ۲؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۲۶، حد س۴۱۳.

توقیت، مشخص کردن وقتِ دقیق، مثلاً پنجاه سال دیگر است.(۱)

این پاسخ، گرچه مشکل توقیت را نسبت به سال پاسخ می دهد، اما ناگهانی بودن امر ظهور را پاسخ نمی دهد.

فرض دوم: در برخی روایات، کلمه «فرج» آمده است که به معنی گشایش است و می تواند مقصود از آن، هر نوع گشایشی برای مؤمنان باشد و اختصاصی به امر ظهور ندارد.

این پاسخ، گرچه دسته ای از احادیث را توجیه می کند و جواب می دهد؛ ولی روایات دیگر، بی پاسخ می ماند.

فرض سوم: اصلاح امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب و ناگهانی بودن ظهور را می توان با نشانه های قیام جمع کرد و آن، این که علامت های متصل به قیام را جزئی از امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست؛ به عبارت دیگر، نشانه های متصل به قیام ــ که به فاصله اندکی از قیام حضرت روی می دهد ــ به غلط به عنوان نشانه های ظهور مطرح می شوند؛ در حالی که این نشانه ها، جزئی از فرایند ظهور است؛ نه نشانه هایی قبل از ظهور. برای مثال در روایت داریم: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ندای آسمانی را می شنوند؛ خارج می شوند؛(۲) در حالی که زمان ندای آسمانی، بیست و سوم ماه مبارک رمضان گفته شده است و زمان قیام از کنار کعبه، روز دهم محرم.

یا در حدیثی آمده است، حضرت در مدینه به سر می برد که سفیانی با خبر می شود و سپاهی برای یافتن او می فرستد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طرف مکه

۱- برگرفته از «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۲۲۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب۱۴، حد ۱۳ و ص۳۰۱، باب۱۶، حد۶.

می رود و سپاه سفیانی به دنبال او می آید و در سرزمین بیداء به زمین فرو می روند و آن هنگام، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه آغاز می شود.(۱) یعنی قبل از قیام حضرت مهدی، ایشان ظهور کرده است؛ به صورتی که دشمنان، از وجود او در مدینه، با خبر می شوند و سپاهی برای دستگیری او می فرستند.

در نتیجه می توان گفت: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اعلان نام مبارکشان آغاز می شود و ایشان، زمینه ها را برای قیام در روز دهم محرم آغاز می کند. و آن چه ناگهانی است، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و بعد از آن با فاصله اندکی، قیام آغاز می شود و نشانه ها میان این دو قرار دارند؛ یعنی نشانه های قیام، محسوب می شوند؛ نه نشانه های ظهور.

فرض چهارم: چشم به انتظار ظهور بودن در هر حال با واقع شدن آن در هر زمان ملازمت ندارد. چه بسا با پدیدار نشدن آن امر نیز سازگاری داشته باشد. برای مثال: کسی که می داند محبوبش سال دیگر می آید؛ ولی از هم اکنون، هر لحظه منتظر اوست و از تمام وجودش چشم به راهی، مشاهده می شود. برای همین می بینیم، امام جعفر صادق علیه السلام با این که می داند با ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سال ها فاصله دارد، اما این جمله های زیبا را در وصف ایشان، در حالی که اشک از چشمان مبارکشان سرازیر است، بیان می فرماید:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علیّ مهادی و ابتزت منی راحه فؤادی سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الأبدو...؛ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب

۱- «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص۲۴۴؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب۱۴ حد ۶۷.

کرده است. ای آقای من غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده است و... .(۱)

به نظر می رسد بهترین پاسخ، جواب سوم باشد که در آن، هم ناگهانی بودن ظهور و هم مشخص نبودن وقت ظهور به شکل مناسبی با علایم قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع شده است.

برخی از نویسندگان، بهتر از دیگران این بحث را آورده اند.(۲)

پنجم. نشانه های حتمی و بداء

اشاره

با توجه به حتمی بودن نـدای آسـمانی، آیا احتمال دارد که ندای آسـمانی، اتفاق نیفتد و به عبارت دیگر آیا می شود در نشانه های حتمی، بداء حاصل شود؟

در روایـتی، داود بن قـاسم جعفری می گویـد: نزد ابـو جعفر، امـام جواد علیه السـلام بودیم که از سـفیانی و حتمی بودن امر او سخن به میان آمد، از ابوجعفر علیه السلام پرسیدم:

هل یبدو لله فی المحتوم؟ قال: نعم؛ آیا در امر محتوم؛ بداء حاصل می شود؟ فرمود: بلی. به آن حضرت گفتم: می ترسم در امر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بداء حاصل شود؟! فرمود: ان القائم فی المیعاد و

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۳۵۲، باب۳۳، حد۵۱؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۱۶۷، حد ۱۲۹.

۲- «سفیانی از ظهور تا افول»، ص ۳۱.

الله لایخلف المیعاد؛ آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از وعده های الهی است و خداوند، خلف وعده نمی کند.(۱)

این حدیث، بداء را در امور حتمی جایز می شمرد و بر اساس این روایت، احتمال دارد ندای آسمانی، واقع نشود.

قبل از پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا چند واژه که به بحث مربوط است، را معنی می کنیم:

- نشانه غیر حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرایط آن و نبودن مانع است. یعنی اگر شرایط فراهم باشد و مانعی نباشد، به وجود می آیند. در روایت از آن تعبیر به «موقوفه»(۲) شده است. یعنی نشانه ای که آمدنش، متوقف بر چیز دیگری است.

- نشانه حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرطی یا نبود مانعی نباشد و به طور حتم و صد درصد واقع شود.

به همین دلیل می بینیم علامه مجلسی در توجیه روایت بالا می گوید:

یحتمل أن یکون المراد بالبداء فی المحتوم، البداء فی خصوصیاته لا فی اصل وجوده کخروج السفیانی قبل ذهاب بنی العباس و نحو ذلک؛ احتمال دارد مراد از واقع شدن بداء در امور محتوم، بداء در خصوصیات آنها باشد؛ نه در اصل

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۴۱۴، باب ۱۸، حد۱۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۳۱۳، باب ۱۸، حد۶.

وجود آنها، مانند: خروج سفیانی، قبل از نابودی بنی عباس و مانند آن.(۱)

- بداء؛ معنای لغوی بداء، آشکار شدن است.

شیخ طوسی می گوید:

و اما البـداء فحقیقته فی اللغه هو «الظهور» و لـذلک یقال: «بـدا لناسور المـدینه» و «بـدا لنا وجه الرای» و قال الله تعالی «وَبَدَا لَهُمْ سَیِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»(۲) «وَبَدَا لَهُمْ سَیِّئَاتُ مَا کَسَبُوا»(۳) و یراد بذلک کله «ظهر»؛ حقیقت بداء در لغت به معنی «ظهور» آمده است و برای همین گفته می شود: «بدا لناسور المدینه»، یعنی دیوارهای شـهر برای ما آشـکار شد. و «بدا لناوجه الرأی»، یعنی برای ما مقصود نظر آشـکار شد و کلام خدای متعال «و بدا لهم سیئات ما عملوا» و «و بدا لهم سـیئات ماکسبوا» و در همه اینها، مراد از «بدا»، ظاهر و آشکار شدن است.(۴)

- اگر مراد از «بداء»، آشکار شدن بعد از جهل باشد، در مورد خداوند، درست نیست؛ زیرا خداوند به همه چیز و در همه زمان ها آگاه است، ولی اگر مراد از «بـداء» را ماننـد معنای لغوی، ظهور رأی بـدانیم، چه مسبوق به جهل باشـد یا نباشد، می توانیم بداء را به خداوند اسناد دهیم. سید مرتضی علم الهدی می گوید:

۱- «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۵۱.

۲- جاثیه (۴۵): آیه ۳۳.

۳- زمر (۳۹): آیه۴۸.

۴- «العدّه»، ج۲، ص ۴۹۵.

یمکن حمل ذلک علی حقیقته بأن یقال «بـدا له تعالی» بمعنی أنه ظهر له من الأمر ما لم یکن ظاهرا له؛ ممکن است کلمه «بداء» را در جمله «بدا له تعالی»، حمل بر معنای حقیقی آن کنیم، یعنی بگوییم در خارج، ظاهر شد امری که سابقاً ظاهر نبود.(۱)

در نتیجه، مراد از بـداء در نشـانه های قیام، رخ دادن امری بر خلاف آن چه در احادیث مطرح شـده است، می باشـد یا این که اصلاً اتفاق نیفتد.

اما پاسخ سؤال:

توجیه علامه مجلسی نمی تواند مناسب باشد؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است؛ ولی می توان گفت:

اولاً. روایت از جهت سند به دلیل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله الخالنجی»، ضعیف محسوب می شود.

ثانیاً. بر فرض اعتبار سند با احادیث دیگری که امور حتمی را تغییر ناپذیر معرفی می کنند، منافات دارد.(۲)

ثالثـاً. «غرض و منظور از قرار دادن نشانه ها، آن است که مردم به وسـیله آنها، امام غایب خود را بشناسـند و از هر کسـی که به دروغ، ادعای امامت کنـد، پیروی ننماینـد؛ پس هر گاه، تمام نشانه ها تغییر کنـد و هیچ یک از آنها برای مردم آشکار نگردد، نقض غرض لازم می آید و این بر خداوند محال است».(۳)

۱- «العدّه»، ج۲، ص ۴۹۶؛ «بداء از نظر شیعه»، ص۳۶.

۲- «الغیبه نعمانی»، باب ۱۸، حد۴ و۶ و۷؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۹، حد۴۵۲.

۳- «مکیال المکارم»، ج۱، ص۵۱۲.

رابعاً: می توان از روایات، سه نوع امر را استفاده کرد:

الف. اخباری که اگر شرایط حاصل شود و مانعی نباشد؛ حادث می شوند.

ب. اخباری که تمام شرایطشان حاصل است و مانعی برای تحقق ندارند؛ مگر اراده و خواست الهی.

ج. اخباری که تمام شرایطشان آماده است و مانعی ندارند و خداوند در تغییر آنها دخالت نمی کند؛ گرچه قدرت بر این کار دارد، ولی با صفات ربوبی او نمی سازد. مانند ظلم کردن که خداوند قادر بر آن است، ولی از باری تعالی، محال است: «و لایظلم ربک احداً»؛(۱) چون منافی با عدل الهی است. همچنین وعده الهی که خداوند، خلف وعده نمی کند: «إن الله لایخلف المیعاد».(۲)

امور حتمی از نوع دوم است، یعنی شرایطشان حاصل و مانعی برای تحققشان وجود ندارد، ولی اراده و خواست الهی در تحقق آنها دخیل است.(۳) و پروردگار متعال به دلیل اثرهای مطلوب نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثرهای نامطلوب رخ ندادن آنها از تحققشان جلوگیری نمی کند.

آیا ندای آسمانی از نشانه های حتمی است؟

پاسخ، مثبت است. در احادیث علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندای آسمانی از حتمیات شمرده شده است و با عبارت های مختلف بیان شده است.

۱- کهف (۱۸): آیه ۴۹.

۲- آل عمران (۳): آیه۹؛ رعد (۱۳): آیه ۳۱.

۳- برگرفته از «دراسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء»، ص ۶۰.

بیان عبارت های مختلف دال بر حتمی بودن ندای آسمانی:

۱. واژه «محتوم»: شش حدیث، حتمی بودن ندای آسمانی را بیان کرده اند.

یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «نعم و النداء من المحتوم»(۱) و پنج روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های «النداء من المحتوم»(۲)، «من المحتوم الذی لابد أن یکون من قبل قیام القائم»،(۳) «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات»،(۴) این مطلب را ذکر نموده اند.

از میان این شش حدیث، چهار روایت از جهت سند معتبر می باشند.

۲. ترکیب «نفی» و واژه «حتی»: چهار حدیث با این ترکیب، حتمی بودن ندای آسمانی را مطرح می کنند.

یک روایت از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «إنه لایکون حتی ینادی مناد من السماء(۵)» و سه حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های «لایخرج القائم حتی ینادی باسمه»،(۶) «إن القائم لایقوم حتی ینادی مناد من السماء»(۷) و «لا یکون هذا الامر الذی تمدون الیه أعناقکم حتی ینادی مناد من السماء»،(۸) این مطلب را می رسانند که از میان این چهار حدیث، روایت سوم،

ص:۵۲

۱- «الارشاد»، ج۲، ص ۳۷۱؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص ۴۵۹.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۱، باب۱۴، حد۱۱؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب۱۴، حد۲۶.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب ۵۷ حد۷؛ «الخصال»، ص۳۰۳، باب ۵، ح ۸۲.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۵، باب ۱۴، حد۱۴.

۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد۶.

۷- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد۱۳۴.

۸- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵. باب۱۴، حد۳۴.

از جهت سند، معتبر است.

۳. واژه «لابد»، دو حدیث با این واژه، حتمی بودن ندای آسمانی را می رسانند.

یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «لابد من مناد ینادی باسم رجل»(۱) و روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که عبارت آن در قسمت واژه «محتوم» مطرح شد، این مطلب را بیان می کنند. حدیث دوّم از جهت سند، معتبر است. این احادیث، حتمی بودن اصل ندای آسمانی را می رسانند، ولی بیان کننده حتمی بودن خصوصیات ندای آسمانی نیستند. برابر مثال، این حتمی بودن را نمی توان به زمان مشخصی تسرّی داد. یعنی اگر زمان ندا، شب جمعه و بیست و سوم ماه رمضان معرفی می شود و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه بیست و سوم ماه رمضان می باشد، این مطلب، حتمی نیست و احتمال «بداء» در آن می رود و می توان هر روز یا شب، منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. «توقعوا الفرج صباحاً و مساءاً»،(۲) ولی اصل ندا، حتماً واقع می شود.

ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی

تعدادی از نویسندگان، برخی نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمادین دانسته اند آیا می توان ندای آسمانی را نیز نمادین دانست یا نه؟

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۳، حد ۴۲۳.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۷، حد۴۶۸.

بیان دو دیدگاه:

الف. علامات قیام، واقعی و غیر نمادین هستند و آن چه در روایات اسلامی، مطرح شده است، به همان صورت واقع می شوند.

ب. نشانه های قیام، نمادین هستند و مراد از آنها بیان مطالب در احادیث به صورت نمادین است؛ نه صریح مطالب طرح شده. مثال: برخی از بزرگان، مراد از «دجال» _ که به عنوان نشانه ای از علایم آخرالزمان مطرح شده است _ را نمادین دانسته اند. آیت الله مکارم شیرازی می نویسد:

بعید نیست دجال با آن صفاتی که گفته شد، اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستم گر در دنیای ماشینی باشد.(۱)

اما آیا در مورد ندای آسمانی، کسی ادعای نمادین و رمزی بودن آن را کرده است یا خیر؟

یکی از فرض هایی را که یک محقق در بیان مراد از «صیحه و فزعه»، مطرح می کند، این است که:

أن یکون المراد بالصیحه و الفزعه معان طبیعیه غیر اعجازیه فالفزعه تعبیر عن وجود رعب عام لسبب من الاسباب کتوقع حرب أو وباء مثلاً و یکون المراد باالصیحه صوت عظیم صادر من بعض القنابل أو الصواریخ أو من اختراق احدی الطائرات حاجز الصوت او انفجار بعض المستودعات... و نحو ذلک؛ این که مراد از صیحه و فزعه، معانی طبیعی غیر اعجازی است. در نتیجه، منظور از «فزعه»، وجود ترس

۱- «حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص۱۷۸.

فراگیری است که آن به سبب جنگ یا وبا حاصل می شود و مراد از «صیحه»، صدای بسیار بلندی است که از بعضی بمب ها یا موشک ها یا از شکستن دیوار صوتی به وسیله برخی هواپیماها یا انفجار بعضی از انبارها و مخازن صورت می گیرد... و مانند آن.(۱)

البته ایشان، این فرضیه را رد می کند و می گوید:

غیر أن الأطروحه بعیده للغایه عن مدالیل هذه الأخبار و سیاقها العام؛ این فرضیه، بعید است؛ به دلیل دور بودن از مقصود اخبار (صیحه و فزعه) و سازگار نبودن با سیاق آنها.(۲)

نویسنده دیگر این مطلب را به صورت احتمال ذکر می کند و می گوید:

«احتمال دیگر، این است که مقصود از آن دو (صیحه و فزعه)، عذاب دنیوی و جنگ هایی جهانی باشد که توسط بشر، قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد؛ مانند انفجارهای اتمی در سرتاسر عالم در یک زمان؛ به این نحو که اصل این گونه انفجارها در اروپا و آمریکا و روسیه و چین تحقق می یابد؛ به نحوی که همه را به جزع و فزع وا می دارد، ولی مسلمین از آن در امانند و تنها صدایش به گوش آنان می رسد.»(۳)

ولی در پایان می گوید:

«با نظری به مجموع احادیث «صیحه و فزع و ندای آسمانی» پی می بریم که تمام آنها به یک معنای مشترک اشاره دارند؛ گرچه با تعابیر

ص:۵۵

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص۱۲۶.

۲- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص۱۲۶.

۳- «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، ص ۵۳۰.

مختلف آمـده انـد و بر این ادعا می توان شواهـدی اقامه نمود: الف. صـیحه و ندا، هر دو به جبرئیل نسبت داده شده است. ب. وقت هر دو در یـک زمـان، یعنی شب جمعه، بیست و سوم مـاه رمضـان معین شـده است. ج. آثـار این دو، یکسـان بیـان شـده است.»(۱)

و در مقاله ای نیز «ندای آسـمانی»، نمادین معرفی شده است: در این نوشـتار آمده است: «گرچه پدیدار شدن ندای آسـمانی به گونه معجزه، مـانعی نـدارد، ولی تحقق آن به طور طـبیعی هم امکـان دارد و لزومی نـدارد که آن را پیچیـده و حمـل بر معجزه کنیم. در عصـر صـدور این روایـات، پیش بینی چنین حوادثی، فوق العاده عجیب و تحقق عادی آن غیر ممکن می نموده، ولی در جهان امروز، واقع شدن چنین پدیده ای امری بسـیار طبیعی و عادی است. با اسـتفاده از ماهواره و ابزارهای پیشرفته صوتی و تصویری فرسـتنده های قوی و مـدرن تلویزیونی، رادیویی و وسایل و ابزار پیشـرفته قوی که امکان دارد در آینـده به کار گرفته شود، به آسـانی و همزمـان می توان فریـاد حق را به گوش همه جهانیـان رسانـد. بر این اسـاس، منظور از جبرئیـل که در برخی روایات آمـده، سـخن گوی حق و مراد از شـیطان، سـخن گوی باطل است. امروز، اسـتکبار جهانی با اسـتفاده از همین ابزار در گمراهی مردم و ادامه سلطه خویش بهره می برد و سرسختانه، مردم را به حمایت از باطل دعوت می کند».(۲)

این احتمال در مورد «صـیحه و فزعه» مطرح شده است؛ ولی با توجه به جنبه های مختلف احادیث «صـیحه و ندای آسمانی» در می یابیم که گرچه

۱- «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، ص ۵۳۱

۲- بررسی نشانه های ظهور؛ «چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص۲۸۷.

نـدای آسـمانی، حـالت عـادی و طبیعی نـدارد و معجزه ارتبـاطی محسوب می شود؛ چون همگان با زبان مادری، این نـدا را به صورت یکسان می شـنوند که جبرئیل امین علیه السـلام، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را با نام و نسب معرفی می کند؛ ولی غیر عادی بودن آن دلیل بر این نیست که ما آن را نپذیریم؛ زیرا اولاً، صدای بامحتوا و خصوصیات مطرح شده و از جبرئیل امین علیه السـلام بودن آن نمی توانـد حاصل از انفجار یا صـداهایماننـد آن باشد. و ثانیاً، گرچه روش حجت های الهی در تبلیغ و اجرای دین به صورت عادی و طبیعی بوده است؛ ولی برای اثبات حقانیت خود از معجزاتی سود می برند و این معجزات در همه ادیان الهی مطرح و ثابت شده است.

امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نیز برای شـناساندن خود به جهانیـان و اثبـات حقانیت خویش، نیازمنـد این معجزه ارتباطی است.

فصل سوم: ندای آسمانی در قرآن کریم

اشاره

برخی از آیات قرآن کریم به وسیله احادیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر ندای آسمانی تفسیر یا تطبیق داده شده اند. در این جا به برخی از این آیات می پردازیم:

آیه اول:

اشاره

«إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّن السَّمَاء آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»(۱)

ترجمه: اگر بخواهیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان در برابر آن فروتن شود.

تفسیر اجمالی آیه

این آیه، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لعلك باخع نفسک ألا یکونوا مؤمنین»؛ چه بسا تو جانت را می فرسایی که چرا (مشرکان) ایمان نمی آورند. ابوالفتوح رازی می گوید:

ص:۵۸

۱- شعراء (۲۶): آیه ۴.

سبب نزول آیت آن بود که رسول صلی الله علیه و آله و سلم، اهل مکه را دعوت کرد و ایشان ایمان نمی آوردند، رسول، دل تنگ شد و اثر رنج او پیدا می شد. خدای تعالی گفت: خویشتن را هلاک خواهی کردن؛ برای آن که ایشان ایمان نمی آورند.(۱)

در ادامه آیه می فرماید: اگر خداوند بخواهد می تواند همه مشرکان را وادار به ایمان اجباری کند.

جایگاه آیه در بحث مهدویت

در میان احادیث ائمه علیهم السلام، نُه روایت، مراد از آیه را «صیحه» یا «ندای آسمانی»(۲) و دو حدیث، مراد از آن را «فزعه» می دانند(۳) و یک روایت از ابن عباس، مراد از این آیه را برپایی دولت اهل بیت علیهم السلام و سرنگونی دولت بنی امیه می داند(۴) و روایتی از امام محمد باقر علیه السلام، مراد از آیه را رکود خورشید از هنگام زوال تا عصر دانسته است. (۵)

در میان احادیثی که مراد از «آیه» را صیحه یا ندای آسمانی بیان می کنند، پنج روایت با سند صحیح وجود دارد که در این جا به بیان دو حدیث

ص:۵۹

۱- «روض الجنان و روح الجنان»، ج۱۴، ص ۳۰۲.

۲- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۱۱۸؛ «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد۴۸۳؛ «الغیبه نعمانی»، باب۱۴، حد ۱۹ و۲۰ و۲۳؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۱۷۷، حد۱۳۴؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج۳، ص۱۸۱، حد۱۲؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ج۱، ص۳۸۶، حد۲.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۰، باب۱۴، حد۸؛ «تأویل الآیات الظاهره» ج۱، ص۳۸۴.

۴- «شواهد التنزیل»، ج۱، ص۵۴۰.

۵- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۳.

از این روایات می پردازیم.

حدیث اول؛ روایت حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیه السلام :

إن القائم لایقوم حتی ینادی مناد من السماء، تسمع الفتاه فی خدرها و یسمع اهل المشرق و المغرب و فیه نزلت هذه الآیه «إن نشأ ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین»(۱)؛ فرمود: همانا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند؛ مگر این که منادی از آسمان ندا می دهد، دختران پرده نشین و اهل مشرق و مغرب، آن را می شنوند و در مورد آن، این آیه ان نشأ ... نازل شده است.

حدیث دوم؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام :

قال: کنت عند أبی عبدالله علیه السلام، فسمعت رجلاً من همدان یقول له: إن هؤلاء العامه یعیرونا و یقولون لنا، انکم تزعمون أن منادیاً ینادی من السماء باسم صاحب هذاالامر و کان متکئا فغضب و جلس ثم قال: لاترووه عنّی وارووه عن أبی و لاحرج علیکم فی ذلک، اشهد أنی قد سمعت أبی علیه السلام یقول: والله إنّ ذلک فی کتاب الله عزوجل لبیّن حیث یقول: «إن نشأ ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین» فلایبقی فی الارض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته لها... ؛(۲) عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از همدان به حضرت می گوید: همانا آنان، یعنی عامه، ما را

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۱۷۷، حد۱۳۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب ۱۴، حد۱۹.

مسخره می کنند و به ما می گویند: شما گمان می کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می دهد؟! عبدالله بن سنان می گوید: امام در حالی که تکیه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست، سپس فرمود: از من روایت نکنید و از پدرم روایت کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می دهم همانا من از پدرم شنیدم که می فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب خدای عزوجل، واضح است. سپس آیه را تلاوت فرمود، و فرمود: پس در آن وقت، کسی در زمین نمی ماند؛ مگر این که گردنش در مقابل آن خاضع و فروتن می شود.

هر دو روایت از جهت سند، معتبر هستند و تمامی راویان آنها توثیق شده اند. و مصداق آیه را ندای آسمانی معرفی می کنند.

دیدگاه مفسران

تفسیر آیه با آن چه در این روایات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل، مفسران در پی پاسخ این اشکال بر آمده اند.

علامه طباطبایی در مورد این روایات می گوید:

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی «ان نشأ ننزل علیهم...» حدثنی ابی عن ابن ابی عمیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: تخضع رقابهم یعنی بنی امیه و هی الصیحه من السماء باسم صاحب الأمر، أقول؛ و هذا المعنی رواه اللکینی فی روضه الکافی و الصدوق فی کمال الدین و المفید فی الارشاد و الشیخ فی الغیبه و الظاهر أنه من قبیل الجری دون التفسیر لعدم مساعده

سیاق الآیه علیه؛ در تفسیر قمی ذیل آیه «ان نشأ ننزل...» می گوید: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: گردن هایشان- یعنی بنی امیه- با اعلان صیحه آسمانی به نام صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نرم و خاضع می شود. می گویم این معنا را کلینی در روضه کافی و صدوق در کمال الدین و مفید در ارشاد و شیخ در الغیبه روایت کرده اند و ظاهر این روایات، از باب جری و تطبیق است؛ نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر بودن آن نمی سازد.(۱)

- این حدیث در تفسیر قمی از ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق علیه السلام نقل شده است.(۲)

آیت الله مکارم شیرازی در این مورد می نویسد:

روشن است که منظور از این روایات، بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبر حکومت جهانی، تمام حکومت های ظلم و جور _ که خط بنی امیه را ادامه می دهند _ به حکم اجبار در برابر قدرت مهدی و حمایت های الهی او سر تسلیم فرود می آورند.(۳)

جمع بندی و نتیجه گیری

مشاهده شد که اهل تفسیر، «ندای آسمانی» را از باب جری و تطبیق و بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه دانسته اند، یعنی مفهوم آیه، این است که:

۱- «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج۱۵، ص ۲۵۴.

۲- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۱۱۸.

۳- «تفسیر نمونه»، ج۱۵، ص۱۸۸.

خداوند هر وقت بخواهد معجزه ای از آسمان می فرستد تا گردن ها در برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خدا شوند. اتفاقاً «ندای آسمانی»، این ویژگی ها را داراست. یعنی اولاً از طرف خداوند است و ثانیاً، حالت اعجاز دارد و ثالثاً، باعث کرنش و پذیرش ابتدایی همگان می شود. در روایت آمده است: «فلا یبقی فی الأرض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته لها(۱)»؛ بر روی زمین در آن روز کسی باقی نمی ماند؛ مگر این که در برابر این معجزه آسمانی، گردنش افتاده و تسلیم می شود. اما این یک مصداق خارجی است از مفهوم وسیع آیه ۴ سوره شعراء که در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد و بنابر کثرت روایات در مورد آن شاید بتوان گفت مهم ترین مصداق آیه است.

پاسخ به یک سؤال:

خداوند، کسی را از روی اجبار دعوت به پذیرش ایمان نمی کند. شیخ طوسی می گوید:

لکن ذلک نقیض الغرض بالتکلیف لأنه تعالی لو فعل ذلک لما استحقوا ثواباً و لامدحاً؛ ایمان اجباری، مقصود از تکلیف را نقض می کند؛ زیرا خدای تعالی اگر این کار را بکند، دیگر مستحق ثواب و مدح نخواهد بود.(۲)

به همین دلیل، وی انجام این کار را از خداوند نفی می کند.

اما وقتی در آیات قرآن می نگریم، در مورد بنی اسرائیل می خوانیم:

ص:۶۳

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

۲- «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج۸، ص۵.

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ وقتی که کوه (طور) را بر سر آنـان برافراشتیم، گویی سایبـانی بود و گمان بردنـد که بر آنان فرو خواهـد افتاد (و گفتیم) آن چه به شـما داده ایم با قوت بگیرید و آن چه در آن هست، به خاطر بسپارید؛ شاید که تقوا، پیشه کنید.(۱)

در نتیجه، خداونـد، بنی اسـرائیل را مجبور به ایمان و پذیرش دسـتورات تورات می کند؛ وقتی آنان به دلیل سـختی شـریعت از پذیرفتن آن سرباز می زدند.

شیخ طوسی می گوید:

و کان سـبب رفع الجبل علیهم ان موسـی علیه السلام لما أتاهم بالتوراه و وقفوا علی ما فیها من الأحکام و الحدود و التشدید فی العبـاده أبوا أن یقبلوا ذلـک و ان یتمسـکوا به و ان یعملوا بمـا فیه و قـالوا: إن ذلـک یغلـظ علینـا، فرفع الله الجبـل کـالظله علیهم وعرفهم موسـی انهم إن لم یقبلوا التوراه و لم یعملوا بمـا فیهـا وقع علیهم فأخـذوا بالتوراه و قبلوا ما فیها و صـرف الله نزول الجبل علیهم؛ دلیل قرار گرفتن کوه بر آنان این بود که وقتی حضـرت موسی علیه السلام تورات را برایشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختی عبادت و پذیرش آن را فهمیدند، از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند و گفتند: این کار بر ما سخت و

۱- اعراف (۷): آیه ۱۷۱.

سنگین است. پس خداونـد، کوه راماننـد سایبانی بر روی آنان افراشت و حضـرت موسـی علیه السـلام به آنان فهمانـد که اگر تورات را نپذیریـد و به دسـتورهای مطرح شـده در آن عمل نکنیـد، کوه بر شـما فرود می آیـد. به همین دلیل، آنان، تورات را پذیرفتند و خداوند، فرود آمدن کوه را از آنان بازداشت.(۱)

مشاهده می شود که شیخ، طوسی ایمان اجباری نسبت به بنی اسرائیل را می آورد و هیچ اعتراضی نسبت به بی ارزش بودن آن یـا توجیهی برای آن نمی آورد. در آیه مورد بحث، انجـام نـدادن معجزه ای از پروردگـار برای خضوع گردن ها اسـتفاده نمی شـود و در این آیه آمـده است: «إن نشـأ»؛ اگر بخواهیم، یعنی به مشـیت و خواست پروردگـار بسـتگی دارد. پس احتمـال دارد همان طور که خداوند نسـبت به بنی اسـرائیل، این کار را انجام داد نسبت به این امت نیز انجام دهد، یعنی معجزه ای از آسمان فرو فرستد و همگان را در برابر آن تسلیم و خاضع کند.

در تفسـیر نمونه، این سؤال مطرح شده که آیا ایمان آوردن در این حال (کوه طور بالای سـر) جنبه اجباری ندارد؟ و پاسخ می دهد: «شک نیست که در آن حال، یک نوع اضـطرار بر آنان حکومت می کرده، ولی مسـلماً بعداً که خطر بر طرف شد، راه را بـا اختیار خود می توانسـتند انتخاب کننـد.»(۲) و این مطلب در مـورد نـدای آسـمانی نیز صـادق است؛ یعنی گرچه نـدا بـاعث کرنش ابتدایی همگان می شود؛ ولی بعداً هر شخصی راه خود را انتخاب می کند.

۱- «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج۵، ص۲۵.

۲- «تفسیر نمونه»، ج۶، ص۲۳۸.

آیه دوم:

اشاره

«وَإِن یَرَوْا آیَهً یُعْرِضُوا وَیَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ»(۱)

ترجمه: و اگر آیه ای – معجزه ای- ببینند، روی بگردانند و گویند جادویی پایدار است.

تفسیر اجمالی آیه

این آیه در مورد «شق القمر» است که پیامبر گرامی اسلام به اذن پروردگار، ماه را دو پاره کرد ــ و از این معجزه در این آیه یاد شده است که خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید مشرکان وقتی معجزه می بینند، به جای ایمان آوردن به پیامبری تو، روی برمی گردانند و می گویند: این سحری مستمر است.

تعبیر «مستمر»، اشاره به معجزات مکرّری است که از پیامبر گرامی اسلام دیده بودند که شق القمر در ادامه آنها بود و آنان، همه را بر تداوم سحر حمل می کردند و از پذیرش حق، سر باز می زدند.(۲)

جایگاه آیه در بحث مهدویت

دو حدیث، این آیه را به مباحث مهدویت ربط داده است.(۳) گرچه این دو روایت از دو راوی متفاوت، یعنی عبدالله بن سنان و عبدالصمد بن بشیر از

۱- قمر (۵۴): آیه۲.

۲- برگرفته از «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج۹، ص۴۴۳؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج۵، ص۲۱۴، حد۱۰۲۶۱.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹ و ص۲۶۹، حد۲۰؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۲، باب۲۶، حد۴۰.

امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده اند؛ ولی به دلیل شباهت در محتوا، یک روایت با دو نقل متفاوت محسوب می شوند و یکی از این نقل ها؛ یعنی سندی که به عبدالله بن سنان ختم می شود، معتبر است.

عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی از همدان گفت: عامه، ما را سرزنش می کنند و می گویند: (قسمت اول حدیث در صفحات قبلی گذشت)... امام در ادامه فرمود:

فاذا کان من الغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن اهل الأرض، ثم ینادی «ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شیعته فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» قال: فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الأول و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا فعند ذلک یتبرؤون منا و یتناولونا فیقولون، إن المنادی الأوّل سحر من سحر اهل هذا البیت، ثم تلا ابو عبدالله علیه السلام قول الله عزوجل «و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر؛ فردای آن روز، ابلیس در آسمان بالا می رود تا این که از اهل زمین ناپدید می شود، سپس ندا می دهد: «همانا حق با عثمان بن عفان و شیعه اوست، همانا او مظلوم کشته شد؛ انتقام خونش را بگیرید». سپس فرمود: خداوند، اهل ایمان را به قول ثابت و حق، ثابت قدم می دارد و آن ندای اول است و کسانی که در دل هایشان مرض است، در آن وقت شک می کنند و آن بیماری، به خدا قسم، دشمنی با ماست و در آن هنگام از ما بیزاری می جویند و می گویند منادی اول، سحری از سحر اهل بیت (علیهم السلام) است، سپس امام صادق علیه السلام این آیه را

تلاوت فرمود: «و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر».(۱)

جمع بندی و نتیجه گیری

امام صادق علیه السلام در این روایت، سخن تردید کنندگان در ندای آسمانی را تشبیه به تردید کنندگان در معجزه پیامبر گرامی اسلام و شق القمر کرده است. به عبارت دیگر، آیات قرآن کریم، فقط برای مورد شأن نزول و زمان پیامبر گرامی اسلام نیست، بلکه طبق روایات پیشوایان دین در تمامی زمان ها جاری است.(۲) بنابراین، انکار معجزه آسمانی ندای آسمانی توسط معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه باشد. به عبارت دیگر، مفهوم آیه، انکار معجزه آسمانی و سحر دانستن آن بود و یکی از مصادیق آیه نیز در آستانه ظهور روی می دهد و پیروان باطل، ندای آسمانی را انکار کرده و آن را سحر می نامند. و بدین وسیله از پذیرش آن سر باز می زنند.

آیه سوم:

اشاره

«فَإِذَا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ (۸) فَذَلِك یَوْمَئِذٍ یَوْمٌ عَسِیرٌ (۹) عَلَی الْكافِرِینَ غَیْرُ یَسِیرٍ (۱۰)»(۳)

ترجمه: و هنگامی که در شیپور دمیده می شود. و آن روز، روز سختی است

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹؛ «البرهان»، ج۵، ص۲۱۷، حد۱۰۲۶۷.

۲- «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، ج۲، ص۸۷، باب۲۲، حد۳۲.

۳- مدثر (۷۴): آیات ۸ و ۹و ۱۰.

که برای کافران، آسان نیست.

تفسیر اجمالی آیه

ناقور از ماده «نقر» است. راغب می نویسد: «النقر قرع الشیء المفضی إلی النقب»؛(۱) نقر، کوبیدن چیزی است که باعث سوراخ شدن آن شود و می گوید منقار، آن است که با آن می کوبند؛ مانند منقار پرنده. و به شیپور از آن جهت که صدای آن، گوش انسان را سوراخ می کند و صدایش بر گوش، کوبیده می شود، «ناقور» گفته می شود.

از آیات قرآن فهمیده می شود که در پایان دنیا و آغاز رستاخیز، دوبار در صور دمیده می شود، یعنی دو صدای فوق العاده وحشت انگیز و تکان دهنده که اولی، صدای مرگ و دومی، صدای بیداری و حیات است که سراسر جهان را فرا می گیرد و از آن به نفخه صور اول و نفخه صور دوم تعبیر می شود و آیه مورد بحث به نفخه دوم اشاره دارد که رستاخیز با آن بر پا می شود و روز سخت و سنگینی برای کافران است.(۲)

جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایتی ازجابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

قال: قوله عزوجل: «فاذا نقر فی الناقور»، قال: الناقور هو النداء من السماء، ألا إن ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من ذلک الیوم. «فذلک یومئذ یوم عسیر علی الکافرین غیر یسیر» یعنی بالکافرین

ص:۶۹

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص۵۰۳، ماده نقر.

۲- بر گرفته از «تفسیر نمونه»، ج۲۵، ص۲۱۸.

المرجئه الـذین کفروا بنعمه الله و بولایه علی بن ابی طالب علیه السـلام ؛ فرمود: کلام خدای عزوجل: «فاذا نقر فی الناقور»، مراد از ناقور، ندای آسـمانی است که آگاه باشید همانا مولای شما، فلانی، فرزند فلانی، قائم به حق است. جبرئیل امین در سه وقت از آن روز، این نـدا را می دهـد و مراد از «فذلک یومئذ...»؛ یعنی کافران مرجئه ای که نعمت خدا و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را نمی پذیرند.(۱)

روایت از جهت سـند، مرسل است و ضـعیف محسوب می شود و از جهت دلالت، مراد از «ناقور» را نـدای آسـمانی معرفی می کنـد که جبرئیل امین علیه السـلام به نام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف سه بار از آسـمان نـدا می دهـد. و این مطلب نیز با روایات ندای آسمانی سازگار نیست.

جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، مراد از دمیده شدن در «ناقور»، نفخه صور دوم است و مراد از آن، در این حدیث، ندای آسمانی است. شایـد بتوان ندای آسـمانی را از جهاتی به نفخه صور تشبیه کرد و آن این که ندا به وسـیله یکی از فرشـتگان بزرگ الهی داده می شود که خبر از آمدن موعود جهانی می دهد و آن، روز سـختی برای کافران و دشـمنان اهل بیت علیهم السـلام است؛ زیرا آمدن حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی زوال حکومت باطل آنان. همچنین صور، به وسیله یکی از فرشتگان بزرگ الهی دمیده می شود و آن روز، روز سختی برای کافران و

۱- «تأویل الآیات الظاهره»، ج۲، ص۷۳۲؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج۵، ص ۵۲۵، حد ۱۱۱۹۹.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ چرا که در سرای محشر به حساب آنان رسیدگی می شود و آنها روانه دوزخ می شوند.

در احادیث دیگری، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اذن خداوند به ایشان در امر قیام، مصداقی از دمیده شدن در ناقور دانسته شده است.(۱)

می توان این امور را به دلیل تأثیرات مشترکی که بر جای می گذارند، به دمیدن در صور تشبیه کرد. یا این که معنای آیه را عام گرفت و ندای آسمانی و این موارد را جزو مصادیق آن دانست و البته، مصداق کامل تر آن، دمیده شدن در صور است. به هر حال. این سخن با مضمون احادیث مطرح شده، سازگارتر است.

آیه چهارم:

اشاره

«وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكانٍ قَرِيبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِك يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)»(۲)

ترجمه: و گوش فرا ده، روزی که ندا دهنده از مکانی نزدیک، ندا می دهد. روزی که بانگ را به حق می شنوند، آن، روزِ بیرون آمدن است.

تفسیر اجمالی آیه

این آیات که آخرین آیات سوره «ق» محسوب می شوند، همانند سایر آیات این سوره بر مسئله معاد و رستاخیز مردگان دلالت دارد. گرچه مخاطب در

۱- «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج۵، ص ۵۲۴، حد۱۱۱۹۶ و ۱۱۱۹۸؛ «ینابیع الموده»، ص۵۱۵، باب۷۱.

۲- ق (۵۰): آیات ۴۱ و ۴۲.

«استمع»، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ ولی مسلماً مقصود، همه انسان ها هستند. ندادهنده، همان «اسرافیل علیه السلام» است که در صور می دمد. تعبیر به مکان قریب نیز اشاره به این مطلب است که صدا، آن چنان در فضا پخش می شود که گویی بیخ گوش همه دمیده می شود و همه، آن را یکسان می شنوند. مراد از «صیحه»، به قرینه «ذلک یوم الخروج»، نفخه صور دوم است؛ یعنی صدایی که مردگان با آن بر می خیزند و محشر برپا می شود.(۱)

جایگاه آیه در بحث مهدویت

در حدیثی که به صورت مرسل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

قال: ینادی المنادی باسم القائم و اسم ابیه علیهما السلام و الصیحه فی هذه الآیه صیحه من السماء و ذلک یوم خروج القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ فرمود: منادی به اسم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش علیه السلام ندا می دهد و صیحه در این آیه، همان صیحه از آسمان است و آن، روز خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.(۲)

در تفسیر قمی نیز آمده است:

قوله «و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب» قال: ینادی المناد باسم القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اسم ابیه علیه السلام، قوله «یوم یسمعون الصیحه بالحق ذلک یوم الخروج» قال صیحه القائم من السماء، «ذلک یوم الخروج»، قال: هی الرجعه؛ مراد از کلام خدای متعال «و

۱- برگرفته از «روض الجنان و روح الجنان»، ج۱۸، ص ۸۱ و «تفسیر نمونه»، ج۲۲، ص۲۹۶.

۲- «ینابیع الموده»، ص۵۱۴، باب ۷۱.

استمع یوم...»، منادی است که به اسم قائم و اسم پدرش ندا می دهد و مراد از «یوم یسمعون الصیحه...»، صیحه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان است و مراد از «ذلک یوم الخروج»، رجعت است.(۱)

در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «یوم الخروج»، رجعت بیان شده است.(۲)

بررسی سندی و دلالی: روایت اول که به صورت مرسل نقل شده و ضعیف است و روایت دوم از علی بن ابراهیم نقل شده و به معصوم نسبت داده نشده است. در حدیث اول، مراد از «یناد مناد» را ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مراد از «صیحه» را صیحه آسمانی و «یوم الخروج» را خروج ایشان گرفته است. در روایت دوم نیز همین نکات وجود دارد؛ با این تفاوت که مراد از «صیحه»، صیحه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان، معرفی می شود و مراد از «یوم الخروج»، رجعت معرفی می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

می توان از باب تشبیه، ندای آسمانی را شبیه نفخه صور دوم دانست که در آیه قبلی، وجه آن بیان شد. یا این که مراد از «یناد المناد» و «الصیحه» را معنای عامی گرفت که یکی از مصادیق آن، ندای آسمانی و مصداق دیگر آن، هنگام رجعت و مصداق بارزتر و کامل تر آن دمیده شدن در صور و زنده شدن مردگان باشد؛ زیرا دوران برپایی حکومت عدل جهانی، نمونه کوچکی از قیامت است که مؤمنان از نعمت های آن بهره مند می شوند و کافران به

۱- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۳۲۶.

۲- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۳۲۷.

سزای اعمالشـان می رسـند و زمین و اهـل آن حیات دوباره می گیرنـد؛ همان طور که در دوران رجعت ـ هر چنـد به صورت محدود ـ مردگان از قبر خارج، و مؤمنان، بهره مند و کافران، عقوبت می شوند.

آیه پنجم:

اشاره

«أَتَی أَمْرُ اللّهِ فَلاَ تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ»(۱)

ترجمه: فرمان خداوند رسید، به شتابش مخواهید، او منزه و برتر است از هر چه شریکش قرار می دهند.

تفسیر اجمالی

بخش مهمی از آیات آغازین سوره نحل در مکه نازل شده است، یعنی در همان ایامی که پیامبر گرامی اسـلام صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان و بت پرستان، درگیری شدیدی داشت. از جمله، این که هرگاه آن حضرت، آنان را به عذاب الهی انذار می کرد، آنان می گفتنـد «أئتنا بعـذاب الله»؛ اگر راست می گویی، عـذاب خداوند را بیاور. این آیه در پاسخ آنان آمده اسـت که عجله نکنید؛ فرمان خداوند برای مجازات مشرکان و بت پرستان فرا خواهد رسید.(۲)

جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایت معتبری راجع به این آیه، محتوای نـدای جبرئیل علیه السـلام، بعد از بیعت او با حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عنوان شده است. ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام

۱- نحل (۱۶): آیه۱.

۲- برگرفته از «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج۶، ص۳۵۷؛ «تفسیر نمونه»، ج۱۱، ص ۱۵۱.

نقل می کند که فرمود:

اول من یبایع القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جبرئیل، ینزل فی صوره طیر ابیض فیبایعه، ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق «أتی امر الله فلا تستعجلوه»؛ اولین کسی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیعت می کند، جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده سفیدی نازل می شود و بیعت می کند، سپس یک پا بر روی بیت الله الحرام و پای دیگر بر روی بیت المقدس می گذارد و با صدای بلندی که همه آفریدگان می شنوند، ندا می دهد: «أتی امرالله فلا تستعجلوه».(۱)

در روایت دیگری، امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «امر» در آیه را ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کند.(۲)

جمع بندی و نتیجه گیری

این ندا که در بعضی از روایات مطرح شده، ندای بعد از بیعت جبرئیل علیه السلام است و ندای آسمانی، مورد بحث نیست، ولی جداگانه در بخش سوم به آن پرداخته می شود. به هر صورت، گرچه شأن نزول آیه در مورد مشرکان و بت پرستان مکه در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و امر خداوند در آن زمان پیروزی پیامبر اکرم و مسلمانان بر آنان و فتح مکه بود، اما آیه، مفهوم گسترده ای دارد و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا اعلان ظهور ایشان نیز می تواند از مصادیق آیه باشد که آن حضرت به امر الهی می آید و مشرکان و کافران

ص:۷۵

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۵۸۹، باب ۵۸، حد۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج۲، ص۲۵۴، حد۳ به جای «طلق»، کلمه «رفیع» دارد.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۰۴، باب۱۱، ح۹.

را در سراسر گیتی خوار و زبون می کند و به همین دلیل، جبرئیل امین متن آیه را در آن روز ندا می دهد و نابودی اهل باطل را اعلام می کند.

ص:۷۶

فصل چهارم: پیشینه ندای آسمانی

اشاره

از جمله سؤالاتی که در زمینه ندای آسمانی مطرح می شود، این است که آیا ندای آسمانی، سابقه تاریخی دارد؟ یا در ادیان دیگر مطرح شده است یا خیر؟ پاسخ، مثبت است و این پیشینه را می توان از دو جهت مورد بحث قرار دارد:

الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام

دانشمند یهودی، «جولیوس کرینستون» به ندای آسمانی در دین یهود، پیش از آمدن مسیحا اشاره می کند. ایشان بعد از شمردن فعالیت های الیاس (پیش آهنگ مسیحا) می گوید:

سپس جهان که از گناه و تیره روزی، رنجور است، حقیقتاً به خدا روی خواهد آورد و صدای شیپور میکائیل، رئیس فرشتگان را خواهند شنید که آمدن مسیحا را اعلام می کند».(۱)

او درباره «ملاکی» می گوید: [همچنین وی اندیشه تازه ای را می افزاید که متکلمان یهودی و مسیحی، آن را بسیار توسعه داده اند و آن، آمدن

۱- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص۶۵.

الیاس نبی است. «ملاکی» او را «فرشته عهد» می شناسد که فرا رسیدن روز بزرگ خداوند را اعلام خواهد کرد و میان پدران و فرزندان، آشتی خواهد داد].(۱)

سخن ملاکی در این مورد:

«اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند، نزد شما خواهم فرستاد. و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم».(۲)

«کرینستون» در بخش پایانی کتاب با عنوان «انتظار مسیحا در دعاهای یهود» می نویسد:

مناجات «یوتصروت» که برای سبتهای ممتاز سال است و تنها در کامل ترین نمازها آمده است، بهترین بیان از اندوه ملی قوم یهود را ارائه می دهد، در بخشی از این مناجات آمده است: «... . دختر صهیون، حقیقتاً شادمانی خواهد کرد؛ زیرا مسیحا می آید. باکره اسرائیل از شادی فریاد خواهد زد؛ زیرا میکائیلِ فرشته به زودی از ستیغ کوه صدا در خواهد داد: یک منجی برای صهیون آمده است».(۳)

دوران ظهور ماشیح در کتاب «گنجینه ای از تلمود» این گونه توصیف شده است:

یک روایت چنین نقل می کند: طی دوران هفت ساله ای که

۱- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص۳۷.

۲- ملاکی، ۴: ۵، ۶.

۳- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص۱۸۳.

ماشیح، فرزند داود در آن ظهور خواهد کرد... . در سال ششم، صداهایی از آسمان به گوش خواهد رسید و در سال هفتم، جنگ ها در خواهند گرفت و در پایان این دوران هفت ساله، فرزند داوود، ظهور خواهد کرد.(۱)

کتاب های مسیحیان نیز اشاراتی به صدای آسمانی دارند:

در «انجیل متی» آمده است:

آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه زنی کنند و پسرانشان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید. و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد.(۲)

و در رساله اول پولس به تسالو نیکیان آمده است:

«زیرا خودِ خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست.»(۳)

و در مکاشفه یوحنا آمده است:

و فرشته ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد و به آواز بلند می گوید:

«از خدا بترسید و او را تمجید نمایید؛ زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و

۱- «گنجینه ای از تلمود»، ص۳۵۵.

۲- متی ۲۴: ۳۰، ۳۱.

۳- تسالونیکیان ۱: ۱۶.

چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید.»(۱)

ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام

اشاره

وقتی به تاریخ اسلامی نگاه می کنیم، می بینیم در گذشته، ندای آسمانی و ندای ابلیس اتفاق افتاده. و در تاریخ و روایات، ثبت شده است. در این جا به بیان برخی از آنها می پردازیم:

اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام

در کتب تاریخی و روایی نقل شده است که وقتی حضرت علی علیه السلام، در جنگ أحد آن رشادت ها و از خود گذشتگی را نشان داد، جبرئیل امین علیه السلام از آسمان ندا داد: «لا سیف الا ذوالفقار، و لا فتی الا علی» و کسانی که در آن جا بودند آن ندا را از آسمان شنیدند.

بیان برخی از اسناد این مطلب:

۱. احتجاج امیرالمؤمنان علی علیه السلام در روز شوری

آن حضرت می فرماید: نَشَدْتُکم بالله هل فیکم أحدٌ نادی له مناد من السماء، «لاسیف الاذوالفقار و لافتی الّا علی» غیری؟ قالوا: اللهم لا؛(۲) خدا را بر شما گواه می گیرم آیا برای کسی از شما غیر از من در احد، منادی از آسمان ندا داد «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»، همه گفتند به خدا قسم نه.

همچنین آن حضرت در احتجاج با ابوبکر، این منقبتِ خود را مطرح می کند.(۳)

۱- مکاشفه یوحنا ۱۴: ۶.

۲- «الخصال»، ج۲، ص۶۰۷.

۳- «الخصال»، ج۲، ص ۶۰۰.

۲. امام جعفر صادق علیه السلام در توصیف ذوالفقار می فرماید:

«... و کان سیفا نزل به جبرئیل علیه السلام من السماء و کانت حلقته فضه و هو الذی نادی به مناد من السماء، لا سیف الاذوالفقار و لا فتی الّا علی»؛(۱) ذوالفقار شمشیری بود که جبرئیل علیه السلام از آسمان آورد و حلقه آن از نقره بود و این همان شمشیری است که برای آن ندا دهنده از آسمان ندا داد «لاسیف الاذوالفقار و لا فتی الّا علی».

۳. ابی رافع می گوید:

«مازلنا نسمع اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقولون نادی فی یوم احد مناد من السماء، لاسیف الا ذوالفقار و لافتی الّا علی»؛(۲) مکرر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شنیدیم که می گویند: در روز احد، منادی از آسمان ندا داد «لاسیف الاذوالفقار و لا فتی الّا علی».

۴. سخن عبدالله بن مسعود در این مورد:

زید بن وهب به او می گوید: پایداری علی علیه السلام در آن جا (احد)؛ مایه تعجب است. ابن مسعود گفت: «فقال: إن تعجبت من ذلک فقد تعجبت منه الملائکه أما علمت إن جبرئیل علیه السلام قال فی ذلک الیوم و هو یعرج الی السماء لا سیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی، قلت: فمن أین علم ذلک من جبرئیل علیه السلام فقال: سمع الناس صایحاً یصیح فی السماء بذلک فسألوا النبی صلی الله علیه و آله و سلم عنه، فقال: ذاک جبرائیل»؛(۳) اگر تو از این تعجب می کنی، به تحقیق، ملائک از آن تعجب کردند.

۱- «علل الشرایع»، ج۱، ص ۱۶۰، باب ۱۲۹، ح۲؛ «معانی الاخبار»، ص۶۳، ح۱۲.

۲- «الارشاد»، ج۱، ص۸۷.

۳- «الارشاد»، ج۱، ص ۸۳.

مگر نمی دانی جبرئیل در آن روز در حالی که به آسمان می رفت، گفت: لاـ سیف الاـ ذوالفقار و لا فتی الا علی، گفتم: از کجا فهمیدند ندای جبرئیل است؟ ابن مسعود پاسخ داد: مردم، صدای بلندی را شنیدند که از آسمان، این مطلب را فریاد می زند از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آن سؤال کردند، حضرت فرمود: این صدای جبرئیل است.

سخن پایانی در این مورد را از ابن ابی الحدید معتزلی نقل می کنیم:

قال: و سمع ذلک الیوم صوت من السماء لا یری شخص الصارخ به ینادی مراراً؛ لا سیف الاذوالفقار و لا فتی الا علی، فسئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عنه، فقال: هذا جبرائیل؛(۱) در آن روز (احد)، صدایی از آسمان شنیده شد، ولی فریاد زننده دیده نشد، او پشت سر هم ندا می داد «لا سیف الاذوالفقار و لا فتی الا علی». از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این مطلب سؤال شد، فرمود: این جبرئیل علیه السلام است.

در ادامه، ابن ابی الحدید می نوسد این خبر را جماعتی از محدثان، روایت کرده اند و آن از اخبار مشهور است. این مطلب را در برخی از نسخه های مغازی محمد بن اسحاق دیده ام و در برخی از نسخه ها نبود. آن را نداشت. از شیخ و استادم عبدالوهاب بن سکینه در مورد این خبر پرسیدم، گفت: خبر صحیحی است. پرسیدم: پس چرا در صحاح نیامده است؟ گفت: آیا هر خبر صحیحی در کتب صحاح آمده است؟ چه بسیار از اخبار صحیحه که جمع کنندگان صحاح از آوردن آن غفلت کرده اند. این جریان را ابن هشام و

۱- «شرح نهج البلاغه»، ج۱۴، ص۲۵۱.

طبری نیز ذکر کرده اند.(۱)

دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام

علامه مجلسی می گوید: در بعضی از کتب قدیمی، روایتی در باب چگونگی شهادت حضرت علی علیه السلام دیدم و از آن، مقداری را به صورت خلاصه آوردم. این روایت را ابوالحسن علی بن عبد الله بن محمد البکری از لوط بن یحیی، از اساتید و پیشینیانش نقل کرده است. علامه مجلسی، در قسمتی از این نقل، ندای جبرئیل امین علیه السلام را بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام به این صورت می آورد:

ونادی جبرئیل علیه السلام بین السماء و الارض بصوت یسمعه کل مستیقظ؛ تهدّمت و الله أرکان الهدی، و انطمست و الله نجوم السماء و اعلام التقی، و انفصمت و الله العروه الوثقی، قتل ابن عم محمد المصطفی، قتل الوصیّ المجتبی، قتل علیّ المرتضی، قتل و الله سید الأوصیاء، قتله أشقی الأشقیاء؛ جبرئیل امین علیه السلام، بین آسمان و زمین ندا داد با صدایی که هر فرد بیدار، آن را می شنید: به خدا سوگند! پایه های هدایت منهدم شد، ستارگان آسمان و نشانه های تقوا به خدا سوگند، خاموش شدند و ریسمان های محکم به خدا قسم پاره شدند، پسر عموی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم کشته شد، وصی برگزیده کشته شد، علی مرتضی

۱- «السیره النبویه»، ج۲، ص۱۰۰؛ «تاریخ الامم و الملوک»، ج۲، ص ۵۱۴.

کشته شد، به خدا سوگند، سید الاوصیاء کشته شد، او را أشقی الأشقیاء کشت.(۱)

نکته قابل توجه این که این خبر را علامه مجلسی به نقل از کتاب «ابوالحسن علی بن عبدالله بن محمد» می آورد و او بنابر آن چه نجاشی ذکر می کند، کتابی به نام «الصفینیات و الکوفیات» داشته است که محتوای آن، زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام است. نجاشی، «علی بن عبدالله» را ضعیف و فاسد المذهب معرفی می کند و در مورد کتابش می گوید: بعضی از اصحاب ما به من گفته اند این کتاب، کتاب ملعونی است و در آن، در هم آمیختگی عظیمی واقع شده است.(۲)

سوم: ندای ابلیس در عقبه

وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار جمره عقبه با اهل یثرب، پیمان بست و آنها با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بیعت کردند، ابلیس، فریادی کشید و مشرکان مکه را از این پیمان مخفیانه آگاه کرد. این مطلب، یعنی ندای ابلیس، در کتاب های مختلفی از شیعه و عامه نقل شده است که در این جا به برخی از آن ها می پردازیم:

۱. قطب الدین راوندی می گوید:

«... . فلما اجتمعوا و بایعوا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، صاح ابلیس؛ یا معشر قریش و العرب هذا محمد و الصباه من الأوس و الخزرج علی جمره العقبه یبایعونه علی

ص:۸۴

۱- «بحارالانوار»، ج۴۲، ص۲۸۲؛ «المجالس الفاخره»، ص۳۲۸.

۲- «رجال النجاشی»، ص۲۶۶، ش۶۹۲ ؛ «معجم رجال الحدیث»، ج۱۲، ص۸۲، ش۸۲۷۷.

حربکم، فأسمع أهل منی فهاجت قریش و اَقبلوا بالسلاح و سمع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، النداء، فقال: للأنصار تفرقوا...»(۱). وقتی انصار جمع شدند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند، ابلیس با صدای بلند، اعلان کرد:ای بزرگان قریش و عرب، این محمد و صابئیان از اوس و خزرج هستند که در کنار جمره عقبه با او بیعت می کنند تا با شما بجنگند. اهل منی، این صدا را شنیدند و قریش متوجه شدند و سلاح هایشان را برداشتند. از طرف دیگر، پیامبر گرامی اسلام، صدا را شنید و به انصار فرمود: پراکنده شوید.

۲. ابن هشام از ابن اسحاق و او با واسطه از «کعب بن مالک» نقل می کند که گفت:

«کان أول مَن ضَرَب علی ید رسول الله صلی الله علیه و سلم، البراء بن معرور، ثم بایع بعد القوم، فلما بایعنا رسول الله صلی الله علیه و سلم، صرخ الشیطان من رأس العقبه بأنفذ صوت سمعته قط، یا اهل الجباجب، والجباجب، المنازل، هل لکم فی مذمّم و الصباه معه قد اجتمعوا علی حربکم قال، فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم، هذا أزبّ العقبه، هذا ابن أزیب، تسمع ای عدوّ الله،أما والله لأفرغنّ لک، قال: ثم قال رسول الله صلی الله علیه و سلم؛ ارفضوا علی رحالکم...»؛ اولین کسی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کرد، «براء بن معرور» بود، سپس بقیه بیعت کردند. وقتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردیم، شیطان از ابتدای عقبه فریاد زد به بالاترین صدایش. ای اهل منازل(۲) آیا شما غافلید و صابئیان با او برای جنگ با شما جمع شده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ص:۸۵

۱- «قصص الانبیاء»، ص۳۳۲، فصل ۸، ح۴۱۳.

۲- «السیره النبویه»، ج۱، ص ۴۴۷.

این شیطان عقبه است، سپس فرمود: بشنو ای دشمن خدا، به خدا قسم از دورت پراکنده می شوند، سپس فرمود: به کاروان هایتان بر گردید.

این مطلب را طبری(۱) و ابن کثیر دمشقی(۲) و دیگران در کتب تاریخی خود نقل کرده اند.

۱- «تاریخ الامم و الملوک»، ج۲، ص ۳۶۴.

۲- «البدایه و النهایه»، ج۳، ص۱۶۴.

بخش دوم: معرفی ندای آسمانی

اشاره

ص:۸۷

فصل اول: ویژگی های ندای آسمانی

الف. منادی «ندا دهنده»

پنج حدیث، ندا دهنده را جبرئیل امین علیه السلام معرفی می کنند که با عبارت های: «هی صیحه جبرئیل علیه السلام»،(۱) «هو صوت جبرئیل علیه السلام»،(۲) «صوت جبرئیل علیه السلام من السماء»،(۳) «ینادی به جبرئیل»(۴) مطرح شده است. هر پنج روایت از جهت سند ضعیف هستند، ولی به دلیل تظافر آنها و نداشتن مخالفی می توان پذیرفت که ندای آسمانی به وسیله جبرئیل امین علیه السلام سر داده می شود.

ب. مکان ندای آسمانی

اشاره

اغلب روایات مربوط به ندا، به آسمانی بودن آن با عبارت های مختلف اشاره دارند. برای نمونه: «ینادی مناد من السماء»، «النداء من السماء»،» «ینادی

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳، و باب ۱۶ حد۶.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، ح ۴۶۲.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب ۵۷، حد۱۳.

۴- «تأویل الآیات الظاهره»، ص۷۰۸؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج۴، ص ۴۰۰؛ «المحجه»، ص۲۳۸.

باسـمه من السـماء» «الصـیحه من السـماء» «الصوت من السـماء» و «المنادی من السـماء»، «صوت جبرئیل من السـماء» و... بر این مطلب دلالت می کنند.

در یک روایت، عبارت متفاوتی آمده است. ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

... ولایخرج القائم حتّی ینادی باسـمه من جوف السماء...؛(۱) و قائم علیه السـلام خارج نمی شود مگر این که به نام او از وسط آسمان ندا می دهد.

در این حدیث، کلمه «جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره به وسطِ آسمان بودن و نیز مکان ندای آسمانی است.

دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی

۱. مراد از آسمانی بودن ندا، یعنی از روی زمین نیست، بلکه از آسمان است.

۲. مراد از آسـمانی بـودن نـدا، یعنی ایـن نـدا از طرف خداونـد اسـت. این صـوت توسـط جبرئیـل امین علیه السـلام و از طرف پروردگـار متعال است و به سـبب الهی بودن، آسـمانی شـمرده می شود و در مقابل هر امری که از طرف خداونـد نباشـد و در مسیر باطل قرار گیرد، زمینی شمرده می شود؛ گرچه از آسمان اعلان شود.

برای مثال، در بیشتر احادیث مکان ندای ابلیس (که در مقابل ندای آسمانی، ندا می دهد)، زمین معرفی شده است، ولی در دو حدیث _ که یکی

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد۶.

از آنها از جهت سند معتبر است ـ مکان آن را این گونه از آسمان معرفی می کند؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام :

... فاذا کان من الغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن اهل الأرض ثم ینادی...؛(۱)

فردای آن روز (روز اعلان نـدای آسـمانی)، ابلیس در هوا بالا می رود؛ به صورتی که از اهل زمین پنهان می شود، سپس نـدا می دهد.

در این حدیث، مکان ندای ابلیس، آسمان معرفی می شود، ولی بیشتر روایات، مکان آن را زمین معرفی می کنند. این تناقض ظاهری را می توان با برداشت دوم توجیه کرد؛ گرچه منافاتی نـدارد که نـدای جبرئیل امین علیه السلام، هم از وسط آسمان باشد و هم از آن جا که الهی است، آسمانی محسوب شود.

ج. زمان ندای آسمانی

اشاره

یکی از مباحث مهم در مورد ندای آسمانی، زمان آن است. این بحث از چند جهت قابل طرح است:

یکم؛ زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی؛

دوم؛ حوادث قبل از ندای آسمانی؛

سوم؛ حوادث بعد از ندای آسمانی.

یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی

اشاره

در روایات، «ماه»، «روز» و «چه زمانی از شب یا روز» ندای آسمانی

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹ و ص ۲۶۹، حد ۲۰.

مشخص شده است.

سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می شود؟

نُه حدیث بر رخ دادن «ندا» در ماه مبارک رمضان دلالت می کنند. این احادیث با عبارت های: «صیحه فی شهر رمضان»(۱) و «الصیحه لاتکون الا فی شهر رمضان»،(۲) «یکون الصوت فی شهر رمضان»،(۳) «قلت رمضان؟ قال: شهر الله تعالی و فیه ینادی باسم صاحبکم و اسم ابیه»،(۴) «صیحه من السماء فی شهر رمضان»،(۵) «حتی ینادی باسمه من جوف السماء فی لیله ثلاث و عشرین فی شهر رمضان»،(۶) «ینادی اسمه لیله ثلاث و عشرین»،(۷) «الصیحه التی فی شهر رمضان»،(۸)، «ینادی باسم القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فی لیله ثلاثه و عشرین من شهر رمضان»(۹) و «ان القائم ینادی باسمه لیله ثلاثه و عشرین من شهر رمضان»(۱۰) آمده است.

در یکی از این روایات، کلمه «رمضان» نیامده است؛ ولی با قرینه «لیله ثلاث و عشرین» فهمیده می شود که مراد از آن، ماه مبارک رمضان است. از میان این نُه حدیث، سه حدیث، از جهت سند معتبر هستند که عبارت های

ص:۹۱

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد۱۷.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳.

۴- «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۷۲، باب ۲۵، حد۱۶۵.

۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۱، ص۵۹۷، باب ۳۲، حد۷.

۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد۶.

۷- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۲، ح ۴۵۸.

۸- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب ۵۷، حد۶ و ص ۵۵۹، حد۱۶.

۹- «اثبات الهداه»، ج۳، ص ۵۷۰، باب۳۲، ف۴۴، حد۶۸۷؛ «تراثنا»، سال چهارم، عدد دوّم، ص۲۱۷، حد ۲۰.

۱۰- «کفایه المهتدی»، ص۶۶۸، ذیل حد۳۹.

اول و هشتم و نهم از آن احادیث ذکر شده است؛ هر چند به دلیل کثرت روایات، نیازی به بحث سندی نیست.

سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می شود؟

در میان احادیث ندای آسمانی، شش روایت، زمان ندا را شب بیست و سوم می دانند. این روایات با عبارت های: «لیله ثلاث و عشرین»، «لیله الجمعه لثلاث و عشرین» و «لیله ثلاثه و عشرین» بر این مطلب دلالت می کنند. همچنین سه حدیث بر شب جمعه بودن این ندا دلالت دارند که با عبارت «لیله جمعه»(۱) و «لیله الجمعه»(۲) بر این مطلب دلالت می کنند. در میان احادیث دلالت کننده بر شب بیست و سوم، دو حدیث با سند معتبر و در میان روایات دلالت کننده بر شب جمعه، یک حدیث معتبر وجود دارد.

سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می شود؟

نکته دیگری که در مورد زمان ندای آسمانی قابل بررسی است، روز یا شب واقع شدن این نداست. روایاتی که پیش تر بیان شد، همگی بر واقع شدن ندای آسمانی در شب دلالت داشت و تعابیری چون: «لیله ثلاث و عشرین» و «لیله جمعه» در این مورد آمده بود. در مقابل این احادیث، چندین روایت، زمان ندای آسمانی را روز مطرح می کنند. سؤال اصلی در این قسمت، چگونگی جمع میان این احادیث است. در آغاز، واژه ها و عبارت های مطرح شده در روایات دلالت کننده بر روز بودن ندای آسمانی بیان می شود. این

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳ و باب ۱۶ حد۶.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب ۵۷، حد۶ و ح ۱۶.

احادیث با عبارت های: «ینادی مناد من السماء فی اول النهار»،(۱) «ینادی مناد من السماء اول النهار»(۲) و «ینادی مناد... . اول النهار»(۳) بر این مطلب دلالت می کنند.

از میان پنج حدیثی که در این مورد آمده است، سه روایت، از جهت سند، معتبر هستند که با دو عبارت اول آمده اند. حال چگونه می توان میان این دو دسته از احادیث ـ که یکی، زمان ندا را شب، و دسته دیگر، روز مطرح می کنند ـ جمع کرد. راه هایی برای جمع میان اینها می توان پیشنهاد کرد:

فرض اول؛ شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «لیله القدر فی کل سنه و یومها مثل لیلتها»؛(۴) شب قدر در هر سال واقع می شود و روزِ آن مانند شب آن است. بنابراین، روز بیست و سوم، جزئی از شب آن حساب شده است و از اول شب بیست و سوم تا غروب روز بیست و سوم، شب قدر محسوب می شود.

در این صورت، ندای آسمانی در اول روز بیست و سوم واقع می شود که قسمتی از شب قدر است.

فرض دوم؛ مراد از شب در «لیله ثلاث و عشرین» و «لیله جمعه»، هنگام طلوع فجر باشد.

ص:۹۳

۱- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۱؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد۴۶۱.
۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد۴۲۵.
۳- «الکافی» ؛ ج۸، ص۱۷۷، حد۲۵۳.
۴- «التهذیب»، ج۴، ص۳۳۱، باب ۷۲، ح ۱۰۱.

زیرا هنگـام طلـوع فجر، قـدر مشـترکی میـان شب و روز محسوب می شود و در فضـیلت نمـاز صـبح هنگـام طلوع فجر چنـدین روایت نقـل شـده است که دلیـل این فضـیلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز می داننـد.(۱) بنابراین، اگر ندای آسـمانی، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بیست و سوم» بر آن صحیح است و هم اطلاق«روز»؛ به خصوص این که روایات دلالت کننده بر واقع شدن ندای آسمانی در روز، همگی قید «أول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجر است.

فرض سوم؛ اختلاف زمان ندای آسـمانی به حساب مکانهاست، یعنی به دلیل اختلاف افق ها؛ گرچه ندای آسمانی، یکی است و یـک بـار اعلاـن می شود، ولی در یـک جـا اول شب بیست و سوم است و در جای دیگر، آخر شب و در یک جا اوایل روز بیست سوم و اختلاف مطرح شده در احادیث به این دلیل است.

فرض چهارم؛ تکرار نـدای آسـمانی است. یعنی ندای آسـمانی اول در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، و ندای آسـمانی دوم در اول روز است، یعنی در اول روز بیست و سوم، ندای دوم به حقانیت علی علیه السلام و پیروانش داده می شود.

گویـا بـا اعلان نـدای اول، بسیاری از مردم جهان، باز حضـرت را نمی شناسـند، ولی با نـدای دوم و با توجه به شـناختی که از شیعیان دارند، می فهمند که مراد از ندای اول، همان امام دوازدهم است که می آید.

۱- «الکافی»، ج۳، ص۲۸۲، حد۲ و ص۴۸۷، حد۲ و ج۸، ص۳۴۰، حد۵۳۶؛ «من لا یحضـره الفقیه»، ج۱، ص ۲۱۱، ش۶۴۳؛ «تفسیر العیاشی»، ج۲، ص۳۰۹، حد۱۳۹ و ۱۴۱.

فرض پنجم؛ تکرار ندای آسـمانی است، یعنی ندای آسمانی اول در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف می پردازد و ندای آسـمانی دوم در اول روز است، اما روز آن مشخص نیست و احتمال دارد روز آن، هنگام قیام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در دهم محرم باشـد که روایاتی بر این مطلب دلالت می کنند.(۱)

شواهدی که دلالت بر تکرار ندای آسمانی می کنند، عبارتند از:

۱. محتوای ندای آسـمانی شب بیست و سوم با محتوای ندای آسمانی اول روز تفاوت دارد. در اولی، محتوا، معرفی نام و نسب حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است و در دومی، محتوای ندا، بر حق بودن علی علیه السـلام و شـیعیان ایشان یا رستگاری آنان است.

۲. احادیثی بر تکرار ندای آسمانی دلالت می کنند. روایتی از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام، ندای جبرئیل امین را سه بار در طول روز مطرح می کند که محتوای ندا، معرفی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب است. در این حدیث آمده است:

قـال: قوله عزوجـل، «فـاذانقر فی النـاقور» قال: «الناقور»، هو النـداء من السـماء، ألا إنّ ولیّکم فلان بن فلان القائم بالحق ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من ذلک الیوم....(۲)

۱- این احادیث و بحث درباره آنها در صفحات بعد در بحث حوادث بعد از ندای آسمانی آمده است.

۲- «تأویل الآیات الظاهره»، ج۲، ص۷۳۲؛ «المحجه»، ص۲۳۸؛ «البرهان»، ج۴، ص ۴۰۰.

فرمود: فرموده خدای عزوجل، «آنگاه که در شیپور دمیده شود» فرمود: ناقور ندای از آسمان است، که به هوش همانا ولی (و رهبر) شما فلان بن فلان قائم بر حق است جبراییل در سه ساعت از این روز به این مطلب ندا در می دهد.

این حدیث از جهت سند، ضعیف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است. و از جهت دلالت، با مدعای ما سازش ندارد؛ زیرا تکرار ندا را سه بار می داند و آن هم در روز و با یک محتوا.

در حدیث دیگری آمده است که زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند:

سمعت أباعبدالله علیه السلام یقول: ینادی مناد من السماء، إنّ فلاناً هو الأمیر و ینادی مناد؛ إنّ علیّاً و شیعته هم الفائزون، قلت: فمن یقاتل المهدی بعد هذا؟ فقال: إنّ الشیطان ینادی...؛ شنیدم اباعبدالله علیه السلام فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد: به درستی که فلانی؛ همان امیر است و منادی ندا می دهد: همانا علی و شیعه او همان رستگاران هستند. گفتم: پس چه کسی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نبرد می کند؟ (با دیدن این معجزات) فرمود: همانا شیطان ندا می دهد: به درستیکه فلانی و شیعه او همان رستگاران هستند(۱)... .

در این روایت که از جهت سند، معتبر است، گرچه به زمان ندای آسمانی اشاره نشده است، ولی تکرار ندا را ثابت می کند و در مقابل دو ندای آسمانی،

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۴، باب۲۶، حد۴۶.

یک نـدای شـیطانی نیز مطرح می شود. این حـدیث با روایات معرفی نـدا در شب بیست و سوم و نـدای آسـمانی در اول روز، سازگار است؛ زیرا در احادیثی که زمان نـدا را شب مطرح می کرد، به معرفی نام و نسب حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف اشاره شده است و ندای اول در این حدیث، معرفی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و احادیثی که زمـان نـدا را اول روز بیان می داشت، محتوای نـدا را بر حق بودن علی علیه السـلام و پیروانش یا رسـتگاری آنان می دانست و محتوای ندای دوم در این روایت، بر حق بودن و رستگاری علی علیه السلام و شیعیان ایشان است.

نظر اندیشمندان در این مورد

نویسـنده کتاب «تاریـخ ما بعـد الظهور»، قائل به یک ندای آسـمانی است و وجود دو ندا را نمی پذیرد و حتی فرق در محتوای نـدا را توجیه می کنـد و قائل به جمع یا کنار گذاشـتن یکی از دو محتوا می شود. به هر صورت، ایشان نـدای آسـمانی را یک نداء؛ آن هم در یک زمان و در بیست و سوم ماه مبارک رمضان می داند. ایشان می گوید:

و بعـد حمل المطلق علی المقیـد و المجمل علی المفصل، ما یلی: ۱. إنّ المراد من النـداء الذی هو من المحتوم هو نداء جبرائیل باسم القائم۲. إنّ المراد من النداء بالحق لیس إلّا ذلک، ۳. إن صیحه جبرئیل هی هذا النداء ایضا؛(۱) بعد از حمل مطلق بر مقید و مجمل بر مفصل، مطالب ذیل به دست می آید: ۱. مراد از ندایی که از امور محتوم است، همان ندای

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

جبرئیل علیه السلام به نام قائم علیه السلام است؛ ۲. مراد از نـدای بر حق، جز این نیست؛ ۳ صیحه جبرئیل علیه السلام نیز همین نداء است.

نویسنده کتاب «مهدی منتظر علیه السلام»، قائل به سه ندای آسمانی در ماه رجب، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و دو ندای دیگر در ماه رمضان و ندای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه ذی حجه است که همگان می شنوند و ندای جبرئیل در ذی حجه بعد از بیعت و ندای دیگری در روز عاشورا به امارت حضرت و چند ندای دیگر شده است؛ ولی ایشان ندای آسمانی در ماه رمضان را دارای اهمیت و کثرت اخبار و حتمی بودن دانسته و می نویسد:

اما ندای اول: ندایی است که در شب خواهد بود، در شب بیست و سوم، جبرئیل چنان صیحه ای زند که همه عالم بشنوند و خوابیده ها بیدار شوند و همه به فزع در آیند و به این جهت، این ندا را صیحه و فزعه نیز نامیده اند... و اما ندای دوم: حتمی است، اگرچه اخباری که در خصوص این نداست، تصریح ندارد که نداکننده، جبرئیل است، بلکه همین اندازه که منادی از آسمان ندا خواهد کرد، اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصریح دارد به این که نداکننده، جبرئیل است... . این ندای دوم در اول روز است در همان روز بیست و سوم، اما به نام امیرالمؤمنین علیه السلام .(۱)

نویسنده کتاب «الامام المهدی من المهد الی الظهور» قائل به تعدد نداهای آسمانی شده و می نویسد:

۱- «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص ۲۸۱.

و یستفاد من مجموع الاحادیث التی ستقرأها، أنّ النداء ات السماویه متعدده و متباعده من حیث الزمان و مختلفه من حیث اللفظ و المعنی، فالنداء الاول یکون فی شهر رجب، و النداء الثانی یکون فی شهر رمضان و النداء الثالث یکون فی شهر محرم؛ ایشان، نداهای آسمانی را متعدد و از جهت زمان با فاصله از همدیگر و از جهت محتوا، متفاوت از حیث لفظ و معنی معرفی می کند و قائل به وجود سه ندا می شود: ندای اول در ماه رجب و ندای دوم در ماه رمضان و ندای سوم در ماه محرم.(۱)

اما آن ندایی که اهمیت بیشتری دارد و از علایم حتمی حساب می شود، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است:

والظاهر من الأحادیث أن الصیحه التی لها الأهمیه الکبری و التی تعتبر من العلائم المحتومه هی التی تکون فی شهر رمضان؛ از احادیث به دست می آید، صیحه ای که بیشترین اهمیت را دارد و از علایم حتمی محسوب می شود، آن است که در ماه رمضان رُخ می دهد.(۲)

جمع بندی و نتیجه گیری

به نظر می رسد اگر به دلیل شواهدی که بیان کردیم، قائل به تکرار ندای آسمانی شویم. باید قائل به توالی و پشت سر هم بودن دو ندای

۱- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص۴۰۹.
۲- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص۴۰۹.

آسـمانی شویم؛ به صورتی که یکی محسوب شوند؛ زیرا وقتی ندای ابلیس در مقابل ندای آسمانی مطرح می شود، در روایات از مخاطبان خواسته شـده است که از صـدای اول پیروی کنید و نمی گوید از صداهای اول و دوم پیروی کنید. سه حدیث که یکی از آنهـا از جهت سـند، معتبر است، به بیـان این مطلب می پردازنـد. و آن را بـا واژه هـای: «الصوت الأـول»(۱)، «للصوت الأول»(۲)، «النـداء الأول»، «المنادی الأول» بیان می کننـد. دو عبارت پایانی از موثقه عبـدالله بن سـنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.(۳)

دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی

اشاره

برای آشـنایی بیشتر بـا زمـان وقوع نـدای آسـمانی، دانسـتن حوادث قبـل از آن لاـزم است، امـا قبل از بیان این مطلب، نکته ای ضروری به نظر می رسد که بیان شود و آن، این که:

برای مثال؛ در حدیثی می خوانیم:

خمس قبل قیام القائم من العلامات؛ الصیحه و السفیانی و الخسف بالبیداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیه؛ قبل از قیام قائم علیه السلام، پنج علامت است: صیحه و سفیانی و خسف بیداء و خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه. (۴)

ص:۱۰۰

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد۹۶.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۳، ذیل حد۴.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹؛ «المحجه»، ص۱۵۷.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۶، حد۴۲۷.

آیا تقدم و تأخر بیان مطالب در این گونه روایات، دال بر تقدم و تأخر وقوع زمانی آنهاست، یعنی بنا بر حدیث بالا که صیحه، قبل از سفیانی ذکر شده، آیا ابتدا صیحه واقع می شود، بعد سفیانی و یا این که تقدم و تأخر بر این مطلب دلالت نمی کند؟ پاسخ ما دومی است و می گوییم؛ تقدم و تأخر بیان مطالب در این احادیث، دلالت بر تقدم و تأخر در وقوع خارجی آنها ندارد؛ زیرا در احادیث دیگر، همین علامات به گونه ای متفاوت با این حدیث در چینش، ذکر شده اند. روایت بالا از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. همین روایت با سند دیگری از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت ذیل بیان شده است:

قبل قیام القائم خمس علامات محتومات، الیمانی و السفیانی و الصیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف بالبیداء.(۱)

در این حدیث، بر خلاف روایت بالا، «صیحه» بعد از «سفیانی» ذکر شده است. این روایت در نقل سوم به صورت دیگری آمده است:

خمس علامات قبل قیام القائم، الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیه و الیمانی... .(۲)

همان طور که مشاهده می شود، سه نقل متفاوت از یک راوی، باعث این مقدار جابه جایی شده است و این سه نقل از جهت سند، معتبر و در

ص:۱۰۱

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۷.
۲- «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد۴۸۳.

کتاب های معتبر آمده است. اگر روایت های دیگر را در این ترتیب شمارش با این سه حدیث مقایسه کنیم، تفاوت ها افزایش می یابد. بنابراین، ذکر علامتی در قبل یا بعد از علامت دیگر نمی تواند نشان گر قبل یا بعدیت زمانی آن علامت باشد.

بیان حوادث قبل از ندای آسمانی

۱. اختلاف بنی عباس

دو حدیث به این نشانه اشاره دارند و هر دو از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده اند.

حدیث اول از «بنی عباس» با عنوان «بنی فلان» یاد شده است. در این حدیث آمده است:

«لیس فرجکم الا فی اختلاف بنی فلان، فاذا اختلفوا فتوقعوا الصیحه فی شهر رمضان و خروج القائم إن الله یفعل ما یشاء...؛ گشایش شما نیست مگر در اختلاف بنی فلان، پس وقتی اختلاف کردند، منتظر صیحه در ماه رمضان و خروج قائم علیه السلام باشید. همانا خدا آن چه بخواهد انجام می دهد.(۱)

و در روایت دوم آمده است:

یا جابر الزم الارض و لا تحرک یداً و لا رجلًا حتی تری علامات أذکرها لک إن ادرکتها، اولها اختلاف بنی العباس و ما اراک تدرک ذلک و لکن حدث به من بعدی عنی و مناد

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

ینادی من السماء و...؛ ای جابر، ملازم زمین باش و دست و پایی حرکت نده (کنایه از حرکت نکردن برای افراد مدّعی مهدویت تا علامت هایی که برایت می شمارم اگر درک کردی ببینی، اولین آنها اختلاف بنی عباس است و نمی بینم آن را درک کنی؛ ولی برای بعد از من از طرف من، آن را ذکر کن و منادی که از آسمان ندا می دهد و ....(1)

حدیث دوم از جهت سند، معتبر است و به قرینه حدیث دوم، مراد از بنی فلان در روایت اول، بنی عباس است که در احادیث دیگری نیز اختلاف بنی عباس از علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.(2) در این دو حدیث، ندای آسمانی به منزله علامتی بعد از اختلاف بنی عباس شمرده شده است، ولی فاصله بین آن دو زیاد است؛ مگر این که بگوییم دولت بنی عباس مجدداً تشکیل می شود.

۲. آیه ای در ماه رجب

حدیثی از داود بن سرحان از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره به واقعه ای در ماه رجب، قبل از صیحه و ندای آسمانی دارد و آن صورت و دستی است که در ماه نمایان می شود. این حدیث از جهت سند، ضعیف است. و آن به دلیل توثیق نشدن «عباس بن عبدالله» است.

بیان حدیث:

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۸۸، باب۱۴، حد۶۷؛ «تفسیر العیاشی»، ج۱، ص۲۴۴، حد۱۴۷.

۲- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۱؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹.

العام الذی فیه الصیحه قبله الآیه فی رجب، قلت: و ما هی؟ قال: وجه یطلع فی القمر وید بارزه؛ سالی که در آن صیحه واقع می شود، قبل از آن در رجب، آیه ای رخ می دهد. گفتم: و آن چیست. فرمود: صورتی که در ماه نمایان می شود و دست آشکاری.(۱)

توضیح بیشتر در این مورد، در بخش سوم، در بحث ندای آسمانی در ماه رجب خواهد آمد.

۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ

یکی از نشانه های عمومی قبل از ندای آسمانی، افزایش مرگ و میر به دلیل بیماری و کشتار در میان مردم است که این مسئله باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی برای همه می شود.

چهار حدیث با عبارت های:

یلقی الناس جهد شدید مما یمر بهم من الخوف، فلایزالون بتلک الحال حتی ینادی مناد من السماء؛ مردم، دچار سختی شدیدی از آن چه از ترس بر سرشان می آید، می شوند و آن حال پایان نمی یابد تا اینکه منادی از آسمان ندا می دهد.(۲)

و:

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۱، باب۱۴، حد۱۰؛ «اثبات الهداه»، ج۳، ص۷۳۵، حد۹۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۰، باب۱۴، حد۲۲؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۵، باب۲۵، حد۱۰۳.

یشـمل النـاس موت و قتل حتی یلجأ الناس عنـد ذلک الی الحرم فینادی مناد صادق من شـده القتال فیم القتل و القتال صاحبکم فلان؛ مرگ و کشـتار، مردم را فرا می گیرد تا این که مردم در آن وقت به حرم الهی پناه می برند، پس منادی صادقی به خاطر شدت کشتار ندا می دهد: برای چه قتل و کشتار؟! صاحبتان فلانی است.(۱)

و:

یـا جـابر؛ لا یظهر القـائم حتی یشـمل الناس بالشام فتنه یطلبون المخرج منها فلایجـدونه و یکون قتل بین الکوفه و الحیره قتلاهم علی سواء و ینـادی مناد من السـماء؛ ای جابر! قائم، ظهور نمی کنـد تا این که مردم در شام، دچار فتنه ای می شونـد و به دنبال خارج شدن از آن می گردند، ولی راهی نمی یابند و کشـتاری بین کوفه و حیره رخ می دهد که کشـته هایشان یکسان است و منادی از آسمان ندا می دهد. (۲)

و:

یقول: إنه ینادی باسم صاحب هذا الامر مناد من السماء الا إن الامر لفلان بن فلان ففیم القتال؛ می فرماید: منادی از آسمان

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۵، باب۱۴، حد۳۵؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۶، باب۲۶، حد۵۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۸۸، باب۱۴، حد۶۵؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۷، باب۲۶، حد۵۶.

به اسم صاحب این امر ندا می دهد که آگاه باشید همانا حکومت برای فلان بن فلان است؛ پس برای چه می جنگید؟!(۱)

بر این مطلب دلالت می کنند.

حدیث اول از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث دوم از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام و حدیث سوم از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث چهارم مانند حدیث دوم، از عبدالله بن سنان نقل شده است. به نظر می رسد احادیث دوم و چهارم، یک روایت با دو نقل متفاوت باشند. روایات دوم، سوم و چهارم از جهت سند معتبر هستند. علاوه بر اینها، روایات دیگری نیز، اوضاع عمومی قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همراه با ترس، مرگ، کشتار و ناامنی بیان می کنند. در حدیث اول، سختی شدید را ناشی از ترس قبل از ندای آسمانی مطرح می کند و در روایت دوم، مردن و کشتار مردم به حدّی است که مردم، فرار کرده و به حرم امن الهی پناه می برند که پس از آن، منادی ندا می دهد و در حدیث سوم، سخن از فتنه ای است که منطقه شام را فرا می گیرد و راه فراری از آن نیست (شاید مراد، سفیانی باشد) و کشتاری که میان کوفه و حیره واقع می شود که پس از آن ندای آسمانی داده می شود و در روایت چهارم، سخن از ندای آسمانی هنگام قتل و کشتار است.

در جمع بندی این روایات و احادیث دیگر می توان این گونه نتیجه گیری کرد که در دوران قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قبل از ندای آسمانی،

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۵، باب۱۴، حد۳۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۶، باب۲۶، حد۵۱.

مرگ ها و کشتارها ــ که باعث ناامنی و ترس همگانی می شود ــ بسیاری از نقاط را فرا می گیرد.

۴. یأس و ناامیدی

یکی از رخدادهای قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای آسمانی، یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می اندازد و آنان امید خود را از دست می دهند. این مطلب در احادیث مربوط به نشانه های قیام به وضوح مشاهده می شود. در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

فخروجه اذا خرج عند الیأس و القنوط من أن یروا فرجاً؛ خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی است که یأس و ناامیدی از دیدن گشایشی باشد.(۱)

و در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام می خوانیم:

انما یجیء الفرج علی الیأس؛ همانا گشایش فقط هنگام یأس و ناامیدی می آید.(۲)

همچنین این مطلب به عنوان یکی از نشانه های قبل از ندای آسمانی مطرح شده است: در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که راوی آن حضرت علی علیه السلام است، آمده است:

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۲- «قرب الاسناد»، ص۱۶۸؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۵۲، ص۶۴۵، باب۵۵، حد۵.

کأنی بهم آیس من کانوا ثم نودی بنداء یسمعه من البعد کما یسمعه من القرب...؛ گویا آنان از وضعشان ناامید شده اند، سپس ندایی داده می شود که از دور، مانندِ از نزدیک شنیده می شود.(۱)

و در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام مشاهده می شود که فرمود:

... إن هذا الأمر آیس مایکون منه و أشده غماً، ینادی مناد من السماء باسم القائم و اسم ابیه...؛ همانا برای محقق شدن این امر، مأیوس تر و غمناک تر می شوید تا این که منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام و اسم پدرش ندا می دهد.(۲)

و در روایت سوم از حسن بن محبوب از علی بن موسی الرضا علیه السلام می خوانیم:

کأنی بهم آیس ما کانوا قدنودوا نداءً یسمع من بعد کما یسمع من قرب...؛ گویا آنان از وضعشان بسیار ناامیدند که ندایی داده می شود و از دور، مانندِ از نزدیک شنیده می شود.(۳)

از این سه حدیث، روایت سوم از جهت سند، معتبر است و حدیث اول _ که از منابع عامه نقل شده است _ مشابه روایت ابن محبوب است.

در نتیجه می توان یکی از نشانه های عمومی قبل از ندای آسمانی را

۱- «کفایه الاثر»، ص۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج۲، ص۵۴۷، باب۱۰، حد۴۲.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۱۸۶، باب۱۰، حد۲۹؛ «بحار الانوار»، ج۵۱، ص۳۸، باب۴، حد۱۵.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۹، باب ۳۵، حد۳؛ «عیون الاخبار»، ج۲، ص۶، باب۳۰، حد۱۴.

یأس و ناامیدی دانست که بر انسان ها سایه می افکند و آنان علاوه بر خسته شدن از وضع موجود، امید خود را از رسیدن به وضع مطلوب از دست می دهند. و این ناامیدی به سبب قتل و غارتها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری ها و فسادی است که بر همه جا حاکم است و همگان از گشایش در امور ناامید می شوند.

سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی

اشاره

در میان احادیث ندای آسمانی، روایاتی وجود دارد که نشان گر خروج و ظهور و دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بعد از اعلان نام مبارکشان و بیان حقانیت ایشان از آسمان است. اما بر اساس احادیث مطرح شده در بخش زمان ندای آسمانی، زمان آن ماه مبارک رمضان معرفی شد، ولی از طرف دیگر، روایاتی وجود دارد که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از کنار کعبه در روز دهم محرم معرفی می کند. میان این چند دسته از احادیث در مورد فاصله زمانی میان ندای آسمانی و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منافات وجود دارد. در این قسمت به بیان دسته های مختلف احادیث در این مورد و وجوهی برای جمع میان آنان می پردازیم:

سه دسته از احادیث

دسته اول؛ احادیثی که زمان قیام را دهم محرم می دانند:

در هفت حدیث که اولین آنها از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام (۱) وسه تای

ص:۱۰۹

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۶۱، باب۵۷، حد۱۹.

آنها از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های متفاوت(۱) و یک روایت از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام (۲) و یک روایت از حسن بن جهم از امام موسی کاظم علیه السلام (۳) و روایت آخر از علی بن مهزیار از امام محمد جواد علیه السلام (۴) نقل شده است، زمان قیام را دهم محرم، معرفی می کنند. حدیث اول با همان عبارت در کتاب «التهذیب» و با اندکی اضافه از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است،(۵) از میان این احادیث، روایت اول و حدیث پنجم که روایت محمد بن مسلم است، بنا بر پذیرش کتاب آن(۶) از جهت سند، معتبر هستند و بقیه روایات می توانند مؤید این مطلب باشند و بنابر تظافر روایات می توان زمان خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را روز دهم محرم از کنار کعبه دانست.

بیان متن روایات

۱. «یخرج القائم یوم السبت یوم عاشورا یوم الذی قتل فیه الحسین»

۲. «ینادی باسم القائم فی لیله ثلاث و عشرین و یقوم فی یوم عاشورا... . لکانی به فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام... .»

۱- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۹؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۵۳۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۲، حد۴۵۸؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۹۱، باب۱۴، حد۶۸.

۲- «اثبات الهداه»، ج۳، ص۵۷، فصل ۴۴، حد۶۸۷؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوّم، ص۲۱۷، حد۲۰.

۳- «الخرائج والجرائح»، ج۳، ص۱۱۶۵.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۳، حد۴۵۹؛ «الخراج و الجرائح»، ج۳، ص۱۱۵۹.

۵- «التهذیب»، ج۴، ص۳۳۳، باب۷۲، حد۱۱۲.

۶- این کتاب گلچینی از روایات کتاب «اثبات الرجعه» فضل بن شاذان نیشابوری است که توسط متاخرین صورت گرفته است و اصل کتاب فضل بن شاذان در دست نیست و مفقود شده است. ر.ک: «الذریعه الی تصانیف الشیعه» ج۲۰، ص۲۰۱.

۳. «إن القائم صلوات الله علیه ینادی اسمه لیله ثلاث و عشرین و یقوم یوم عاشورا،..»

۴. «یقوم القائم یوم عاشورا»

۵. «... فعند ذلک ینادی باسم القائم فی لیله ثلاثه و عشرین من شهر رمضان و یقوم یوم عاشورا فکأنی انظر الیه قائما بین الرکن و المقام...»

۶. «... و إن القائم ینادی اسمه لیله ثلاث و عشرین من شهر رمضان و یقوم یوم عاشورا...»

۷. «کأنی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل...»

دسته دوم؛ روایاتی که دال بر همزمانی خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای آسمانی است.

در این جا هفت حدیث آمده است که اولین آنها از حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۱) و دو روایت از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت های متفاوت(۲) و حدیث چهارم از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام (۳)و یک حدیث از محمد بن حمران از امام جعفر صادق علیه السلام (۴)و روایتی از مفضل بن عمر از امام ششم علیه السلام (۵) و

۱- «الاختصاص»، ص۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۳۰۴، باب۲۶، حد۷۳. .

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳ و ص ۲۷۰، حد۲۲.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۱، ص۶۰۳، باب۳۲، حد۱۶.

۴- «اثبات الهداه»، ج۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، فصل ۴۴، حد۶۸۶؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوّم، ص۲۱۶، حد۱۸.

۵- «بحار الانوار»، ج۵۳، ص ۱، باب۲۸، حد ۱.

روایت آخر از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱) نقل شده اند که دلالت بر همزمانی ندای آسمانی و خروج حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف دارند. از میان این هفت حدیث، روایت پنجم، بنا بر پذیرش کتاب آن و حدیث هفتم از جهت سند، معتبر هستند.

بیان متن احادیث

۱. «... . اذا کان عند خروج القائم ینادی مناد من السماء...»

۲. «... لابدّ من هذین الصوتین قبل خروج القائم علیه السلام صوت من السماء... . فاذا اختلفوا فتوقعوا الصیحه فی شهر رمضان و خروج القائم علیه السلام ...»

۳. «... . فلا یزالون بتلک الحال حتی ینادی مناد من السماء فاذا نادی فالنفیر النفیر، فوالله لکأنی انظر إلیه بین الرکن و المقام یبایع الناس...»

۴. «... . و جاءت صیحه من السماء بأن الحق فیه و فی شیعته فعند ذلک خروج قائمنا فاذا اخرج اسند ظهره الی الکعبه...»

۵. «... . و جاء ت صیحه من السماء بأن الحق مع علی و شیعته فعند ذلک خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبهو... .»(۲)

۶. «... . یا مفضل یظهر فی شبهه لیستبین فیعلو ذکره و یظهر امره و ینادی

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب۳۵، حد۵؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۵۲۴.

۲- این حدیث و روایت قبلی، گرچه از دو راوی مختلف و از دو امام معصوم علیهم السلام نقل شده است، ولی به نظر می رسد یک روایت باشد. به خصوص این که یکی از نقل ها مربوط به کتاب «مختصر اثبات الرجعه» است که شیخ حرّ عاملی از آن نقل کرده است و چندان قابل اعتماد نیست و احتمال دارد روایت «کمال الدین» را این گونه و با این سند آورده باشد.

باسمه و کنیته و نسبه...»

۷. «... و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه یقول: ألا إن حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فیه...»

دسته سوم؛ احادیثی که دلالت بر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی می کنند.

در این دسته، سه روایت است که اولین آنها از عمرو بن سعد از حضرت علی علیه السلام و حدیث دوم از ریان بن صلت از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و روایت آخر از علی بن محمد سمری نایب چهارم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده اند که بر این مطلب دلالت می کنند. از میان این سه حدیث، روایت سوم از جهت سند، معتبر است. این روایت را شیخ صدوق از «حسن بن احمد المکتب» و ایشان از «علی بن محمد سمری» نقل کرده است که به توقیع آخر مشهور است. در مورد «حسن بن احمد المکتب»، گرچه توثیقی به دست ما نرسیده است، ولی کسی او را تضعیف نکرده است. علاوه بر این، شیخ صدوق در کتاب «عیون الاخبار» در مواردی ایشان و چند نفر دیگر را با «رضی الله عنهم» ذکر کرده است.(۱) این مطلب بر جلالت وی نزد شیخ صدوق دلالت دارد و ثالثاً این توقیع را بسیاری از علمای شیعه در کتاب های خود آورده اند،(۲) ولی هیچ کدام جز میرزای نوری به آن اشکال سندی نمی کند و ایشان نیز

۱- «عیون الاخبار»، ج۱، ص۲۲۲، باب ۲۰، حد۲ و ج۲، ص ۱۷۴، باب ۴۳، حد۱.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۲۹۴، باب۴۵، حد۴۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۳۹۵، حد۳۶۵؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۵۳۰؛ «احتجاج طبرسی»، ج۲، ص۴۷۸؛ «الخرائج و الجرائح»، ج۳، ص۱۱۲۹؛ «اعلام الوری»، ص۴۴۵؛ «بحار الانوار»، ج۵۱، ص۳۶۰ و ج ۵۲، ص ۱۵۱؛ «اثبات الهداه»، ج۳، ص۶۹۳.

به راوی اشکال نمی کند، بلکه می گوید:

«انه خبر واحد مرسل»(۱) که این اشکال نیز وارد نیست؛ زیرا وفات شیخ صدوق، سال «۳۸۱ ق» است و وفات علی بن محمد سمری، نایب چهارم در سال «۳۲۹ ق»، و شیخ صدوق می تواند با یک واسطه از نایب چهارم، حدیثی را مسند نقل کند و آن واسطه، «ابومحمد حسن بن احمد المکتب» است.

بیان احادیث

۱. «... تری و لاتری الی الوقت و الوعد و نداء المنادی من السماء...»(۲)

۲. «... القائم المهدی بن الحسن لا یری جسمه ولایسمی باسمه احد بعد غیبته حتی یراه یعلن باسمه و یسمعه کل خلق... .»(۳)

۳. «... و سیأتی شیعتی من یدعی المشاهدّه ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر...»(۴)

دلالت این احادیث

در سه روایت فوق، دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اعلان نام مبارکشان از آسمان منوط شده است، یعنی اگر کسی بعد از ندای آسمانی ادعا کند که

۱- «بحار الانوار»، ج۵۳، ص۳۱۸، جنه المأوی.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۱۴۴، باب ۱۰، حد۳؛ «بحار الانوار»، ج۲۸، ص ۷۰، باب۲، حد ۳۱.

۳- «الهدایه الکبری»، ص۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج۱۲، ص۲۸۵، باب۳۱، حد۱۵.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۲۹۴، باب۴۵، حد۴۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۳۹۵، حد۳۶۵.

حضرت را دیده است، می توان سخن او را پذیرفت و این مطلب، نشان گر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی است. چنان که در روایتی داریم:

یخرج القائم مما یسمع؛ و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از شنیدن ندای آسمانی خارج می شود.(۱)

جمع بندی این سه دسته از روایات

برای جمع این احادیث دو وجه می توان بیان کرد:

وجه اول، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است و قیام از کنار کعبه در روز دهم محرم، ولی بعد از ندای آسمانی حضرت ظاهر می شوند تا مقدمات قیام را فراهم کنند. احادیثی که بر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بعد از ندای آسمانی یا ظهور ایشان دلالت دارد و همچنین روایات دسته اول که ندای آسمانی را در ماه مبارک رمضان و قیام را روز دهم محرم معرفی می کرد، می توانند مؤید این وجه باشند.

از طرف دیگر، احادیثی که بر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ندای آسمانی از مکه دلالت داشتند، با این وجه سازگار نیست. مگر این که بگوییم فاصله زمانی، میان ندای ماه مبارک رمضان و قیام دهم محرم به قدری کم است که به حساب نیامده است.

وجه دوم، ندای آسمانی تکرار می شود، ندای اول در ماه مبارک رمضان است و ندای دوم در اول روز دهم محرم که قیام از کنار کعبه در همان روز صورت می گیرد.

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب۱۶، حد۶.

روایاتی که زمان نـدا را اول روز می دانست و زمانی برای آنها تعیین نمی کرد،(۱) می توانـد مؤیـد ایـن مطلب باشـد؛ به خصوص این که محتوای این احـادیث بـا محتوای روایـاتی که زمـان نـدا را در مـاه مبارک رمضان می دانست، متفاوت است. محتوای نـدای ماه مبارک رمضان، معرفی نام و نسب حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ولی محتوای نـدای اول، روز بیـان حقـانیت و رسـتگاری علی و شـیعیان است. علاـوه بر این، در احـادیث دسـته دوم روایت آخر، به متصل بودن نـدای آسـمانی به خروج حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه صراحت دارد که با این وجه سازگار است، ولی این حدیث از جهت محتوای ندا منفرد است.

در نتیجه، بنا بر آن چه در بحث زمان ندای آسمانی مطرح شد، نظر ما پذیرش وجه اول است.

نظر اندیشمندان

وجه اول با نقل کتاب «تاریـخ ما بعـد الظهور» سازگار است؛ زیرا این کتاب، یک نـدا از آسـمان را می آورد و دو نـدا را نمی پذیرد.(۲) کتاب «مهدی منتظر»، تعدد ندای آسـمانی را مطرح می کند و همان طور که در بحث زمان ندای آسـمانی گذشت، وجه دوم بـا نقـل این کتاب، سازگار تر است؛ هر چنـد ایشان، نـدای اول روز را مربوط به اول روز بیست و سوم بعـد از نـدای آسـمانی در شب می دانـد، ولی قائـل به بیش از دو نـدا از آسـمان توسط جبرئیل امین است.(۳) و کتاب «الامام المهـدی علیه السلام من المهد الی الظهور»، تعدد ندا را ذکر

۱- این احادیث در قسمت زمان ندای آسمانی مطرح شد.

۲- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

۳- «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص ۲۸۱.

می کند و وجه دوم به نقل این کتاب نزدیک تر است. ایشان می گوید:

فالنداء الاول یکون فی شهر رجب و النداء الثانی یکون فی شهر رمضان و النداء الثالث یکون فی شهر محرم.(۱)

ولی ندای در ماه رمضان را دارای اهمیت بیشتری می داند.

نکته ای که در خاتمه این بحث، قابل ذکر است، این که فاصله میان ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز دهم محرم از کنار کعبه چه مقدار است. آیا فاصله، سه ماه و هفده روز است؟ یا یک سال و سه ماه و هفده روز؟ و یا بیش از یک سال و سه ماه و هفده روز؟

پاسخ: ندای آسمانی، اعلان کننده فرا رسیدن زمان ظهور است. بالطبع، فاصله میان ندای آسمانی و قیام نباید زیاد باشد؛ به همین دلیل، اندیشمندانِ مباحث مهدویت، قائل به فاصله سه ماه و هفده روز شده اند.

در کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» آمده است:

سیکون ظهوره علیه السلام فی الیوم العشر من المحرم، ای أن الفاصل بین النداء و الظهور حوالی مئه و سبعه ایام و الروایات لم تنص علی هذا التتابع إلا أنّه من غیر المحتمل أن یکون النداء فی رمضان من بعض السنین و یکون الظهور فی محرم بعد عده سنین أخری و لاحتی بعد مدار سنه کامله ای بعد عام و ثلاثه اشهر و سبعه عشر ایام و لعل اهم دلیل علی التتابع و نفی الانفصال هو ما استفدناه من اخبار النداء من کون حدوث النداء انما هو للتنبیه و الإعلان عن حصول الظهور و هذا إنما یصدق

۱- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص۴۰۹.

فی الزمان القریب؛ ظهور امام علیه السلام در روز دهم محرم می باشد، یعنی فاصله میان نداء و ظهور، تقریباً صد و هفت روز است و روایات بر این تتابع، تصریح ندارند، ولی بعید است نداء در رمضان سالی باشد و ظهور در محرم چند سال دیگر واقع شود و حتی بعید است فاصله میان این دو، یک سال و سه ماه و هفده روز باشد و شاید مهم ترین دلیل بر نبودن فاصله و پشت سر هم بودنشان، چیزی باشد که از اخبار ندا استفاده می شود و آن، واقع شدن نداء برای آگاهی و اعلان از آمدن ظهور است و این مطلب، فقط بر زمان نزدیک، تطبیق پذیر است.(۱)

و در کتاب «الامام المهدی علیه السلام من المهد الی الظهور» در مورد فاصله میان نداء و ظهور گفته شده است:

لقد قرأت احادیث الصیحه السماویه و انها تکون فی شهر رمضان و الظاهر انّ ظهور الامام المهدی علیه السلام یکون مقارناً لتلک الصیحه؛ روایات صیحه آسمانی را خواندید و این که آن در ماه رمضان است و ظاهر بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نزدیک آن صیحه آسمانی است.(۲)

البته در این کتاب بین ظهور و قیام تفاوت قائل شده و می نویسد:

ویجب أن لا ـ تنسی الفرق بین الظهور و بین القیام، فالظهور هوالخروج عن الاستتار و الاختفاء و القیام هو النهضه و الثوره و الشروع بالعمل؛ لازم است فرق میان ظهور و قیام را

ص:۱۱۸

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص۲۱۴.

۲- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص۴۶۳.

فراموش نکنیم. ظهور، همان خارج شدن از پنهانی و مخفی زیستن است و قیام، انقلاب و برخاستن و دست به اقدام عملی زدن می باشد.(۱)

ایشان، ظهور را بعد از ندای آسمانی به فاصله نزدیک می داند و قیام را روز دهم محرم بیان می کند.

د. محتوای ندای آسمانی

اشاره

مضمون ندای آسمانی را می توان به دو قسمت اخباری و انشائی تقسیم کرد. مراد از محتوای اخباری، مطالبی است که قالب دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است و مراد از محتوای انشایی، مطالبی است که قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام اموری فرا می خواند.

یکم: محتوای اخباری

اشاره

بیشترین مطالبی که به عنوان محتوای اخباری در روایات ندای آسمانی مطرح شده، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب است و پس از آن، بر حق بودن حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و بیان امامت و امارت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این جا به بیان برخی از موارد آن می پردازیم.

۱. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب

بیش از بیست حدیث، محتوای ندای آسمانی را شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب بیان می کند. این احادیث با متن های:

ص:۱۱۹

۱- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص۴۶۳.

«باسم القائم و اسم ابیه»،(۱) «باسم صاحب الامر و اسم ابیه»،(۲) «باسم رجل و ابیه»،(۳) «باسمه و اسم ابیه و امه»،(۴) «فلان بن فلان القائم بالحق»،(۵) «ینادی باسمه»،(۶) «باسمه و اسم ابیه»،(۷) «ینادی باسم رجل من ولد ابی طالب»،(۸) «فلان بن فلان هو الامام باسمه»،(۹) «ان المهدی من آل محمد فلان بن فلان باسمه و اسم ابیه»،(۱۰) «ینادی باسم القائم»،(۱۱) «إن فلان بن فلان قائم آل محمد»،(۱۲) «إن القائم صلوات الله علیه ینادی اسمه»،(۱۳) «فیه ینادی باسم صاحبکم و اسم ابیه»،(۱۴) «إن فلاناً هو الامیر»،(۱۵) «إن الامر لفلان بن فلان»،(۱۶) «باسم القائم»،(۱۷) «ینادی باسمه و کنیته و نسبه»(۱۸) و «باسم صاحب الامر»(۱۹) از پیشوایان

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۱۸۶، باب ۱۰، حد۲۹، و باب ۱۴، حد۱۵.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۳- «المحجه»، ص ۱۶۰.

۴- «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص۲۴۴، حد۱۴۷.

۵- «تأویل الآیات الظاهره»، ج۲، ص۷۳۲.

۶- «تأویل الآیات الظاهره»، ج ۱، ص۳۸۶.

۷- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص۵۹۷، باب۳۲، حد۷.

۸- «الکافی»، ج۸، ص۱۷۸، حد۲۵۵.

۹- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، حد۴.

۱۰- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۷.

۱۱- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۹؛ «اعلام الوری»، ص۴۵۹.

۱۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب۱۶، حد۶.

۱۳- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۲، حد۴۵۸.

۱۴- «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۷۲، باب۲۵، حد۱۶۵.

۱۵- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸.

۱۶- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۵، باب۱۴، حد۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

۱۷- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۱، باب۱۴، حد۲۵ و ص ۲۷۰ حد۲۳.

۱۸- «بحار الانوار»، ج۵۳، ص ۱.

۱۹- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۱۱۸.

معصوم علیهم السلام نقل شده اند و از میان آنها سند پنج حدیث معتبر است، ولی به دلیل کثرت روایات در این مورد نیازی به بحث سندی نیست و ندای به اسم و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امری مسلّم محسوب می شود.

۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از میان احادیث ندای آسمانی، هفت روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را بیان امارت برای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کنند. این روایات با واژه های:

«ولی الامر خیر امه محمد»،(۱) «هذا المهدی خلیفه الله»،(۲) «إن ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق»،(۳) «فلان بن فلان هو الامام»،(۴) «إن فلاناً هو الامیر»،(۵) «به یعرف صاحب هذا الامر»(۶) و «إن الامر لفلان بن فلان»(۷) بر این مطلب دلالت دارند.

از میان اینها، احادیث پنجم، ششم و هفتم ــ که سه عبارت آخری از آنها نقل شده است ــ از جهت سند معتبر هستند. بیان امارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این احادیث با واژه های «ولی امر»، «خلیفه الله»، «ولیکم»، «امام»، «امیر»، «صاحب الامر» و «الأمر لفلان» آمده است. و می توان این مطلب را پذیرفت، یعنی در ندای آسمانی، اشاره ای به بیان امارت حضرت می شود.

۱- «الاختصاص»، ص۲۰۸.

۲- «کفایه الاثر»، ص۱۴۷.

۳- «تأویل الآیات الظاهره»، ج۲، ص ۷۳۲.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، حد۴.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸.

۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب۱۴، حد۱۶.

۷- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۵، باب۱۴، حد۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان

ده حدیث، محتوای ندای آسمانی را بیان حقانیت حضرت علی علیه السلام یا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیروانشان می شمارند. این روایات با عبارت های:

«الا ـ إن الحق مع علی و شیعته»،(۱) «بأن الحق فیه و فی شیعته»،(۲) «إن الحق فی علی و شیعته»،(۳) «إن علیاً و شیعته هم الفائزون»،(۴) «ألا إن الحق فی علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعته»،(۵) «بأن الحق مع علی و شیعته»(۶) و «ألا إن حجه الله قد ظهر... فإن الحق معه و فیه»(۷) نقل شده اند.

از میان این ده روایت، شش حدیث از جهت سند معتبر هستند که عبارت های: سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم از آنها نقل شده اند. این روایات، محتوای ندا را حقانیت حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و حقانیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کنند تا به این وسیله، پیروان حق از صدر اسلام و جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان پرچمدار حق در آخر الزمان به همگان شناسانده شوند.

۱- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۱؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۱، ص۶۰۳، باب۳۲، حد۱۶.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد۴۲۵و ص۴۵۴ حد۴۶۱؛ «الخرائج و الجرائح»، ج۳، ص۱۱۶۱

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸؛ «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

۶- «اثبات الهداه»، ج۳، ص ۵۷۰، باب۳۲، فصل۴۴، حد۶۸۶؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص۲۱۶، حد ۱۸.

۷- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب۳۵، حد۵.

۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از میان احادیث، چند روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته و با لقب های ارزش منـد از او یاد می کننـد. این روایات با واژه های: «خیر امه محمد»،(۱) «القائم بالحق»،(۲) «قائم آل محمد»،(۳) «حجه الله»،(۴) امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را می سـتایند که نشـانه برتری و قیـام بر حق کردن و از دودمان پیامبر گرامی اسلام و حجت خدا بودن ایشان است.

۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این مطلب در حدیث معتبری از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام با عبارت ذیل آمده است:

ألا إن حجه الله قـد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فیه؛ آگاه باشـید حجت خدا، کنار خانه خدا ظاهر شده است، از او پیروی کنید؛ همانا حق با او و در وجود اوست.(۵)

۶. خبر از پایان حکومت جباران

در روایتی از حـذیفه از پیامبر گرامی اسـلام آمده است: «اذا کان عند خروج القائم ینادی مناد من السـماء ایها الناس قطع عنکم مده الجبارین».(۶) که خبر از

۱- «الاختصاص»، ص۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۳۰۴، باب۲۶، حد۷۳.

۲- «تأویل الآیات الظاهره»، ج۲، ص۷۳۲؛ «البرهان»، ج۴، ص ۴۰۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب۱۶، حد۶؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۱۱۹، باب۲۱، حد۴۸.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب۳۵، حد۵؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۳۲۱، باب۲۷، حد۲۹.

۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد۵.

۶- «الاختصاص»، ص۲۰۸.

پایان حکومت جباران و گردنکشان می دهد. این روایت از جهت سند، ضعیف، و از منابع عامه، نقل شده است.(۱)

دوم: محتوای انشایی

اشاره

مطالب دستوری نـدای آسـمانی که توسط جبرئیل امین علیه السـلام اعلان می شود، چیست؟ در این قسـمت به بیان آن چه از روایات ندای آسمانی در این مورد استفاده می شود، می پردازیم.

۱. دستور رفتن به مکه

در حـدیثی که از حـذیفه از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم نقـل شـده، این مطلب در محتوای نـدا بـا عبـارت «فالحقوا بمکه»(۲) بیان شده است؛ ولی حدیث از جهت سند، ضعیف، و از منابع عامه نقل شده است.

در روایت دیگری از ابوبصـیر از امام محمد باقر علیه السـلام، این مطلب به عنوان محتوای ندا مطرح نشده است، ولی خود امام باقر علیه السلام دستور به رفتن می دهد. در این حدیث آمده است:

فاذا نادی فالنفیر النفیر فوالله لکأنی انظر الیه بین الرکن و المقام...؛ وقتی ندا داده شد کوچ کنید، کوچ کنید. به خدا قسم، گویا او را میان رکن و مقام می نگرم.(۳)

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱؛ «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، جزء ۱، ص۷ و ص۱۹.

۲- «الاختصاص»، ص۲۰۸؛ «السنن الوارده فی الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۰، باب۱۴، حد۲۲؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۵، باب۲۵، حد۱۰۳.

این حدیث نیز از جهت سند، ضعیف است؛ ولی یکی از وظایف مؤمنان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفتن به سوی مرکز قیام است و آن، جایی جز شهر مکه و بیت الله الحرام نیست.

۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سه حدیث، این مطلب را بخشی از محتوای ندای آسمانی با عبارت های «فاتبعوه»(۱) و «فاسمعوا له و اطیعوه»(۲) معرفی می کنند. از میان اینها، تنها یک روایت ـ که از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است ـ از جهت سند، معتبر است که عبارت اول، مشترک میان این حدیث و روایتی است که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است. در این احادیث، از مردم خواسته شده تا از دستورات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اطاعت و از او پیروی کنند.

۳. دستور قیام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تنها یک حدیث ـ که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است ـ محتوای ندا را متوجه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند؛ نه مردم. و در آن آمده است: «ینادی باسم القائم یا فلان بن فلان قم»(۳) و به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور قیام می دهد. این روایت از جهت سند، ضعیف است، ولی شاید اشاره به دستور خداوند به امام زمان علیه السلام برای قیام داشته باشد و با آن، اذن ظهور حضرت داده

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب۳۵، حد۵؛ «کفایه الاثر»، ص۱۴۷.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۳۰۱، باب۱۶، حد۶؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۱۱۹، باب ۲۱، حد۴۸.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۸۷، باب۱۴، حد۶۴؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۴۶، باب۲۵، حد۱۲۶.

شود و ربطی به نـدای آسـمانی نـدارد؛ مانند روایاتی که بر ندای شمشیر حضـرت در هنگام ظهور دلالت دارند که می گوید: «قم یـا ولی الله فاقتل اعـداء الله»[(۱)] یـا نـدای عَلَم حضـرت که می گویـد: «فناداه العلم اخرج یا ولی الله فاقتل اعـداء الله»[(۲)] که مخاطب در این موارد، خود حضرت مهدی علیه السلام است.

۴. بازداشتن از قتل و خونریزی

سه روایت که از جهت مضـمون با یکدیگر مشابه هسـتند و هر سه از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده انـد و در کتاب الغیبه نعمانی پشت سر هم آمده است، بازداشـتن از قتل و خونریزی را به عنوان محتوای ندای آسـمانی آورده اند.

متن یکی از این روایات:

یقول: إنه ینـادی بـاسم صـاحب الامـر مناد من السـماء، ألا إن الامر لفلان بن فلان ففیم القتال؟؛[(۳)] فرمود: همانا منادی نـدا می دهد به اسم صاحب الامر از آسمان که آگاه باشید ای فلان بن فلان است، پس برای چه جنگ می کنید؟

این حدیث و یکی از دو حدیث دیگر از جهت سـند، معتبر هسـتند و به نظر می رسد یک روایت با سه نقل متفاوت باشند. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده بر جنگ و خونریزی در هنگام اعلان ندا از آسمان دلالت

۱- «کفایه الاثر»، ص۲۶۶؛ «بحار الانوار»، ج۳۶، ص۴۰۹ و ج۵۲، ص ۳۰۳، باب۲۶، حد۷۲.
۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۱، ص۴۹۸، باب۲۴، حد۱۱؛ «عیون الاخبار»، ج۱، ص۶۳۱.
۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۵، باب۱۴، حد۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

می کنند.

ه. مخاطبان ندای آسمانی

اشاره

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام با تعابیر مختلف بیان شده است. در این قسمت به بیان موارد آن و همچنین چگونگی شنیدن صوت توسط مخاطبان می پردازیم:

یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی

۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب

این مطلب با عبارت های: «فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب»،(۱) «یسمع اهل المشرق و المغرب»(۲) و «فیسمع ما بین المشرق الی المغرب»(۳) در چهار حدیث آمده است. از میان اینها، یک روایت با سند معتبر از حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که متن دومی، مربوط به آن می باشد.

۲. شنیدن تمام اهل زمین

سه حدیث با واژه های: «فیؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء»،(۴) «یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه»(۵) و «یعلن باسمه و یسمعه کل خلق»(۶)

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۱۷۷، حد۱۳۴؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۵، باب۱۴، حد۱۴.

۳- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۲؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۹۰، باب۲۶، حد۳۲.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص ۶۰، باب۳۵، حد۵.

۶- «الهدایه الکبری»، ص۳۶۴؛ «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ج۴، ص ۱۶۰، حد۱۲۱۷.

بر این مطلب دلالت می کنند و از میان اینها دو حدیث اول و دوم که از امام جعفر صادق علیه السلام و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده اند، از جهت سند، معتبر هستند. البته حدیث چهارمی از امام جعفر صادق علیه السلام وجود دارد که این مطلب از آن فهمیده می شود. در این روایت آمده است:

فیؤمن اهل الارض جمیعاً للصوت الاول؛ پس تمامی اهل زمین به صدای اول، ایمان می آورند.(۱)

در این حدیث به ایمان تمامی اهل زمین به دلیل صوت اول که همان ندای جبرئیل علیه السلام از آسمان است، اشاره شده است، ولی ایمان و تسلیم شدن بدون شنیدن امکان ندارد؛ پس اینان، ابتدا، صدا را می شنوند و سپس در مقابل آن تسلیم می شوند.

۳. شنیدن تمامی جانداران

در حدیثی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، در مورد ندای آسمانی آمده است:

فلایبقی شیء خلق الله فیه الروح الا یسمع الصیحه؛ چیزی از مخلوقات پروردگار که روح دارد نمی ماند؛ مگر این که صیحه را می شنوند.(۲)

۱- «الغیبه نعمانی»، ۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۳، باب ۲۶، ذیل حد۴۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۳۰۱، باب۱۶، حد۶.

این روایت از جهت سند، ضعیف است.

۴. ندای آسمانی عام است نه خاص

یکی دیگر از مطالبی که عمومی بودن ندای آسمانی را می رساند، بیان عام بودن و مخصوص گروه خاصی نبودن ندای آسمانی است. زراره بن اعین در حدیثی می گوید:

از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: ندای آسمانی، خاص است یا عام و همگانی؟ امام فرمود: «عام یسمع کل قوم بلسانهم»؛(۱) عام است و هر قومی با زبان خود، آن را می شنوند.

این روایت از جهت سند، معتبر است و تمامی راویانِ آن توثیق شده اند.

دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان

ویژگی دوم ندای آسمانی برای مخاطبان، شنیدن هر گروهی به زبان خودشان است.

یعنی اگر زبان مادری کسی عربی است، عربی می شنود و اگر فارسی است، فارسی می شنود و همچنین هر زبان دیگر، هر کسی به زبان مادری خودش ندا را می شنود. سه حدیث که هر سه از جهت سند، معتبر هستند، این مطلب را آورده اند. عبارت های این روایات: «یسمعه کل قوم بالسنتهم»،(۲) «زراره می گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: النداء حق؟ قال: ای و الله حتی

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب ۵۷، حد۸.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد۴۲۵.

یسـمعه کل قوم بلسانهم»(۱) و عبـارت سوم، حـدیثی است که پیش تر بیـان شـد و عبـارت آن، این است: «عـام یسـمع کل قوم بلسانهم».(۲)

به هر حال با وجود این سه حـدیث معتبر، این مطلب، اثبات پـذیر است. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده، بر همگانی بودن ندای آسمانی نیز دلالت می کنند.

سوم: یکنواختی صدا برای همگان

ویژگی سوم ندای آسـمانی برای مخاطبان، یکنواختی شنیده شدن آن است. یعنی مخاطبانِ ندای آسمانی در هر کجا باشند، به صورت یکسان، آن را می شـنوند و دوری یا نزدیکی در آن معنا ندارد. در حدیث معتبری که از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل شده، آمده است:

قـد نودوا نـداءً یسـمع من بعد کما یسـمع من قرب؛ به تحقیق، ندایی داده می شوند که از دور شـنیده می شود همان طور که از نزدیک شنیده می شود.(۳)

این حدیث از جهت سند، معتبر است و از جهت طبقه نیز مشکلی ندارد و تمامی راویان آن توثیق شده اند.

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۸۲، باب۱۴، حد۵۴.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۸؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۰۵، باب۲۵، حد۳۵.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۹، باب۳۵، حد۳؛ «عیون الاخبار»، ج۲، باب۳۰، حد۱۴.

نکته پایانی

در برخی از روایات با این عبارت ها مواجه می شویم:

۱. «یسمع اهل المشرق و المغرب حتی تسمعه الفتاه من خدرها»(۱)

۲. «تسمع الفتاه فی خدرها و یسمع اهل المشرق و المغرب»(۲)

۳. «حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرّض أباها و اخاها علی الخروج»(۳)

مراد از «شنیدن دختران پرده نشین» در این احادیث چیست؛ به خصوص در دو حدیث اول می بینیم که آن در کنار شنیدن اهل مشرق و مغرب ذکر شده است. این احادیث، بیانگر این مطلب است که دختران پشت پرده معمولاً در اندرونی خانه هستند و صدا به قدری آشکار است و همه انسان ها را شامل می شود که حتی دخترانی که درون خانه هستند و معمولاً صداهای بیرون خانه به آنان نمی رسد، این صدا را می شنوند و بنا بر روایت سوم نه تنها می شنوند، بلکه عکس العمل از خود نشان داده و اهل خانواده را وادار به خارج شدن و با خبر شدن از آن می کنند که صدا از کجا بود و گوینده آن چه کسی بوده است.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است و دو حدیث دیگر می توانند مؤید این مطلب باشند.

۱- «الغیبه نعمانی» . ص۲۶۵، باب۱۴، حد۱۴، «اثبات الهداه» ج۳، ص۷۳۶، حد۱۰۱.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۱۷۷، حد۱۳۴؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۸۵، باب۲۶، حد۱۵.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳. «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی

اشاره

حالاتی که مخاطبان نـدای آسـمانی در هنگام شـنیدن آن از خود بروز می دهند، نشان گر غیر منتظره بودنِ آن برای آنهاست. این حالت ها نوعی ترس، همراه با حیرت و تعجب را نشان می دهند.

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل آیه ۴ سوره شعراء می فرماید:

اذا سـمعوا الصوت اصـبحوا و کأنّما علی رؤوسهم الطیر»؛ وقتی صدا (ندای اسمانی) را می شنوند، مانند کسانی خواهند بود که پرنده ای بر سرشان نشسته است.(۱)

این روایت، شـدت تعجب و حیرت و ترس مخاطبـان را نشـان می دهـد و آن را به فردی تشـبیه می کنـد که پرنـده ای بر روی سرش نشسـته و برای فرار نکردن آن سـرجایش بی حرکت می مانـد. در این قسـمت به بیان تأثیرات ابتـدایی ندای آسـمانی بر روی مخاطبانش می پردازیم:

یکم: کرنش و ایمان ابتدایی

اولین تأثیر نـدای آسـمانی بر روی مخاطبان، خضوع و تسـلیم در برابر آن است که احادیث ذیل آیه ۴ سوره شـعراء به بیان آن می پردازند. چهار حدیث به این مطلب با عبارت های:

۱. «فیؤمن اهل الأرض جمیعاً للصوت الأول»؛ تمامی اهل زمین به صدای اول (ندای آسمانی) ایمان می آورند.(۲)

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۰، باب۱۴، حد۲۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۳، باب۲۶، حد۴۱.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۲. «فلایبقی فی الارض یومئـذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته لها فیؤمن اهل الارض اذا سـمعوا الصوت من السـماء»؛ در آن هنگام، کسـی بر روی زمین نمی مانـد؛ مگر این که گردنش در مقابل ندای آسـمانی، خاضع و افتاده می شود و اهل زمین، وقتی صدا را از آسمان می شنوند، به آن ایمان می آورند.(۱)

۳. «فقلت له: أهی الصیحه؟ فقال اما لو کانت خضعت اعناق اعداء الله عزوجل»؛(۲) از حضرت پرسیدم: آیا مراد از آیه (چهارم سوره شعراء) صیحه است؟ فرمود: اگر مراد، آن باشد، گردن های دشمنان خداوند عزوجل در برابر آن خاضع می شود.

۴. «تخضع رقـابهم یعنی بنی امیه و هی الصـیحه من السـماء بـاسم صاحب الامر»؛(۳) گردن هایشـان، یعنی بنی امیه، خـاضع می شود و آن صیحه آسمانی به اسم صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

از میـان این احـادیث، روایت دوم، سوم و چهارم از جهت سـند، معتبر هسـتند. روایات اول و دوم، خضوع و خشوع را همگانی می دانند و با واژه های: «اهل الارض جمیعاً» و «فلایبقی فی الارض یومئذ أحدٌ»، این مطلب را می رسانند، ولی احادیث سوم و چهارم، این خضوع و خشوع را متوجه کافران و دشمنان خداوند می دانند و با عبارت های: «خضعت اعناق اعداء الله»

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷. باب۱۴، حد۱۹؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۲، باب۲۶، حد۴۰.

۲- «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد۴۸۳.

۳- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۱۱۸؛ «تفسیر الصافی»، ج۴، ص۲۹.

و «تخضع رقابهم یعنی بنی امیه» بر این مطلب دلالت می کننـد. تأکیـد بر روی خضوع و کرنش دشـمنان خداوند در دو حدیث آخری به دلیل اهمیت آن است؛ زیرا مؤمنان در برابر امر الهی با دیدن یا ندیدن معجزه، سر تسلیم فرود می آورند، ولی کافران به راحتی سر تسـلیم فرود نمی آورنـد؛ مگر این که چیزی رخ دهـد که مجبور به این کار شوند. از این جهت، بر روی خضوع آنان تأکید بیشتری شده است.

دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین

معمولاً دختران در زمان گذشته کمتر از خانه ها بیرون می آمدند و بیرون آمدن برخی از آنها به ندرت اتفاق می افتاد و تا حد امکـان در خـانه، آن هم در انـدرونی می ماندنـد و به این جهت به آنـان، دختران پشت پرده می گفتنـد، ولی تـأثیر آنی نـدای آسـمانی به قـدری است که این دختران از خانه بیرون می آینـد و حالت عادی خود را کنار می گذارند تا ببینند چه خبر است. این مطلب به یکی از دو وجه ذیل تفسیرپذیر است:

یک. در آن زمان، هر چنـد به تعـداد کم، دخترانی بودنـد که به ندرت از خانه بیرون آمدند و این اطلاق بر آنان صـحیح بود. دو. اهل بیت علیهم السـلام برای بیان شـدت تأثیر نـدا بر روی مخاطبان، این مطلب را آورده انـد که حتی کسانی که از خانه یا اندرونی بیرون نمی آیند؛ به سبب ندای آسمانی بیرون می آیند.

دو حدیث با عبارت های: «تخرج الفتاه من خدرها»(۱) و «تخرج العذراء من

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۶، باب۱۴، حد۱۷؛ «بحار الانوار» . ج۵۲، ص۲۳۴، باب۲۵، حد۱۰۰.

خدرها»(۱) به بیان این مطلب می پردازند که حدیث اول از جهت سند، معتبر است. البته اگر سه حدیث فزعه در ماه مبارک رمضان را که عبارت «تخرج الفتاه من خدرها»(۲) را دارند، اضافه کنیم؛ در مجموع، پنج حدیث می شوند و نکته دیگری که در مورد این احادیث است، این که این ندا در ماه رمضان است که در این روایات به آن اشاره شده است.

شاید این سؤال مطرح شود که در قسمت قبلی برای همگانی بودن ندای آسمانی و شنیدن تمامی افراد، عبارت: «حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرض أباها و اخاها علی الخروج»(۳) آمده بود و این بدان معناست که دختران پرده نشین، خود بیرون نمی آیند، بلکه پدر و برادرشان را تشویق به خروج و فهمیدن ماجرا می کنند، ولی در احادیث مطرح شده است که سخن از خروج دختران پرده نشین است و این دو مطلب با هم سازگار نیست؟

پاسخ به این سؤال به سه صورت امکان دارد:

۱. ممکن است بیشتر دختران پرده نشین بیرون آیند، ولی برخی از آنان به دلیل حیای بیشتر خود بیرون نیایند، ولی به دلیل تأثیر ندا بر آنان، دیگران را تشویق به بیرون رفتن کنند.

۲. این حدیث از حیث سند، ضعیف است و می توان آن را کنار گذاشت، یعنی حدیث «حتی تسمعه العذراء...».

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۳۰۱، باب۱۶، حد۶؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۱۱۹، باب۲۱، حد۴۸.
۲- «الغیبه نعمانی» . ص۲۶۰، باب۱۴، حد۸ و ص۲۶۱، حد۱۱؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ص۳۸۴.
۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۳. بیان شـنیدن دختران پرده نشـین یا خروج آنان برای مطرح کردن این مطلب توسط اهل بیت علیهم السلام بوده است که ندا، تأثیر شدیدی بر همگان می گذارد؛ حتی بر روی کسانی که در درون خانه با حوادث جامعه ارتباطی ندارند.

سوم: بیدار شدن افراد خواب

یکی دیگر از تأثیرات نـدای آسـمانی بر روی افراد خواب است، یعنی صـدا به قدری هولناک است که افراد خواب، آن را می شنوند و با شـنیدن آن از خواب برمی خیزند یا به سبب اعجازی بودن آن، افراد خواب نیز جزء مخاطبان آن قرار می گیرند و با شنیدن آن از خواب، بیدار می شوند.

پنج حدیث با عبارت های: «توقظ النائم»،(۱) «لا یبقی راقدٌ إلا استیقظ... فزعاً من ذلک الصوت»،(۲) «فتوقظ النائم و یخرج الی صحن داره»(۳) و «فلایبقی راقد إلا قام»(۴) بر بیـدار شدن افراد خواب دلالت می کنند. حدیث اول از جهت سـند، معتبر است. روایت اول، فقط اشاره به بیـداری افراد خواب دارد، ولی حـدیث دوم، بیـداری آنان را ناشـی از فزع و ترس می داند و روایت سوم، علاـوه بر بیـداری آنهـا اشـاره به بیرون آمـدن آنـان به ایوان خانه نیز می کنـد که بیرون می آینـد ببیننـد چه خبر است و حدیث دوم و دو حدیث آخر که عبارت آخر از آن دو نقل شده است، به وسیله استثناء و حدیث اول و سوم به وسیله

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۶، باب۱۴، حد۱۷؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۳۰۱، باب۱۶، حد۶.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۲؛ «کفایه المهتدی»، ص۲۸۸.ذیل حد۳۹.

اطلاق «النائم»، همه افراد خواب را شامل می شوند. روایت های «فزعه» نیز عبارت «توقظ النائم» را آورده اند.

چهارم: وحشت افراد بیدار

تنها حدیث عبایه بن ربعی از امیرالمؤمنان علی علیه السلام با عبارت «تفزع الیقظان»(۱) بر وحشت افراد بیدار از شنیدن صیحه آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت دارد. این حدیث از جهت سند، معتبر است و اطلاق واژه «الیقظان»، تمامی افراد بیدار را شامل می شود.

البته در سه حدیث «فزعه»، عبارت «تفزع الیقظان» آمده است.(۲)

پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته

تأثیر ندای آسمانی بر روی افراد به حدّی است که ایستادگان از ترس آن می نشینند و نشستگان می ایستند. سه روایت با عبارت های: «ولاقائم الاقعد و لا قاعد الاقام علی رجلیه فزعاً من ذلک الصوت»،(۳) «ولاقائم الاقعد و لاقاعد إلا قام علی رجلیه من ذلک الصوت»(۴) بر این مطلب دلالت می کنند.

عبارت دوم، مربوط به دو حدیث است که یکی مقطوعه محمد بن مسلم

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۶، باب۱۴، حد۱۷؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب۱۴، حد۸ و ص ۲۶۱، حد۱۱؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ص۳۸۴.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۲؛ «کفایه المهتدی»، ص۶۶۸، ذیل حد۳۹.

است و به معصوم علیه السلام ختم نمی شود، ولی محمد بن مسلم، کسی نیست که حدیثی را از غیر معصوم نقل کند. و روایت دوم از محمد بن ابی عمیر از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است. البته این حدیث در کتاب کفایه المهتدی آمده است که از متأخرین است و معاصر علامه مجلسی بوده است. ایشان به نقل از کتاب الغیبه فضل بن شاذان احادیثی را نقل می کند. کتاب الغیبه فضل بن شاذان به دست ما نرسیده است.

تقریباً تمامی احادیثی که عبارت های مربوط به خروج دختران پرده نشین، بیدار شدن افراد خواب، به وحشت افتادن افراد بیدار و ایستادن نشستگان و نشستن ایستادگان را آورده اند، قیدِ در ماه مبارک رمضان بودن را دارند. و فقط مقطوعه محمد بن مسلم، این قید را نیاورده است، ولی به قرینه ندا به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان بودن آن ثابت می شود. علاوه بر این، در احادیثی، تعبیر صیحه به جای ندا در مورد ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان استعمال شده است که اینها نشان از شدت صدا و وحشتی دارد که در همگان ایجاد می کند و شاید بتوان به همین جهت، چند حدیثی که در مورد فزعه آمده است را با اینها یکی دانست؛ زیرا اولاً، فزعه در ماه مبارک رمضان رخ می دهد و ثانیاً، کلمه «فزعه»، بیان کننده ترسی است که ندای آسمانی در ماه رمضان در همگان ایجاد می کند. در نتیجه، اگر قائل به دو ندا از آسمان: یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و دیگری در زمانی بعد از آن شویم، این حالت ها مربوط به ندای اول است.

ص:۱۳۸

فصل دوم: پی آمدهای ندای آسمانی

اشاره

هنگامی که جبرئیل امین علیه السلام، ندای آسمانی را سرمی دهد، مخاطبان، در آغاز، خضوع کرده و نوعی ایمان همراه با تعجب توأم با ترس در آنها پدیدار می شود که در فصل قبلی بدان پرداختیم. اما بعد از ساعاتی، عکس العمل واقعی اهل ایمان و کفر آشکار شده و بعد از این ندا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهند کرد. در این فصل به پی آمدهای ندای آسمانی می پردازیم:

الف. خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ندای آسمانی به منزله اعلان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین، اولین پی آمد آن، ظهورحضرت است. در روایتی از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شد، است: «و یخرج القائم مما یسمع و هی صیحه جبرئیل علیه السلام»؛(۱) وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندای آسمانی را می شنود، ظاهر می شود و آن صدای جبرئیل علیه السلام است.

ص:۱۳۹

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۳۰۱، باب۱۶، ح۶.

ب. عکس العمل اهل ایمان

نـدای آسـمانی، بشارتی برای مؤمنان است که بعد از قرن ها انتظار، حجت خداوند از پسِ پرده غیبت بیرون می آید و با ظهور خود، جهـان را نورانی خواهـد کرد. به همین جهت، چنین روزی برای مؤمنـان، روز سـرور و شـادی خواهـد بود. چنـان که در حدیثی آمده است:

الا ذلک یوم فیه سرور ولد علی و شیعته؛ آگاه باشید آن روز (روز اعلان ندای آسمانی)، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و شیعه اوست.(۱)

ج. عکس العمل کافران

هنگـامی که کافران و معانـدان می شـنوند که به نام مبارک حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نـدا داده می شود، متوجه می شونـد که وقت زوال حکومت های ظالم شان فرا رسـیده است و در برابر کسـی قرار گرفته انـد که قـدرت آسـمانی دارد و آنهـا توان مقـابله بـا او را ندارنـد. آنهـا در آغـاز به عجز و نـاتوانی خود اقرار کرده، سـپس بر لجاجت خود افزوده و در مقابل حضرت، صف آرایی می کنند و نبرد امام با این افراد است. آنها گرچه می دانند پایان کارشان، نابودی است، ولی مانند ابلیس تا نابودی، دست از دشمنی و لجاجت بر نمی دارند.

د. ندای شیطانی

اشاره

اگر صـرفاً ندای آسمانی داده می شد، همگان؛ اعم از مؤمن و کافر، سر تسلیم در برابر آن فرود می آوردند. زراره بن اعین در روایتی می گوید:

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۱۴۴، باب ۱۰، حد۳.

به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: تعجب می کنم خدا شما را سلامت بدارد و تعجب من از این است که با وجود عجائبی چون خسف بیداء (سپاه سفیانی) و ندایی که از آسمان است، چطور باز با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگند؟ حضرت پاسخ داد: «إن الشیطان لایدعهم حتی ینادی کما نادی برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوم العقبه»؛(۱) همانا شیطان، آنها را رها نمی کند تا این که ندا دهد؛ همان طور که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز عقبه ندا داد.

در این جا این سؤال مطرح می شود که: آیا شیطان نیز می تواند شبه معجزه ای بیاورد و با این عمل به مقابله با حجت های الهی بپردازد و مردم را گمراه کند؟

محققی با برشمردن دو مقدمه، ندای ابلیس را نمی پذیرد:

مقدمه اول:

إنّ عدد الأخبار الدالّه علی النداء بالباطل أقل بکثیر من الأخبار علی النداء بالحق؛ همانا تعداد روایات دلالت کننده بر ندای باطل نسبت به تعداد اخبار ندای حق، بسیار کم است.

مقدمه دوم:

اننا إذا سرنا علی الفهم التقلیدی لهذه الأخبار المطابق مع ظهورها الأولی، و هو صدور النداء بالباطل بشکل اعجازی أو میتا فیزیکی، فیکون هذا معجزه صادره فی جانب الباطل؛ به درستی که اگر ما ظهور اوّلی این اخبار را بنا بر فهم

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد۲۹.

تقلیـدی بپـذیریم و آن صـادر شـدن نـدای باطـل به شـکل اعجازی یا متافیزیکی، [پس] این معجزه صادر شـده، از جانب باطل است.

ایشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دلیل فریفتن انسان ها و سوق دادن آنان به سوی انحراف و جهالت بر خداوند محال می شمرد و می گوید:

لما فیه من التغریر بالجهل و الـدفع إلی الفتنه و الانحراف و هو مستحیل علی الحکیم المطلق جل و علا»؛ به دلیل آن چه در آن از فریفتن با جهل و سوق دادن به سوی فتنه و انحراف است و آن بر حکیم مطلق، جل و علا، محال است.

در پایان، ایشان می گوید:

فـإذا تمت هاتـان المقـدمتان لزمنا رفض هـذه الأخبار، لأنها أخبار قلیله نسبیاً و داله علی أمر مسـتحیل، فیکون الأخـذ بمضـمونها مسـتحیلاً»؛ وقتی این دو مقـدمه، تام است، لازم است این اخبار را کنار بگـذاریم؛ زیرا این اخبار از جهت نسـبت، کم هسـتند و همچنین دلالت کننده بر امر محالی می باشند؛ پس پذیرفتن مضمون این احادیث، محال است.(۱)

در پاسخ ایشان می توان گفت:

اولاً، بیش از پانزده حـدیث(۲) که نه مورد آن از حیث سـند، معتـبر است، در مورد نـدای ابلیس وارده شـده است. و به راحتی نمی توان این روایات را کنار

ص:۱۴۲

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص۱۳۲.

۲- منبع این روایات در مباحث ندای ابلیس به تدریج ذکر می شود.

گذاشت؛ گرچه این اخبار نسبت به اخبار ندای آسمانی و معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کمتر است، ولی در صورت عدم تعارض نمی توان آنها را ترک کرد.

ثانیاً، در اخبار ندای آسمانی، عبارت هایی دال بر همگانی بودن و شنیدن هر قومی با زبانشان وجود داشت، ولی در اخبار ندای ابلیس، عبارتی که بر همگانی بودن آن دلالت داشته باشد، وجود ندارد؛ مگر این که از روی تقابل با ندای آسمانی و همگانی بودن ندای آسمانی، قائل به همگانی بودن آن شویم. و به همین جهت، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسی علیه السلام است؛ بدین معنا که به وضوح، حق از باطل متمایز است، ولی اهل باطل به دنبال بهانه ای هستند تا به حق روی نیاورند. و حتی اگر نام «ابلیس» در اکثر اخبار ندای شیطانی نیامده بود، قائل به ندای شیطانی انسی می شدیم و آن را به وسیله ابزار ساخت بشر معرفی می کردیم.

همچنین در دو روایت از این اخبار که در قسمت های بعدی می آید، این ندا تشبیه به ندای ابلیس در جمره عقبه شده است و در تاریخ نیز چنین ندایی ثبت شده است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إن أمرنا قد کان أبین من هذه الشمس ثم قال: ینادی مناد من السماء فلان بن فلان هو الامام باسمه و ینادی ابلیس لعنه الله من الارض کما نادی برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لیله العقبه»؛ همانا امر ما روشن تر از این خورشید است. سپس فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابلیس، لعنت خدا بر او باد، از زمین ندا می دهد؛ همان طور که در شب عقبه بر ضد رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد.(۱)

در حدیث فوق، امر اهل بیت علیهم السلام در دوره آخر الزمان، ابین من الشمس معرفی شده و این مطلب، نشان گر وضوح و شناسایی راحت ندای آسمانی و ندای ابلیس است و اگر کسی خود، مشکل نداشته باشد، دنباله روی از ندای حق، آسان خواهد بود. در این بخش به معرفی ندای ابلیس می پردازیم:

یکم: ویژگی های ندای شیطانی

۱. ندا دهنده

اغلب روایات، ندادهنده را به عنوان ابلیس معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های: «صوت الملعون ابلیس»،(۲) «صوت ابلیس اللعین»،(۳) «ینادی ابلیس»،(۴) «ینادی ابلیس لعنه الله»،(۵) «لا یدعهم ابلیس حتی ینادی»،(۶) «صعد ابلیس اللعین... ثم ینادی»،(۷) «صعد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»،(۸) «صوت ابلیس»(۹) و «واحده من ابلیس»(۱۰) دلالت بر منادی بودن ابلیس لعین دارند.

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، حد۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳.

۴- «الارشاد»، ص۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد۴۲۵؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴.

۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، حد۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۱.

۶- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۸.

۷- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۸- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

۹- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۳.

۱۰- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۴، باب۱۴، حد۳۱.

از میان این ده روایت ـ که منادیِ ندای شیطانی را ابلیس معرفی می کنند ـ پنج حدیث از حیث سند معتبر هستند. علاوه بر این روایات، سه حدیث شیطان را به عنوان منادی معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های: «فینادی الشیطان»،(1) «إن الشیطان ینادی»(2) و «إن الشیطان لایدعهم حتی ینادی»(3) وارد شده است و دو حدیث آخِر از جهت سند معتبر هستند. با توجه به احادیث فوق، مراد از شیطان در این سه روایت، همان ابلیسِ لعین است.

اگر لفظ «شیطان» فقط در احادیث آمده بود، می توانستیم ندای شیطانی را به انسان های شیطان صفت و بداندیش نسبت دهیم؛ زیرا بر اساس آیات قرآنی، شیاطین از جن و انس هستند؛ اما به دلیل ذکر لفظ «ابلیس» در اکثر روایات و بنا بر عَلَم بودن این لفظ بر فرد خاصی از جنیان، نمی توان این ندا را به انسان ها و ابزار ارتباطی آنان نسبت داد. در نتیجه، خداوند برای آزمایش انسان ها بعد از ندای آسمانی این قدرت را به «ابلیس» می دهد تا کسانی که اهل باطل هستند را دور خود جمع کند.

۲. مکان ندای شیطانی

بیشتر احادیث با عبارت های «و الصوت الثانی من الارض»،(4) «ینادی ابلیس... من الارض»،(5) «ینادی ابلیس لعنه الله من الارض»،(6) «صوت ابلیس

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، ح۲۷.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، ح۲۸.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۳، باب۱۴، ح۲۹.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، ح۱۳.

۵- «الارشاد»، ص۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵. ح۴۲۵.

۶- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، ح۴.

من الارض»،[(۱)] زمین را به عنوان مکان ندای شیطان معرفی می کنند، ولی دو حدیث با عبارت های: «صعد ابلیس اللعین حتی یتواری من الارض فی جو السماء ثم ینادی»[(۲)] و «صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن اهل الارض ثم ینادی»[(۳)] مکان ندا را آسمان می دانند. از میان این روایات، پنج حدیث، مکان ندا را زمین معرفی می کنند که یکی از آنها از جهت سند، معتبر است و از دو روایت دلالت کننده بر آسمان بودن مکان ندای شیطانی، حدیث دوم از حیث سند، معتبر است. حال سؤال این است که چگونه می توان این تناقض را حل کرد؟

برای این مسئله، دو راه حل می توان ارائه داد:

راه حل اول: این که با توجه به کثرت روایات دسته اول، از احادیث دسته دوم صرف نظر کنیم و مکان ندا را زمین بدانیم.

راه حل دوم: ندای ابلیس از میان آسمان است تا در فضا پخش شود و به گوش همگان برسد، ولی از آن جا که امری باطل و ناحق است، زمینی معرفی شده است. در مقابل، ندای آسمانی چون امری الهی و حق است، آسمانی مطرح شده است. مؤید این مطلب، روایتی است که با سند صحیح از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. در این حدیث آمده است:

ص:۱۴۶

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

«واحده من السماء و واحده من ابلیس».(1) در این حدیث به جای زمینی معرفی کردن ندای شیطانی در مقابل آسمانی مطرح کردن ندای آسمانی، آن را از ابلیس معرفی می کند؛ گویا مراد امام از آسمانی بودن ندای آسمانی، حقانیت آن می باشد که عبارت را این گونه بیان کرده است.

۳. زمان ندای شیطانی

اشاره

بیشتر احادیث، بدون ذکر سال و ماه و روز ندای شیطانی به بیان این که کدام قسمت از روز یا شب بودن آن مراد است، از این میان، روایاتی که زمان آن را آخر روز می دانند، بیشتر است و احادیثی نیز زمان آن را آخر شب یا فردای اعلان ندای آسمانی مطرح می کنند. در این جا به بیان این سه دسته از روایات می پردازیم:

دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می دانند:

این روایات با عبارت های: «و فی آخر النهار صوت الملعون ابلیس»،(2) «ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار»،(3) «ثم ینادی ابلیس لعنه الله فی آخر النهار»،(4) «ینادی مناد فی آخر النهار»(5) و «ینادی آخر النهار»(6) بر آخر روز بودن ندای

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۴، باب۱۴، حد۳۱؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۹۵، باب۲۶، حد۴۹.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، ح ۴۲۵؛ «الارشاد»، ص۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۱.

۵- «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد۴۸۴.

۶- «الکافی»، ج۸، ص۱۷۷، حد۲۵۳.

شیطانی دلالت دارنـد و آن را در مقابل ندای آسـمانی اول روز می دانند. البته حدیث اول که عبارت آن از روایت ابوبصـیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ندای آخر روز را در مقابل ندای شب بیست و سوم می داند.

از میان شش روایت فوق، سه حدیث از حیث سند معتبرند که عبارت های دوم، سوم و چهارم از آنها نقل شده است.

دسته دوم: احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می کنند

دو حـدیث بـا عبارت های: «لایـدعهم ابلیس حتی ینادی (فی آخر اللیل)(۱)» و «هما صـیحتان صـیحه فی اول اللیل و صیحه فی آخر اللیله الثانیه»(۲) بر آخر شب بودن ندای شیطانی دلالت دارند.

هر دو حدیث از جهت سـند معتبرند و اولی از زراره و دومی از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السـلام نقل شده است. روایت اولی در یک نسـخه، عبارت «فی آخر اللیل» است و حدیث دوم، ندای ابلیس را آخر شب دوم در مقابل ندای آسـمانی که اول شب است، می دانـد. بـدین معنا که اگر امشب در اوایل شب نـدای آسـمانی واقع شود، در آخر شبِ فردا نـدای ابلیس رخ می دهد.

دسته سوم: احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می دانند

سه حدیث با عبارت های: «فاذا کان من الغد صعد ابلیس اللعین... ثم ینادی»،(۳) «فاذا کان من الغد صعد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»(۴) و عبارت

ص:۱۴۸

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۴، باب۱۴، حد۳۱.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

دوم روایات دسته دوم که زمانِ آن را «آخر اللیله الثانیه» می دانست، زمان ندای ابلیس را فردای ندای آسمانی می دانند.

از میان این سه روایت، حدیث دوم و سوم از حیث سند معتبرند. این روایات از عبدالصمد بن بشیر و عبدالله بن سنان و هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده اند.

جمع بندی و نتیجه گیری

برای جمع بندی بحث چند فرض قابل تصور است:

فرض اول؛ این که بنا بر کثرت احادیث دسته اول، زمان ندای ابلیس را آخر روز ندای آسمانی اول روز بدانیم، یعنی اگر ندای آسمانی را در شب و اول روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان دانستیم، زمان ندای ابلیس را آخر همان روز بیست و سوم بدانیم و روایات دیگر را کنار بگذاریم.

فرض دوم؛ این که بنابر پذیرش تعدد ندای آسمانی، قائل به تعدد ندای شیطانی یکی در آخر شب بیست و سوم و دیگری در آخر روز بیست و سوم شویم، این که یا ندای اول شیطانی را آخر روز بیست و سوم و ندای دوم شیطانی را آخر همان شب، یعنی شب بیست و چهارم بدانیم که نسبت به ندای اول آسمانی _ که در شب بیست و سوم است _ آخر شب دوم محسوب می شود.

فرض سوم؛ این که برای ندای آسمانی، دو زمان مطرح شده است. بنابر پذیرش تکرار ندای آسمانی در شب و اول روز بیست و سوم، زمان ندای

آسـمانی به اعتبار ندای آسـمانی در شب، فردا و به اعتبار ندای آسمانی در اول روز، آخر روز محسوب می شود. همچنین اول شب یا آخر شب بودن را می توان به وسـیله اختلاف در افق حل کرد، یعنی هنگام نـدای ابلیس در برخی مناطق، هنگام غروب است و در مناطق دیگر با چند ساعت اختلاف نیمه شب است.

نکته پایانی؛ آن چه تمامی این احادیث در آن مشترک هسـتند و به آن اشاره دارنـد، بعـد آمـدن نـدای ابلیس نسبت به نـدای آسمانی است، یعنی ندای آسمانی چه یک بار باشد چه دوبار؛ قبل از ندای ابلیس اعلان می شود.

۴. محتوای ندای شیطانی

اشاره

مضـمون ندا پوشاندن لباس حق بر سـفیانی و پیروانش است و در این جهت مانند صدر اسـلام از پیراهن خونین عثمان اسـتفاده می شود. روایات در این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: احادیثی که بیان کننده ادعای مظلومیت است:

سه حـدیث با عبارت های: «ینادی ألا إن فلاناً قتل مظلوما... ینادی باسم فلان أنه قتل مظلوماً»،(۱) «ثم ینادی، ألا إن عثمان قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه»(۲) و «ینـادی ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شـیعته فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بـدمه»(۳) بر به ناحق ریخته شــدن خـون خلیفـه سـوم دلاـلت می کننـد و در حـدیث سـوم از مردم می خواهـد کـه بـه خونخـواهی عثمـان برخیزنـد و این خونخواهی،

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

زیر پرچم «سفیانی» ــ که از دودمان بنی امیه است ــ بیان می شود.

روایت سوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، از جهت سند، معتبر است.

دسته دوم: احادیثی که بیان کننده ادعای حقانیت و رستگاری است.

هشت روایت با عبارت های: «ألا إن الحق مع عثمان و شیعته»،(۱) «إن فلاناً و شیعته علی الحق یعنی رجلًا من بنی امیه»،(۲) «ألا ان الحق فی السفیانی و شیعته»،(۳) «إن فلاناً و شیعته هم الفائزون لرجل من بنی امیه»،(۴) «ألا إن الحق فی عثمان و شیعته»(۵) و «ألا إن عثمان و شیعته هم الفائزون»(۶) بر حقانیت عثمان و سفیانی و پیروانشان دلالت می کنند و مراد از پیروان عثمان، همان سفیانی و پیروانش هستند. از میان این هشت حدیث، شش روایت از حیث سند معتبرند که عبارت های اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم و حدیث سوم دسته اول که با عبارت «ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شیعته» بر این مطلب دلالت می کرد، از آنها نقل شده اند.

نویسنده ای در نقد محتوای ندای ابلیس قائل به این است که:

آن چه صحیح به نظر می رسد؛ همان ندای جبرئیل به نام و نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و این که جبرئیل از علی علیه السلام و ابلیس از

ص:۱۵۱

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد۴۲۵؛ «الارشاد»، ص۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۵۹.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۷.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸.

۵- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۴، حد۴۶۱.

۶- «الکافی»، ج۸، ص۲۵۸، حد۴۸۴.

عثمان سخن بگویند، قابل پذیرش نیست. دلایل این سخن چنین است:

الف. آن چه از علی علیه السلام و عثمان سخن می گوید، فقط سه روایت است؛ چون هر دو مربوط به پاسخ امام ششم به مردی همدانی است. دیگری خبری است که شیخ مفید و شیخ طوسی آورده اند. البته در این خبر، نام عثمان به صورت مطلق آمده؛ از این رو بعضی احتمال داده اند که مراد، «عثمان بن عنبسه»، یعنی سفیانی است، ولی ثبوت این نام برای سفیانی، محل تردید، بلکه غیر قابل قبول است و با توجه به مقابله آن با نام علی علیه السلام نمی تواند غیر از «عثمان بن عفان» باشد. در غیر این چند روایت - که البته اسناد مختلفی دارند، ولی مضمون آنها دو مورد بیشتر نیست- به نام عثمان تصریح نشده است، بلکه در چند روایت، «فلان» آمده و در دو روایت، تعبیر «مردی از بنی امیه» اضافه شده است که به نظر می رسد تفسیر راوی است نه گفتار معصوم.... در مجموع به نظر می رسد یا کلمه علی علیه السلام و عثمان از اضافه ها و اشتباه های راویان باشد و یا مراد از «کسی که مظلوم کشته شده» یا «مردی از بنی امیه» همان سفیانی است؛ نه عثمان بن عفان که در نقل شیخ صدوق به آن تصریح شده است؛ زیرا شیخ صدوق، ندای ابلیس را این گونه نقل کرده که می گوید: «حق با سفیانی و طرف داران اوست».

ب. امروز- که نزدیک به چهارده سده از نزاع طرفداران امیر مؤمنان (شیعه علی= الشیعه) و هواداران عثمان (شیعه عثمان= العثمانیه) گذشته است- تقریباً بیشتر مردم جهان از این دو

گروه، اطلاع لازم و کافی را ندارنـد؛ چه رسد در هنگام ظهور که معلوم نیست با وجود ظلم و فساد فراوان، چه اندازه مسـلمان وجود داشـته باشد تا علی علیه السلام و عثمان بن عفان را بشناسند. پس چگونه ممکن است جبرئیل و ابلیس، فریادی بزنند که اکثریت مخاطبان، آن را نمی فهمنـد و به منظور آنان پی نمی برند؟! به علاوه، چرا معاویه در مقابل علی علیه السـلام قرار داده نشده یا دو نفر دیگر که مدار حق و باطلند، معرفی نشده اند؟...

ج. به طور کلی، روایت هـایی که نـدای جبرئیـل را مربوط به علی علیه السـلام و نـدای ابلیس را مربوط به عثمـان می دانـد، با احـادیثی که نـدای جبرئیـل را دربـاره معرفی قـائم و نـدای ابلیس را انحراف مردم از او می دانـد، توان مقابله نـدارد؛ چون این روایت ها انسجام دارد....(۱)

نقد و بررسی سخن وی

اولاً، به نظر می رسد محوریت ندای شـیطانی، معرفی کردن سـفیانی به عنوان چهره بر حق است، اما برای اصالت دادن و اثبات حقـانیت حرکت سـفیانی، نـام عثمـان بن عفان، خلیفه سوم در نـدا مطرح و حقانیت و مظلومیت او بیان می شود تا سـفیانی که خود را از پیروان او و دودمـان بنی امیه معرفی می کنـد، با این پشـتوانه، وجاهتی در میان مسـلمانان پیـدا کنـد و آنان دنباله رو سفیانی شوند.

ثانیاً، ندای ابلیس، واکنشی در برابر ندای آسمانی است تا تأثیر اولیه آن

ص:۱۵۳

۱- تأملی در روایت های علائم ظهور؛ «فصلنامه انتظار»، سال سوم، ش۹ و۸، ص ۳۳۰.

را که ایمان و تسلیم همگان بود ـ از آن بگیرد و حداقل، عده ای را دچار شک و تردید کند و آنان را از حمایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باز دارد. و بهترین وسیله برای ایجاد تردید میان مسلمانان با توجه به اکثریت آنان که سنی هستند و اعتقاد به خلفای چهارگانه دارند، مطرح کردن پیراهن خونین عثمان است؛ گرچه قرن ها از این جریان می گذرد، ولی سفیانی که از دودمان بنی امیه است، برای اثبات حقانیت خود، دستمایه ای بهتر از این ندارد و گرچه ندای آسمانی، همگانی است و تمامی مردم جهان، آن را می شنوند، ولی مرکز ثقل تحرکات و نبردها و مشخص شدن جبهه پیروز منطقه خاورمیانه است و در این منطقه که تقریباً تمامی مردم، مسلمان هستند، حضرت علی علیه السلام و عثمان بن عفان را به خوبی و به عنوان خلیفه سوم و چهارم می شناسند. همچنین اختلافاتی میان شیعه و سنی وجود دارد و مشاهده می شود هم اکنون این اختلاف ها تا حد تکفیر و حلال شمردن ریختن خون مسلمانان وجود دارد.

ثالثاً، در شش روایت، ادعای مظلومیت یا حقانیت «عثمان» مطرح شده است و نام او را آورده اند که از میان اینها چهار روایت با سند صحیح از کتاب های معتبر نقل شده است. از طرف دیگر، نُه روایت، حقانیت یا رستگاری علی علیه السلام و شیعیانش را در محتوای ندای آسمانی آورده اند که سند شش حدیث از آنها معتبر است و نمی توان به راحتی این روایات را کنار گذاشت.

رابعاً، اگر این گونه مطالب را در احادیث، به اشتباه راویان یا اضافات آنان نسبت دهیم؛ به خصوص احادیثی که با سند معتبر در کتاب های معتبر

آمده اند، آیا می توان دیگر به حدیثی اعتماد کرد؟! همچنین به سبب یک روایت که در آن به جای «عثمان»، کلمه «سفیانی» آمده است، آیا می توان گفت این یک روایت درست است، ولی تعداد زیادی از احادیث که کلمه «عثمان» دارند، اشتباه است. اگر بنا بر اشتباه بودن باشد، باید این یک حدیث را اشتباه بدانیم و آن را بر احادیث دیگر حمل کنیم.

۵. تشبیه ندای شیطانی

دو روایت، ندای ابلیس را شبیه به ندای او در جمره عقبه دانسته اند. در بخش اول، فصل چهارم (بحث پیشینه تاریخی ندای آسمانی در اسلام) به ندای ابلیس در جمره عقبه اشاره شد.

این دو روایت با عبارت های:

ینادی ابلیس لعنه الله من الارض کما نادی برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لیله العقبه؛ ابلیس لعنه الله از زمین ندا می دهد همان طور که شب عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد.(۱)

و: إن الشیطان لایدعهم حتی ینادی کما نادی برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوم العقبه»؛ همانا شیطان، آنها را به حال خود وا نمی گذارد و ندا می دهد؛ همان طور که در روز عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد.(۲)

روایت اول از میمون البان از امام محمد باقر علیه السلام و روایت دوم از زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۵، باب۵۷، حد۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۳، باب۱۴، حد۲۹.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است، اما حدیث اول با نقل تاریخی، سازگارتر است؛ زیرا زمان ندای ابلیس را روایت اول شب بیان می کند و در نقل های تاریخی، زمان ندا، شب مطرح شده است، ولی در روایت دوم، زمان آن را روز می داند؛ مگر این که بگوییم مراد از «یوم»، روز در مقابل شب نیست، بلکه مراد، زمان است. یعنی همان طور که در زمان عقبه، شیطان هنگام بیعت اهل یثرب با پیامبر گرامی اسلام ندا داد، بعد از ندای آسمانی هم ندا می دهد.

هر دو معنا برای «یوم» در کتاب های لغت آمده است. راغب اصفهانی می نویسد:

الیوم یعبر به عن وقت طلوع الشمس إلی غروبها و قد یعبر به عن مده من الزمان ای مده کانت؛ مراد از یوم، از وقت طلوع شمس تا غروب آن است و گاهی یوم به مدتی از زمان، هر مقدار که باشد، اطلاق می شود.(۱)

دوم: هدف از ندای شیطانی

ندای ابلیس در پایان روزی که ندای آسمانی در آن رخ می دهد، نشان دهنده واکنش سریع اهل باطل به سرکردگی ابلیس است و هدف آن، یعنی جلوگیری از تأثیر ندای آسمانی و تردید و شک در دل شنوندگان آن مشخص است. در دو روایت به این هدف ندای ابلیس با عبارت های: «لیشکک الناس و یفتنهم»(۲) و «یشکک الناس»(۳) اشاره شده است. در حدیث

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص۵۵۳، کتاب الیاء.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۸.

دوم که از حیث سند، معتبر است، زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

آیا ندا، همگانی است یا گروه خاصی می شنوند؟ امام پاسخ می دهد: همگانی است و هر قومی با زبانش، آن را می شنود. باز می پرسد: پس چه کسی با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت می کند؛ در حالی که به نامش ندا داده شده است؟ امام پاسخ می دهد: ابلیس، آنان را رها نمی کند تا این که ندا می دهد و در مردم، ایجاد تردید می کند.

سوم: تأثیر ندای شیطانی

اشاره

تأثیر ندای ابلیس بر اهل باطل است. آنها با شنیدن ندای آسمانی، در برابر این معجزه آسمانی، سر تسلیم فرود می آورند، ولی وقتی ندای ابلیس را می شنوند، دگرگون شده و نظر اولشان را کنار می گذارند. در احادیث ندا به واکنش آنان بعد از شنیدن ندای شیطانی اشاره شده است. بیان آنها:

۱. شک و تردید در ندای آسمانی

چهار حدیث که دو مورد آن دارای سند معتبر است، با عبارت «فعند ذلک یرتاب المبطلون»،(۱) شک و تردید اهل باطل را بعد از شنیدن ندای ابلیس بیان می کنند و در روایتی از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

ص:۱۵۷

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۵، حد۴۲۵و ص۴۵۴، حد۴۶۱؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۴؛ «الارشاد»، ص۳۵۸.

فکم فی ذلک الیوم من شاک متحیر قد هوی فی النار؛ چه بسا شک کنندگان سرگردانی که در آن روز به آتش می افتند.(۱)

و در حدیث دیگری که از جهت سند معتبر است، از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است:

و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا؛ و در آن روز، کسانی که در دل هایشان بیماری است، به شک می افتند و مرض به خدا قسم، دشمنی با ماست.(۲)

با توجه به این احادیث می توان گفت که تردیدکنندگان در ندای آسمانی، کسانی جز اهل باطل و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیستند. آنها وقتی ندای ابلیس را می شنوند، دلگرم شده و در پی مقابله با ندای آسمانی و اهل حق برمی آیند.

۲. بازگشت از ندای آسمانی

وقتی ندای دوم داده می شود، اهل باطل، بعد از تردید در ندای حق، از آن باز می گردند و اعمال آنان باعث گمراهی شان می شود و حتی پا را فراتر گذارده و نسبت سحر و جادو به اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان می دهند. دو حدیث با عبارت های:

فیرجع من اراد الله عزوجل بهم سوءاً و یقولون هذا سحر الشیعه و حتی یتناولونا و یقولون؛ هو من سحرهم و هو قول

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، ح۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، ح۱۹.

الله عزوجل: و ان یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر؛ کسانی که خداوند برای آنان (به سبب اعمالشان) بدی می خواهد، (از ندای آسمانی) باز می گردند و می گویند: آن از جادوی شیعه است و حتی پا را فراتر گذاشته و می گویند آن از سحر آنان (اهل بیت علیهم السلام) است و این، همان کلام خدای عزوجل است: وقتی آیه و معجزه ای می بینند، روی بر می گردانند و می گویند سحر پایدار است.(۱)و(۲)

و:

فعند ذلک یتبرؤون منا و یتناولونا فیقولون: إن المنادی الأول سحر من سحر اهل البیت ثم تلا ابو عبدالله علیه السلام قول الله عزوجل؛ و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر؛ و در آن هنگام (وقت شنیدن ندای ابلیس) از ما بیزاری می جویند و پا را فراتر گذاشته و می گویند: همانا منادی اول، سحری از جادوی اهل بیت (علیهم السلام) است. سپس امام صادق علیه السلام قول خدای عزوجل را تلاوت فرمود: وقتی آیه ای می بینند، روی بر می گردانند و می گویند سحر، پایدار است.(۳)

حدیث دوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، از جهت سند، معتبر است.

ندای شیطانی، تأثیری بر اهل حق جز ثابت قدمی بیشتر آنان ندارد؛ زیرا

ص:۱۵۹

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد۲۰.

۲- قمر (۵۴): آیه۲.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹؛ «بحارالانوار»، ج۵۲، ص۲۹۲، باب۲۶، حد۴۰.

آنان با شناختی که از دو ندا و محتوایشان دارند و پیدا می کنند، متوجه می شوند که ندای حق، همان ندای آسمانی است.

در ذیل، روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام _ که به قسمتی از آن در بالا اشاره شد _ آمده است:

فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الأول؛ خداوند، اهل ایمان را بر قول ثابت بر حق، ثابت قدم، نگاه می دارد و آن، همان ندای اول است.

ص:۱۶۰

فصل سوم: وظیفه مخاطبان ندای آسمانی

اشاره

ندای آسمانی، اعلان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان برای آگاهی و هدایت اهل ایمان و اتمام حجتی برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. حال در قبال آن، وظایفی متوجه ماست که در این قسمت به بیان وظیفه های مخاطبان می پردازیم:

الف. شناخت ندای آسمانی

اشاره

هر عملی که با شناخت و آگاهیِ قبل از آغاز، توأم نباشد، بعید است به نتیجه برسد، اما برای شناخت درست ندای آسمانی و تشخیص آن از ندای شیطانی، روش هایی از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است که در این جا بدان ها می پردازیم:

یکم: اول بودن ندای آسمانی

مراد از اول بودن ندای آسمانی، این است که قبل از ندای ابلیس، واقع می شود و اگر ندای آسمانی، دو ندای متوالی باشد، محتوایشان هدایت به سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در یکی، خود حضرت و در دیگری راه و پیروان حضرت معرفی می شوند و دو ندا به سوی یک شخص دعوت

می کنند؛ ولی این ندای ابلیس است که با نداهای قبلی خود تقابل دارد و بعد از آنها واقع می شود.

در سه حدیث به اول بودن ندای آسمانی با عبارت های ذیل اشاره شده است:

«فان الصوت الاول هو صوت جبرئیل الروح الامین علیه السلام و... و الصوت الثانی من الارض و هو صوت ابلیس»،(۱) «فیؤمن اهل الأرض جمیعاً للصوت الاول»(۲) و «فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول»(۳).

لازم به ذکر است که روایت سوم از حیث سند، معتبر است.

دوم: شناخت قبلی

اگر انسان از قبل با موضوعی آشنا باشد هنگام مواجهه با آن، راه درست را سریع تشخیص می دهد. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که در این جا به پنج مورد از آن اشاره می کنیم:

۱. قلت: فمن یعرف الصادق من الکاذب؟ قال: یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا و یقولون: إنه یکون قبل أن یکون و یعلمون أنهم هم المحقون الصادقون؛(۴) زراره بن اعین می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: ندای صادق از ندای کاذب چگونه شناخته می شود؟ فرمود: کسانی که حدیث ما را روایت می کنند آن را می شناسند و می گویند: این مطلب قبل

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب ۱۴، حد۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۹، باب۱۴، حد ۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۷، باب۱۴، حد۱۹.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲. باب۱۴، حد۲۸.

از این که واقع شود، مشخص بوده است و آنان می دانند که خودشان بر حق و صادق می باشند.

۲. و یصدق بها اذا کانت من کان مؤمنا یؤمن بها قبل أن تکون، قال: إن الله عزوجل یقول: «أفمن یهدی الی الحق أحق أن یتبع أمن لایهدی إلا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون»؛(۱) (۲) عبدالرحمن بن مسلمه می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: مردم، ما را نکوهش می کنند و می گویند: از کجا حق را از باطل تشخیص می دهید وقتی دو تاست؟ فرمود: شما چه پاسخی می دهید؟ گفتم: جوابی به آنان نمی دهیم. فرمود: به آنان بگویید: آن را کسی که اهل ایمان باشد و به آن قبل از واقع شدنش اعتقاد داشته باشد، تصدیق می کند. همانا خدای عزوجل می فرماید: آیا کسی که به راه حق، هدایت می کند، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که راه نمی یابد مگر آن که راه برده شود، شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟

۳. إن الذی اخبرنا بذلک و أنت تنکر أن هذا یکون هو الصادق؛(۳) هشام بن سالم می گوید به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: جریری برادر اسحاق به ما می گوید: شما می گویید: دو ندا است. پس کدام یک صادق و کدام یک دروغ است. امام صادق علیه السلام فرمود: به او بگویید: به درستی که آن کسی که ما را

۱- «الکافی»، ج۸، ص۲۰۸، ح۲۵۲؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۴، باب۱۴، ح۳۲.

۲- سوره یونس؛ ۱۰، آیه ۳۵.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۳، باب۱۴، ح۳۰.

از آن آگاه کرد، او صادق است؛ در حالی که تو نمی پذیری آن واقع می شود.

۴. و «یعرفها من کان سمع بها قبل أن تکون»؛(۱) در حدیث دیگری، هشام بن سالم می گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه این از آن شناخته می شود؟ فرمود: کسی که قبل از واقع شدنش، آن را شنیده باشد - که واقع می شود- آن را می شناسد.

و حدیث پنجم موقوفه است و از داود بن فرقد نقل شده(۲) و مشابه حدیث دوم است. از میان این روایات، احادیث اول، سوم و چهارم از جهت سند معتبر هستند. در روایت اولی، امام، راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام را دارای شناخت ندای بر حق معرفی می کند و در حدیث دوم، گرچه سؤال از شناخت ندای حق از باطل است، ولی چون پرسش سؤال کنندگان: از روی انکار است و نمی خواهند بپذیرند، امام پاسخ می دهد: کسی که قبل از واقع شدنش به آن ایمان داشته باشد، آن را تصدیق می کند. یعنی علاوه بر آگاه بودن، اعتقاد به رخ دادن ندای آسمانی نیز لازم است. در حدیث سوم، باز چون سؤال از روی انکار است، امام پاسخ می دهد آن کسی که ما را از آن آگاه کرد و تو آن را انکار می کنی، او صادق است، یعنی اهل بیت علیهم السلام، خبری از آینده داده اند و شرط پذیرش آن، صادق دانستن اش آن است و گویا برخی از عامه با این سؤال به دنبال استهزا و عدم تصدیق کلام اهل بیت علیهم السلام بوده اند و

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۴، باب۱۴، حد۳۱.

۲- «الکافی»، ج۸، ص۱۷۷، حد۲۵۳.

در حدیث چهارم، شناخت ندای حق از باطل را منوط به شناخت قبلی می دانسته و حدیث پنجم، مشابه حدیث دوم است. در نتیجه، در این مورد، انسان می بایست دین شناس باشد و خود از راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام باشد و یا از آنان بپرسد و از مسائل مهم دین خود آگاه شود.

سوم: شناخت از روی محتوا

ندای آسمانی، مردم را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می کند. یعنی کسی که مسلمانان، او را شناخته و می دانند از اهل بیت علیهم السلام است. در حالی که ندای ابلیس، مردم را به سوی فردی از نسل بنی امیه فرا می خواند؛ یعنی کسانی که در طول تاریخ اسلام، در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ایستادند. بنابراین، نباید شناخت ندای حق از باطل، مشکل باشد؛ مگر این که خود انسان، اهل باطل و دنباله روی باطل صفتان باشد.

در روایت ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام آمده است:

و علامه ذلک أنه ینادی باسم القائم و اسم ابیه؛ و نشانه ندای حق، آن است که ندا به اسم قائم و اسم پدرش می دهد.(۱)

چهارم: پرسش از عالمان دین

انسان باایمان یا باید خودش، کارشناس دین باشد و یا این که از کسانی که دین را می شناسند، مسائل دینی را بیاموزد و از آن جا که ندای آسمانی از جمله مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است و آن حضرت، امامِ زمان ماست، باید از چگونگی آن آگاه باشیم و یا در صورت رخ دادن، چگونگی آن

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، ح۱۳.

را از آگاهان مسائل دینی بپرسیم. چرا اهل بیت (علیهم السلام)، ما را به آنان ارجاع داده اند. چنان که وقتی زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

فمن یعرف الصادق من الکاذب؟؛ پس چه کسی نـدای صادق را از ندای کاذب می شـناسد؟ امام پاسخ می دهد: یعرفه الّذین کانوا یروون حدیثنا؛(۱) کسانی که احادیث ما را روایت می کنند آن را می شناسند.

گویـا امـام با این جمله، مسیر را مشـخص کرده است؛ یعنی یا از راویان حـدیث و عالمان دین باش یا از آنان که می شناسـند، بپرس.

ب. پیروی از ندای آسمانی

بعد از شناخت ندای حق و پذیرش آن لازم است تا اگر در زمان ما آن اتفاق رخ داد، دنباله رو و پیرو دستورات وی باشیم و با شنیدن آن، خود را برای یاری و همراهی اش آماده کنیم.

عبـارت هـایی ماننـد: «فرحم الله من اعتبر بـذلک الصوت فاجـاب»،(۲) «فلاـ تشـکوا فی ذلـک و اسـمعوا و اطیعوا»،(۳) «فاتبعوا الصوت الاول»،(۴) «فاذا نادی فالنفیر النفیر، فو الله لکأنی انظر الیه بین الرکن و المقام»(۵) از احادیث اهل

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۲، باب۱۴، حد۲۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۸، باب۵۷، حد۱۳.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص۲۷۰، باب۱۴، حد۲۲؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۵، باب۲۵، حد۱۰۳.

بیت علیهم السـلام، بر این مطلب دلالـت می کننـد و لازمه پیروی از نـدای حق، بی اعتنایی نسـبت به نـدای باطل است که اهل بیت علیهم السلام، ما را از دنباله روی آن بر حذر داشته اند: «إیاکم و الأخیر أن تفتنوا به».(۱)

۱- «الغیبه نعمـانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «معجم احـادیث الامـام المهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف»، ج۳، ص۲۵۳، ش۷۸۳.

بخش سوم: نداهای آسمانی دیگر

اشاره

ص:۱۶۹

الف. ندای بعد از بیعت

جبرئیل امین علیه السلام بعد از بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندایی سر می دهد که در چهار حدیث به این مطلب اشاره شده است. و این ندا در روز دهم محرم واقع می شود.

حدیث اول:

«اول من یبایع القائم علیه السلام جبرئیل ینزل فی صوره طیر ابیض فیبایعه ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق، «أتی امر الله فلاتستعجلوه...»»؛ اولین بیعت کننده با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل است که به شکل پرنده سفیدی نازل می شود و با او بیعت می کند، سپس یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس گذارده و با صدای بلندی که آفریدگان، آن را می شنوند، ندا می دهد: امر خدا آمد؛ پس با شتاب، آن را نخوانید.(۱)و(۲)

ص:۱۷۰

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۸۹، باب۵۸، حد۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج۲، ص۲۵۴، حد۳ ! به جای «طلق» کلمه «رفیع» دارد.

۲- نحل (۱۶): آیه۱.

حدیث دوم:

... لکأنی به فی یوم السبت العاشر من المحرم قائماً بین الرکن و المقام جبرئیل علیه السلام عن یده الیمنی ینادی البیعه لله فتصیر الیه شیعته من اطراف الارض تطوی لهم طیّاً حتی یبایعوه...؛ گویا به او می نگرم، در حالی که در روز شنبه دهم محرم، میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام، طرف راست اوست که ندا می دهد «البیعه لله». در آن هنگام؛ پیروان او از اطراف زمین، با طی الارض به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند.(۱)

حدیث سوم:

... فعند ذلک ینادی باسم القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فی لیله ثلاثه و عشرین من شهر رمضان و یقوم فی یوم عاشوراء فکأنی انظر إلیه قائماً بین الرکن و المقام و ینادی جبرئیل بین یدیه، البیعه لله فتقبل إلیه شیعته؛ در آن هنگام، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به اسم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ندا می دهد و در روز عاشورا قیام می کند، گویا به او می نگرم؛ در حالی که میان رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در مقابل او ندا می دهد: «البیعه لله»؛ پس پیروان او به سویش می آیند.(۲)

۱- «الارشاد»، ج۲، ص۳۷۹؛ «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۶۲ و ص۵۳۴.

۲- «اثبات الهداه»، ج۳، ص۵۷۰، باب۳۲، حد۶۸۷؛ «کفایه المهتدی»، ص۲۸۶، ذیل حد۳۹؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص۲۱۷، حد۲۰.

حدیث فوق را شیخ حر عاملی و میرلوحی از «مختصر اثبات الرجعه» فضل بن شاذان نقل کرده اند. این کتاب در مجله «تراثنا» آمده است.

حدیث چهارم:

کأنی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل علیه السلام، ینادی البیعه لله، فیملأها عدلاً کما ملئت ظلما و جورا؛ گویا می نگرم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز شنبه روز عاشورا بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام، پیشاپیش او ندا می دهد: «البیعه لله»؛ پس آن را پر از عدل می کند؛ همان طور که پر از ظلم و ستم شده بود.(۱)

روایت اول از ابان بن تغلب و حدیث دوم از ابوبصیر و روایت سوم از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است و حدیث آخر از علی بن مهزیار از امام محمد جواد علیه السلام به دست ما رسیده است.

حدیث اول و سوم از حیث سند معتبر هستند. البته می توان روایت سوم را بنا بر پذیرش اعتبار کتاب «مختصر اثبات الرجعه» معتبر دانست. حدیث اول، نزول جبرئیل علیه السلام را به صورت پرنده سفیدی بیان می کند که با احادیث عامه (۲) در این مورد مشابهت دارد و همچنین محتوای ندا در این روایت، آیه اول سوره نحل است که با محتوای معرفی شده در سه روایت دیگر که «البیعه لله» است، تفاوت دارد. روایت اول، خبر از آمدن امر الهی، یعنی ظهور حضرت مهدی علیه السلام به وسیله آیه می دهد و احادیث دیگر، دیگران را

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۵۳، حد۴۵۹.

۲- این روایات در بخش چهارم ذکر می شود.

به بیعت فرا می خوانند.

در روایت اول، این نـدا، همگانی معرفی شـده است و عبارت «بصوت طلق (رفیع) تسـمعه الخلائق» بر آن دلالت می کند، ولی در روایات دیگر، سـخنی از همگانی بودن ندا نیست؛ گویا این ندا برای یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جمع آوری آنان از اطراف زمین است.

این نـدا از علاـیم حتمی محسوب نمی شود و حتی نمی توان آن را علاـمت قیام از کنار کعبه دانست؛ زیرا بعـد از آن واقع می شود.

ب. نداى درماه رجب

یکی از نداهای مطرح شده در روایات ندای آسمانی، ندای در ماه رجب است. در این مورد، دو حدیث به دست ما رسیده که راوی یکی از آنها، از عامه است و از حضـرت علی علیه السـلام از پیامبر گرامی اسـلام نقل شـده، و دیگری، حدیث حسن بن محبوب از امام علی رضا علیه السـلام است. این روایت گرچه از جهت سـند معتبر است اما نقل های متفاوتی از آن به دست ما رسیده است و همین امر باعث سلب اعتماد در مورد واقع شدن ندا در ماه رجب شده است.

در این قسمت به بحث درباره این احادیث می پردازیم:

روایت اول:

«قال امیرالمؤمنین علیه السـلام، سـمعت رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم یقول:... کأنی بهم آیس من کانوا ثم نودی بنـداء یسـمعه من البعـد کمـا یسـمعه من القرب یکون رحمه علی المؤمنین و عـذاباً علی المنـافقین. قلت: و مـا ذلک النـداء قال: ثلاثه أصوات فی رجب، اولها: الا لعنه الله علی الظالمین، الثانی؛ أزفت الازفه. و الثالث؛ ترون

بـدناً بارزاً مع قرن الشـمس ينادی؛ الا ان الله قد بعث فلان بن فلان- حتی ينسـبه إلی علی- فيه هلاک الظالمين فعند ذلک يأتی الفرج و...؛(۱) گويا می بينم آنان از وضـعشان مأيوس شده اند، سـپس ندايی داده می شود که از دور، مانند از نزديک شـنيده می شود و آن، رحمتی برای مؤمنان و عـذابی برای منافقان می باشـد. پرسـيدم آن نـدا چيست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است. اولين صـدا: «ألا لعنه الله علی الظالمين»(۲) است و دومينِ آن: «أزفت الآـزفه»(۳) می باشـد و سومين آن: صورت نمايانی همراه خورشـيد می بينند که ندا می دهد: هم اکنون خداوند، فلان، بن فلان را- و نسب او را به حضـرت علی عليه السـلام می رساند- بر انگيخت تا ستم گران را نابود کند و در آن وقت، گشايش می آيد.

روايت دوم:

«حـدثنا الحسن بن محبوب الزراد، قال: قالی لی الرضا عليه السـلام :... كأنی به آيس ما كانوا، قـد نودوا نـداءً يسـمعه من بالبعد كما يسـمعه من بالقرب، يكون رحمه علی المؤمنين و عـذاباً علی الكافرين، فقلت: بأبی و أمی أنت و ما ذلک النداء؟ قال: ثلاثه اصوات فی رجب؛ «أولهـا: الا لعنه الله علی الظالمين» و الثانی: «أزفت الآزفه يا معشـر المؤمنين» و الثالث: يرون يـداً بارزاً مع قرن الشمس ينادی: «الا ان الله قد بعث فلاناً علی

۱- «كفايه الاثر»، ص۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج۵۱، ص۱۰۸، باب۱، حد۴۲.

۲- هود (۱۱): آيه۱۸.

۳- النجم (۵۳): آيه۵۷.

هلاک الظالمین» فعند ذلک یأتی المؤمنین الفرج و...»؛ گویا می بینم از وضعشان مأیوس شده اند که ندایی داده می شود و کسی که دور است مانند کسی که نزدیک است، آن را می شنود. آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پرسیدم: پدر و مادرم فدای شما، آن نداء چیست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است؛ اولین آنها: «ألا لعنه الله علی الظالمین» و دومی: «أزفت الآزفه یا معشر المؤمنین» و سوم: دست آشکاری همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: آگاه باشید همانا خداوند، فلانی را برای نابودی ستم گران فرستاد و در آن وقت، گشایش مؤمنان می آید.(1)

این حدیث با نقل های متفاوت از یک راوی آمده است.(2) شیخ طوسی بعد از نقل حدیث به اسنادش از حسن بن علی زیتونی از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام می گوید: در نقل عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی... این گونه آمده است و نقل متفاوتی ذکر می کند. در این قسمت به بیان تفاوت نقل ها می پردازیم:

۱. نقل نعمانی و شیخ طوسی، صوت اول را «الا لعنه الله علی الظالمین» دانسته، ولی نقل مسعودی، آن را «أزفت الازفه یا معشر المؤمنین» می داند و بالتبع، صوت دوم در نقل شیخ طوسی و نعمانی، بر عکس نقل مسعودی

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۱۸۶، باب ۱۰، حد۲۸.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۹، حد۴۳۱؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص۵۹، باب۳۵، حد۳؛ «اثبات الوصیه»، ص۲۸۱؛ «دلائل الامامه»، ص۲۴۵؛ «عیون الاخبار»، ج۲، ص۶، حد۱۴.

است.

۲. در نقل نعمانی، هنگام شـمردن صوت سوم می نویسد: «یرون یداً بارزاً»، ولی در نقل شـیخ طوسـی، «یرون بدناً بارزاً» آورده است.

۳.در نقـل نعمـانی، محتوای صوت سوم را «ألاـ ان الله قـد بعث فلانـاً علی هلاـک الظالمین» دانسـته، ولی نقل شـیخ طوسـی در توصـیف «بـدناً بارزاً» آورده است. «هـذا امیرالمؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین» و گویا محتوای صوت را این می داند و خود او می نویسد در نقل حمیری درباره صوت سوم چنین آمده است:

و الصوت (الثالث) بدن یری فی قرن الشمس، یقول: إن الله قد بعث فلاناً فاسمعوا له و اطیعوا.

۴. مهم ترین تفـاوت بـا توجه به یکی بودن راویـان؛ نقـل شـیخ صـدوق با نقل شـیخ طوسـی و نعمانی است و آن، ذکر نکردن محتوای سه نـدا و عـدم ذکرِ بودن سه نـدا و ذکر نکردنِ بودن نـدا در مـاه رجب توسـط شـیخ صـدوق است؛ در حالی که این روایت را هر سه از عبـدالله بن جعفر حمیری از احمـد بن هلاـل عبرتـایی از حسن بن محبوب از امـام رضا علیه السـلام نقل می کننـد. و بـا توجه به این که مسـعودی نیز بودن نـداهای سه گـانه در ماه رجب را نیاورده و فقط محتوای نـداها را آورده است، نمی توان به این حدیث اعتماد کرد و با این، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمی شود. (۱)

ص:۱۷۶

۱- اگر گفته شود در نقل احادیث، اصل عـدم زیاده بر اصل عـدم نقیصه، مقـدم است و به دلیل ذکر نشدن نیمی از روایت در نقل شـیخ صـدوق، نقل شـیخ طوسـی و نعمانی بر آن مقـدم است و با این بیان، ندای آسـمانی در ماه رجب توسط این حدیث ثـابت می شود، می گوییم: در مورد یـک یـا دو کلمه یا یک جمله، احتمال غفلت و افتادگی از راوی یا نساخ است، ولی نمی توان پذیرفت که ذکر نکردن چندین سـطر توسط شـیخ صدوق از روی غفلت باشد، مگر این که بگوییم شـیخ صدوق به دلیل عدم اعتماد به بقیه حدیث به دلیل اختلاف در نقل ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

ج. ندای خسف بیداء

یکی از علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خسف بیداء است که سپاه سفیانی در حالی که به دنبال حضرت مهدی علیه السلام ــ بعد از غارت شهر مدینه ــ رهسپار شهر مکه است، در بیابانی به نام بیداء به امر الهی در زمین فرو می رود. مفسران در تفسیر آیه ۵۱ سوره سبأ: «و لو تری إذ فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب»، مراد از آن را خسف بیداء دانسته اند.

در تفسیر نمونه چنین آمده است:

اگر می بینیم در روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، این آیه تطبیق بر خروج سفیانی و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند و زمین لرزه شدیدی سبب شکافتن زمین و فرورفتن آنها در آن می شود، در حقیقت، بیان یکی از مصادیق «اخذوا من مکان قریب» است که آنها از نقطه ای که زیر پایشان است، گرفتار عذاب الهی می شوند. مضمون این حدیث را ابن عباس، ابن مسعود، ابوهریره، ابوحذیفه، ام سلمه و عایشه، مطابق آن چه در کتب اهل سنت آمده، از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده اند و بسیاری از مفسرین، مانند: تفسیر قمی، مجمع البیان، نور الثقلین و صافی و جمعی از مفسران اهل سنت، مانند: نویسندگان تفاسیر، روح

المعانی، روح البیان و قرطبی در ذیل آیات مورد بحث آورده اند.(۱)

اما آن چه به بحث ما مربوط است، دو روایتیست که خسف را به دنبال ندا یا صدایی از آسمان معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های:

و ینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء؛ یا بیداء ابیدی القوم، فیخسف بهم؛ فرمانده سپاه سفیانی در سرزمین بیداء فرود می آید، پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای بیداء قوم را فروگیر و زمین آنان را می بلعد.(۲)

و:

فی قوله تعالی: و لو تری اذ فزعوا، قال: من الصوت و ذلک الصوت من السماء و أخذوا من مکان قریب، قال: من تحت اقدامهم خسف بهم؛ و درباره کلام خدای متعال «و لوتری اذفزعوا» فرمود: ترس آنان از صداست و آن صدا از آسمان است و «اخذوا من مکان قریب» فرمود: آنان از زیر پاهایشان فرو می روند.(۳)

بر این مطلب دلالت می کنند. روایت اول که از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده و از جهت سند، معتبر است، ندای خسف را از آسمان و دارای محتوا می داند و محتوای آن را خطاب به سرزمین بیداء دانسته که

۱- «تفسیر نمونه»، ج۱۸، ص۱۵۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۸۸، باب۱۴، حد۶۷؛ «تفسیر العیاشی»، ج۱، ص۲۴۴، حد۱۴۷.

۳- «تفسیر القمی»، ج۲، ص۲۰۵.

دستور بلعیدن سپاه سفیانی را به آن زمین می دهد و حدیث دوم که از أبی الجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ترس آنان را ناشی از صدایی از آسمان می داند. به هر صورت، این صدا را سپاه سفیانی مانند رعد وحشتناکی می شنوند و سپس، زمین، آنان را درون خود فرو می برد.

در کتاب های عامه نیز به این ندا اشاره شده است.(۱)

د. ندای باد

در روایتی از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام، ندایی به عنوان ندای باد مطرح شده است که در تمام نقاط زمین، ندا می دهد و این ندا پس از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه ذکر شده است و محتوای این ندا را «هذا المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان و لایرید علیه بیّنه»(۲) معرفی می کند.

در این حدیث آمده است:

سیأتی فی مسجد کم ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلًا- یعنی مسجد مکه- یعلم اهل مکه أنه لم یلدهم آباؤهم و لا اجدادهم... فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتنادی بکل واد...؛ به زودی در مسجد شما سیصد و سیزده مرد جمع می شوند، اهل مکه می دانند آنان فرزندان پدران و اجدادشان نیستند... پس خدای تبارک و تعالی، بادی می فرستد و آن در هر وادی ندا می کند: این مهدی است که به داوری داود و سلیمان، قضاوت می کند و بر آن گواه نمی خواهد.

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۲۲۷، حد۸۹۱؛ «البدء و التاریخ»، ج۲، ص۱۷۹.
۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۹۰، باب۵۸، حد۱۰.

سند این روایت، معتبر است و این حدیث با سند دیگری از ابان بن تغلب در کتاب نعمانی آمده است و از جهت محتوا، شبیه روایت بالاست. در این حدیث آمده است:

... و یبعث الله الریح من کل واد تقول: هذا المهدی یحکم بحکم داود و لایرید بینه.(۱)

گرچه روایت بالا از حیث سند، معتبر است، ولی منفرد است و روایت دیگری با این محتوا وارد نشده است.

ه. ندای قبل از پایان دنیا

جدا شدن اهل حق از اهل باطل، پیش از پایان دنیا، در آموزه های ادیان الهی وجود دارد و تبلور آن در دین اسلام، همان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که می آید و اهل حق را بر زمین حاکم می کند و اهل باطل را از میان بر می دارد. در دو حدیث، ندایی با عنوان جدا کننده اهل حق از اهل باطل، قبل از پایان دنیا مطرح شده است:

حدیث اول: ابان بن تغلب می گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لاتذهب الدنیا حتی ینادی مناد من السماء؛ یا أهل الحق اجتمعوا، فیصیرون فی صعید واحد، ثم ینادی مره اخری؛ یا أهل الباطل اجتمعوا، فیصیرون فی صعید واحد، قلت: فیستطیع هؤلاء أن یدخلوا فی هؤلاء؟ قال: لا والله و ذلک قول الله عزوجل؛ ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیه حتی یمیز

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۳۲۸، باب ۲۰، حد۷.

الخبیث من الطیب؛ دنیا به پایان نمی رسد، مگر این که منادی از آسمان ندا می دهد: ای اهل حق، جمع شوید. پس آنان در یک مکان جمع می شوند، سپس بار دیگر ندا می دهد؛ ای اهل باطل جمع شوید، پس آنان در یک خاک جمع می شوند. پرسیدم: آیا آنان می توانند در آنان در آمیزند؟ فرمود: نه به خدا قسم و آن قول خدای عزوجل است: خداوند، مؤمنان را به حالی که شما دارید، رها نمی کند؛ مگر آن که پاک را از پلید، جدا کند.(۱)و(۲)

حدیث دوم: این روایت از عجلان ابی صالح از امام ششم علیه السلام نقل شده و از جهت محتوا، شبیه حدیث اول است. قسمت اول حدیث، این است:

لا ـ تمضی الأیام و اللیالی حتی ینادی مناد من السماء یا اهل الحق اعتزلوا، یا اهل الباطل اعتزلوا، فیعزل هؤلاء من هؤلاء...؛ ترجمه: روزها و شب ها تمام نمی شود تا این که منادی از آسمان ندا می دهد: ای اهل حق، کنار گیرید، ای اهل باطل جدا شوید. پس آنان از آنها جدا می شوند.(۳)

این دو روایت به زمان این جدایی، اشاره ای ندارد و آن را به صورت کلی، قبل از پایان دنیا می داند، یعنی یکی از امور قطعی و سنت الهی، جدایی اهل حق از باطل است و امکان ندارد دنیا پایان یابد و این امر، اتفاق نیفتد.

۱- «الغیبه نعمانی»، ص۳۳۵، باب۲۱، حد۹؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۳۶۵، باب۲۷، حد۱۴۵.

۲- آل عمران (۳) : آیه ۱۷۹.

۳- «تفسیر العیاشی»، ج۱، ص۲۰۷، حد۱۵۷؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۲۲، باب۲۵، حد۸۶.

حدیث اول از جهت سند، معتبر، و روایت دوم به صورت مرسل نقل شده است. و این روایات می تواند به جدایی حق از باطل و صف بندی آنان در مقابل همدیگر اشاره داشته باشد.

بخش چهارم: ندای آسمانی از نگاه عامه

اشاره

ص:۱۸۳

روایاتِ دالّ بر صیحه یا نـدای آسـمانی در کتاب های عامه، سه صوت را مطرح می کنند: اولی، صوتی در ماه مبارک رمضان است که اغلبِ این احادیث، آن را صدایی ترسناک و بدون محتوا می دانند. دومی، ندایی است که به بیان نام و نسب حضرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و بر حق بودن ایشـان و اطاعت و پیروی از او می پردازد و سومی، نـدای بعـد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که فرشته ای در بالای سر او ندا می دهد.

در این بخش به صورت جداگانه به بررسی سه دسته از روایات مطرح شده می پردازیم.

ص:۱۸۴

فصل اول: بررسی صوت در ماه مبارک رمضان

اشاره

این صـدا با تعابیر: «تکون هدّه فی شـهر رمضان»،(۱) «فی شـهر رمضان الصوت»،(۲) «یکون صوت فی رمضان»،(۳) «یکون فی رمضان صوت»،(۴) «اذا کـانت صـیحه فی رمضان»،(۵) «تنادوا... فی شهر رمضان»،(۶) «الفزعه فی شـهر رمضان»،(۷) «اذا کان الصوت فی شـهر رمضان»،(۸) «صوت یسـمع من السـماء فی النصف من شـهر رمضان»،(۹) «یسـمع فی شـهر رمضان صوت من السماء»،(۱۰) «فی رمضان هدّه»،(۱۱)

۱- «المستدرک علی الصحیحین»، ج۴، ص۵۶۳، حد ۸۵۸۰؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.

۲- «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۹، ص۱۲۳، حد۲۸۳؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، جلد۷، ص ۳۱۰.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵، حد۶۱۴؛ «کنز العمال»، ج۱۱، ص۱۹۴.

۴- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد ۵۲۰ و ۵۱۹؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد۶۱۳؛ «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص ۳۳۲، حد۸۵۳.

۵- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.

۶- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۰۴، حد۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.

۷- «عقد الدرر»، ص۱۴۳.

۸- «البرهان متقی هندی»، ص۷۴، باب ۱، حد۷؛ «عقدالدرر»، ص ۱۴۴.

۹- «عقد الدرر»، ص۱۳۹.

۱۰- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۵، حد۲۶۴.

۱۱- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۳، حد۶۲۳.

«صوت فی رمضان»،(۱) «فی شـهر رمضان صوت»(۲) و «تکون فی رمضان هـدّه»(۳) در احـادیث اهل سـنت، بر بودنش در ماه رمضان دلالت می کند. معنای واژه های «صوت، صیحه، فزعه، ندا، هدّه» در بخش اول بیان شد.

اینک به بررسی زوایای مختلف صوت در ماه مبارک رمضان خواهیم پرداخت.

الف. ویژگی های صوت ماه مبارک رمضان

یکم: زمان صوت

سه حدیث در مورد زمان صوت ماه رمضان مطالبی را ذکر کرده اند که در پی خواهد آمد:

۱. نیمه ماه مبارک رمضان: سه حـدیث با عبارت های: «هـدّه فی النصف من رمضان»،(۴) «فی النصف من شـهر رمضان»(۵) بر وقوع صدا در نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می کنند.

این روایات از عبـدالله بن مسـعود و همچنین فیروز الـدیلمی از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و از ابوحمزه ثمالی نقل شده اند.

ص:۱۸۶

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۱۴۹، حد۶۱۲.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۴، حد۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص۱۴۴.

۳- «عقد الدرر»، ص۱۴۶.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۱، حد۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص۱۴۱.

۵- «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص۳۳۲، حد۸۵۳؛ «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹؛ «عقدالدرر»، ص۱۳۹.

۲. شب جمعه: دو روایت از سه حدیث بالاـ با عبارت «لیله جمعه» و «لیله الجمعه» بر وقوع این صوت در شب جمعه نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می کنند.

۳. بعد از طلوع فجر: روایت عبدالله بن مسعود، زمان آن را بعد از نماز صبح معرفی می کند و می گوید:

فاذا صلیتم الفجر من یوم الجمعه... فاذا حسستم بالصیحه؛ وقتی نماز فجر روز جمعه را خواندید ... پس وقتی صیحه را حس کردید ....

دوم: مکان صوت

برخی از احادیث بر آسمانی بودن صیحه دلالت می کنند و با عبارت های: «یکون صوت من السماء»،(۱) «یسمع فی شهر رمضان صوت من السماء»،(۲) «هاد من السماء»(۳) و «صوت یسمع من السماء»(۴) بر این مطلب اشاره دارند. این روایات از فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ابوهریره و شهر بن حوشب و ابوحمزه ثمالی نقل شده اند.

سوم: ندا دهنده

برخی از روایات، این صدا را از جبرئیل امین علیه السلام با عبارت های: «فالصوت الأول

۱- «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج۷، ص ۳۱۰؛ «عقد الدرر»، ص۱۳۹.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۵، حد۲۶۴.

۳- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۴، حد۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص۱۴۴.

۴- «عقد الدرر»، ص۱۳۹.

صوت جبرئیل»،(۱) «هو صوت جبرئیل الروح الامین علیه السلام»(۲) و «انه صوت جبرئیل»(۳) می دانند. روایت اول، همان حدیث فیروز دیلمی از پیامبر اسلام، و دو روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است.

چهارم: محتوای صیحه

احادیث عامه، صوتِ در ماه مبارک رمضان را فقط صدای شدیدی مانند رعد از آسمان معرفی می کنند. وقتی عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره «صیحه» سؤال می کند؟ حضرت پاسخ می دهد: «هدّه فی النصف من رمضان»(۴) یا در روایت شهر بن حوشب که تابعی است، آمده: «قیل له: و ما الصوت؟ قال: هادّ من السماء».(۵) در این دو حدیث از صیحه و صوت به «هدّه» و «هاد» تعبیر شده و در کتاب های لغت، این دو به معنای صدای شدیدی است که از افتادن دیوار یا قسمتی از کوه یا صدای شدیدی که ساحل نشینان از طرف دریا می شنوند، ترجمه شده است.

در این میان، تنها یک روایت _ که از اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه السلام نقل شده است _ صدای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می داند. در این حدیث آمده است:

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹؛ «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص۳۳۲، حد۸۵۳.

۲- «البرهان متقی هندی»، ص۱۰۹، باب۴، حد۲۱؛ «عقدالدرر»، ص۶۴۵.

۳- «البرهان متقی هندی»، ص۷۴، باب۱، حد۷؛ «عقد الدرر»، ص۱۴۴.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۱، حد۶۱۹؛ «عقدالدرر»، ص۱۴۱.

۵- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۴، حد۲۶۳.

تنادوا عند اصطلام اعداء الله باسمه و اسم ابیه فی شهر رمضان ثلاثاً؛ در ماه مبارک رمضان، سه بار به نام او و نام پدرش، هنگام ریشه کن شدن دشمنان خدا ندا می دهند.(۱)

این حدیث از جهت واژه و دارای محتوا دانستن صیحه با احادیث دیگر عامه تفاوت دارد. در روایات دیگر از واژه های «صوت»، «صیحه»، «هدّه» و «فزعه» استفاده شده، ولی در این حدیث، از واژه «تنادوا» به کار رفته است.

«تنادوا» از باب تفاعل است و اگر به معنای مشارکت باشد که بیشتر در این باب به این معناست، در این صورت معنای آن چنین می شود: یکدیگر را با خبر کردند و در این صورت، مراد از آن ندای آسمانی نیست، ولی قید «فی شهر رمضان ثلاثاً»، بیان گر این است که باید چیزی فراتر از خبر کردن همدیگر باشد.

اتفاقاً یکی از معانی باب تفاعل، معنای ثلاثی مجرد آن فعل است، یعنی «تنادوا» به معنای «نادوا» است. و جمع آمدن آن می تواند به دلیل تکرار ندا باشد. در نتیجه، ندای مطرح شده در حدیث، همان ندای آسمانی به اسم حضرت و نام پدرش است. این حدیث از این جهت که ندای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می داند، با احادیث شیعه سازگار است.

پنجم: مخاطبان صوت

احادیث صوت در ماه مبارک رمضان، تنها اشاره به صدایی بلند و ترسناک در

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۰۴، حد۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۲۵۱، حد۳۹۶۷۲.

این ماه دارنـد و هیـچ گونه قیـدی بر این که عـده خاصـی، مخاطب صـیحه باشـند، ندارنـد و در یک روایت _ که از شـهر بن حوشب نقل شده است _ آمده:

یسمعه الناس کلهم فلایجیء رجل من أفق من الآفاق إلا حدث أنه قد سمعه؛ صوت را تمامی مردم می شنوند و فردی از گوشه ای از جهان نمی آید؛ مگر این که می گوید آن صدا را شنیده است.(۱)

ششم: تأثیرات صیحه

اشاره

در روایات عامه، تأثیراتی برای صوت ماه مبارک رمضان بیان شـده که نشان دهنده ترسـناکی این صدای هولناک است. برخی از تأثیرات این طلیعه عبارتند است:

۱. بیدار شدن افراد خواب

عبارت «توقظ النائم» در احادیث ابوهریره(۲) و عبدالله بن مسعود(۳) از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و روایات ابوهریره(۴) و کعب الاحبـار(۵) آمـده و عبارت «یوقظ النائم» در حدیث شـهر بن حوشـب(۶) نقـل شـده است. این دو عبارت، نشان گر تأثیر صیحه بر افراد خواب و بیدار کردن آنها است.

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۴، حد۲۶۳.

۲- «المستدرک علی الصحیحین»، ج۴، ص۵۶۳، حد ۸۵۸۰.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۱، حد۶۱۹.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۳، حد۶۲۳.

۵- «عقد الدرر»، ص۱۴۶.

۶- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۱۴، حد۲۶۳.

۲. وحشت افراد بیدار

عبارت «تفزع الیقظان» که به معنای وحشت افتادن افراد بیـدار بر اثر شـنیدن صـداست، در حدیث ابوهریره از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم و روایت کعب الاحبار آمده است و عبارت «یفزع الیقظان» در روایت شهر بن حوشب نقل شده است.

۳. خارج شدن دختران پرده نشین

دختران و زنـانی که به طور معمول از خانه ها و اتاق های مخصوص خود بیرون نمی آینـد، بر اثر شـنیدن این صوت بیرون می آینـد. در حـدیث عبـدالله بن مسـعود از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم آمـده است: «و تخرج العواتـق من خـدورهن». همچنیـن روایـت ابـوهریره: «و تخرج العواتـق مـن خـدورها» و در روایت شـهر بن حـوشب نیز آمـده است: «و یخرج الفتـاه من خـدرها». این مطلب، نشـان از تـأثیر فوق العـاده صوت بر مخاطبـان دارد که حـتی کسـانی که به طور معمول بیرون نمی آینـد، خارج می شوند تا بفهمند چه خبر است. مأخذ این روایات و احادیث مورد قبلی در پاورقی های تأثیر اولی صیحه آمد.

۴. نشستن افراد ایستاده

از وحشت صـیحه آسـمانی، افراد ایسـتاده، می نشـینند. عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «و تقعد القائم»(۱) و یکی از تأثیرات صوت را نشستن افراد ایستاده معرفی می کند.

در میان احادیث «صـیحه»، «هـدّه»، «صوت»، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم تأثیراتی را ذکر می کند که در احادیث دیگر دیده نمی شود و

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد۶۱۹.

می توان گفت این روایت در مطالبش منفرد است. در این حدیث آمده است:

یصعق له سبعون ألفاً و یخرس سبعون ألفاً و یعمی سبعون الفاً و یصم سبعون الفاً؛ از شنیدن آن هفتاد هزار نفر، بیهوش می شوند و هفتاد هزار نفر، لال می شوند و هفتاد هزار نفر، کور می شوند و هفتاد هزار نفر، کر می شوند. (۱)

در نسخه دیگر همین روایت، مطالب دیگری به صورت اضافه آمده است که عبارتند از:

«یتیه سبعون الفاً» و «ینفتق فیه سبعون الف عذراء».(۲)

ب. حوادث قبل و بعد از صوت

اشاره

برای شناخت درست زمان صیحه لازم است حوادث پیرامون آن را بشناسیم.

یکم: حوادث قبل از صیحه

تنها در روایت اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه السلام، سخن از هرج و مرج و کشتار قبل از وقوع ندا در ماه مبارک رمضان است و گفتیم این روایت در میان احادیث صیحه از جهت قائل شدن محتوا برای صوت ماه مبارک رمضان، منفرد است. در این روایت آمده است:

بعد هرج و قتال، وضنک و خبال، و قیام من البلاء علی ساق؛ بعد از هرج و مرج و کشتار و فلاکت باری و فساد و

۱- «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص۳۳۲، حد۸۵۳.

۲- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹.

فراگیری بلا و سختی به نامش و نام پدرش در ماه رمضان، سه بار ندا می دهند.(۱)

دوم: حوادث بعد از صیحه

تعدادی از روایات صیحه برای بعد از ماه مبارک رمضان _ که صوت در آن واقع می شود _ نشانه هایی را برای هر ماه تا ماه محرم برشمرده اند و برخی از آنها، ماه محرم را ماه ظهور معرفی می کنند.

روایات شهر بن حوشب(۲) و فیروز دیلمی (۳) از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث ابوهریره(۴) بر این مطلب دلالت دارند. در روایتی از شهر بن حوشب، این توالی به وضوح بیان شده است.

شهر بن حوشب می گوید:

بلغنی أن رسول الله صلی الله علیه وسلم، قال: یکون فی رمضان صوت و فی شوال مهمهه و فی ذی القعده تحازب القبائل و فی ذی الحجه ینتهب الحاج و فی المحرم ینادی مناد من السماء ألا إن صفوه الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطیعوا؛ در ماه رمضان، صوت می باشد و در ماه شوال، بازداشتن (بر اساس برخی روایات «معمعه»، یعنی گرمای شدید یا جنگ و آشوب) و در ماه ذی

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۰۴. حد۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۲۵۱، حد۳۹۶۷۲

۲- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۹، حد۵۲۰؛ «العرف الوردی»، ص۱۰۵، حد۲۲۶.

۳- «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص۳۳۲، حد۸۵۳؛ «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹.

۴- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۵، حد۲۶۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۳، حد۶۲۳.

قعده، جدا شدن قبائل (و طبق برخی روایات «تحارب»، یعنی جنگ میان قبایل) و در ماه ذی الحجه، حاجیان غارت می شوند و در ماه محرم، منادی از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید همانا برگزیده خدا از میان بندگانش فلانیست؛ به فرمان او گوش دهید و از او اطاعت کنید.(۱)

ج. وظیفه مخاطبان صوت

وظایفی برای مردم در هنگام وقوع صیحه آسمانی در دو حدیث عبدالله بن مسعود(۲) و فیروز دیلمی(۳) از پیامبر گرامی اسلام بیان شده که به شرح ذیل است:

اول: در خانه ماندن؛ هر دو حدیث با عبارت های: «من لزم بیته» و «فادخلوا بیوتکم» بر این مطلب اشاره دارند. البته حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اضافاتی دارد و آن، این که:

فادخلوا بیوتکم و اغلقوا ابوابکم و سدوا کواکم و دثروا انفسکم و سدوا آذانکم؛ وقتی نماز صبح را روز جمعه خواندید، داخل خانه هایتان شوید و درب ها و پنجره ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوش هایتان را بگیرید.

دوم: سجده کردن؛ وظیفه دومی که هر دو حدیث به آن اشاره می کنند، پناه بردن به خداوند به وسیله سجده است. عبارت های «فاذا حسستم بالصیحه فخروا لله سجداً» و «تعوذ بالسجود» از آنها نقل شده است.

ص:۱۹۴

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۰، حد۶۱۳؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۱۲۲، حد۳۸۷۰۲

۲- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۱، حد۶۱۹؛ «عقدالدرر»، ص۱۴۱.

۳- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج۷، ص۳۱۰.

سوم: ذکر گفتن؛ روایت فیروز دیلمی با عبارت «و جهر بالتکبیر» از مردم می خواهد هنگام وقوع صیحه، صدا به تکبیر بلند کنند و حدیث عبدالله بن مسعود آورده است:

و قولوا: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس؛ وقتی به سجده رفتید، بگویید: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس.

هر دو روایت، برای نجات از صیحه آسمانی، این دستور العمل ها را به مردم می دهند و در آنها آمده است:

من فعل ذلک نجا و من لم یفعل ذلک هلک؛ هر کس، اینها را انجام دهد، نجات یابد و هر کس، انجام ندهد، هلاک شود.

و در حدیث دوم، وقتی فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پرسد: «فمن السالم من امتک؟»؛ پس چه کسی از امت تو سالم می ماند؟ حضرت، دستور العمل های بالا را بر اساس این حدیث ارائه می دهد.

ص:۱۹۵

فصل دوم: بررسی ندای آسمانی از نگاه عامه

اشاره

این ندا در روایات عامه با تعابیر «ینادی مناد من السـماء»،(۱) «نادی مناد من السماء»،(۲) «مناد ینادی من السماء»،(۳) «منادیا من السماء»،(۴) «یسـمع صوت من السماء»،(۵) «مناد من السـماء»،(۶) «ینادی مناد»(۷) و «لینـادین باسم رجل من السـماء»(۸) مطرح شده است. در این بخش به بررسی ابعاد مختلف ندای

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۶۸، حد۵۹۷؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد۶۱۳ و ص۲۳۸، حد۹۳۸ و ص۲۳۵، حد۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷و ۹۲۸و ص۲۳۶ حد۹۲۹ و ۹۳۰و ۹۳۱؛ «مجمع الزوائـد و منبع الفوائد»، ج۳، ص۳۳۵؛ «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج۵، ص ۶۰.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص۱۹۶، حد۱۴۳؛ «عقدالدرر»، ص۱۴۴و ص۱۸۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص۲۶۶، حد۹۸۹.

۳- «عقد الدرر»، ص۷۹ و ص ۱۵۰.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۷.

۵- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۷، حد۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص۸۵ حد۱۶۵.

۶- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۹، حد۹۴۱؛ «العرف الوردی»، ص ۸۰ حد۱۴۷.

۷- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۶، حد۹۳۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۵؛ «العرف الوردی»، ص۸۵ حد۱۶۴.

۸- «العرف الوردی»، ص۳۹، حد۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، حد۳.

آسمانی می پردازیم.

الف. ویژگی های ندای آسمانی

یکم: زمان ندا

در میان احادیث ندای آسـمانی، سه روایت، زمان مشخصـی را برای آن مطرح می کنند. روایت اول، حدیثی است که از شـهر بن حوشب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. این حدیث با سه تعبیر متفاوت و هر سه در کتاب الفتن ابن حماد مروزی به عنوان اولین مصـدر آن آمـده است. و زمان نـدا در هر سه حدیث، ماه محرم معرفی شده است که با عبارت «و فی المحرم ینادی مناد من السماء»(۱) به بیان آن می پردازد. البته شـهر بن حوشب، خود نمی تواند از پیامبر گرامی اسـلام نقل حدیث کند؛ زیرا از تابعین است.

حدیث دوم که از اصـبغ بن نباته از امیرمؤمنان علی علیه السـلام نقل شده است، زمان ندای آسـمانی را ماه مبارک رمضان می داند.(۲)

روایت سوم، زمان ندا را هنگام موسم حج می داند. این حدیث از ابن شهاب نقل شده است:

فاذا کانوا بالموسم سمعوا منادیاً من السماء؛ پس وقتی مردم در موسم حجّ هستند، می شنوند منادی از آسمان ندا می دهد.(۳)

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۱۵۰، حد۶۱۳ و ص۲۳۶، حد۹۳۱ و ص۲۳۸، حد۹۳۸؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۱۲۲، حد۳۸۷۰۲.
۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۰۴، حد۲۵۴.
۳- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۷.

دوم: مکان ندا

تقریباً تمام احادیث مربوط به نـدا، مکان آن را آسـمان معرفی می کننـد و این امکان وجود دارد که قیـد آسـمانی بودن ندا به دلیل پخش شدن آن از آسمان یا از طرف خداوند بودن آن و یا هر دو باشد.

سوم: ندا دهنده

تنها در یک حدیث به ندا دهنده اشاره شده و آن را جبرئیل امین علیه السـلام معرفی کرده است و آن روایت مرسـلی است که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده و «مقدسی شافعی»، آن را از کتاب های حدیثی شیعی نقل کرده است.(۱)

چهارم: محتوای ندا

عبارت های مختلفی به عنوان محتوای نـدای آسـمانی در روایات عامه آمـده است و محوریت در آنها معرفی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حقانیت اوست و همچنین بیان امارت و حکومت و پیروی از او.

در این جا به بیان عبارت های مختلف محتوای ندای آسمانی خواهیم پرداخت:

۱. شهر بن حوشب از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «الا إن صفوه الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطیعوا»؛ آگاه باشید همانا برگزیده خدا از آفریدگانش، فلانی است، سخنش را بشنوید و از او اطاعت کنید.(۲)

۱- «عقد الدرر»، ص۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۰۹، حد۲۱؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد۶۱۳، ص۲۳۶، حد۹۳۱.

۲. «إن الحق فی آل محمد». ابی رومان از حضرت علی علیه السلام و جابر جعفی از ابی جعفر علیه السلام آورده اند.(۱)

۳. «الا ان الامیر فلان» و «ان امیرکم فلان»، از زهری و سعید بن مسیب و ابن شهاب و عمار یاسر و از طلحه بن عبید الله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده اند.(۲)

۴. «الا إن اولیاء الله اصحاب فلان یعنی المهدی» از زهری نقل شده است.(۳)

۵. حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: ... محتوای ندا چنین است:

ایها الناس إن الله عزوجل قد قطع عنکم مده الجبارین و المنافقین و اشیاعهم و اتباعهم و ولاکم خیر أمه محمد صلی الله علیه و آله و سلم، فالحقوا به بمکه فإنه المهدی و اسمه احمد بن عبدالله؛ ای مردم! همانا خدای عزوجل، زمان حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را پایان داد و برترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ولیّ شماست در مکه به او ملحق شوید و نام او احمد بن عبد الله است.(۴)

۶. «علیکم بفلان» از سعید بن مسیب و ام مغیره بن عبدالرحمن

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص۱۹۶، حد۱۴۳؛ «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵ حد۹۲۶ و ص۲۳۷ حد۹۳۴.

۲- «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج۵، ص۶۰؛ «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۵ و ۹۲۷ و ص۲۳۶، حد۹۳۲ و ص۲۳۹، حد۹۴۱.

۳- «العرف الوردی»، ص۸۵، حد۱۶۵، عقدالدرر، ص۱۴۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۷، حد۹۳۵.

۴- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۶۸، حد۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص۱۰۳، حد۲۲۵.

نقل شده است.(۱)

در احادیث دیگر اشاره شده است که به اسم حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲) ندا می دهد یا به اسم مردی از فرزندان ابوطالب(۳) و یا به اسم حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش(۴) و یا به اسم مردی از آسمان(۵) ندا می دهد.

حدیث پنجم، قسـمتی از محتوا را بیان اسم حضـرت و نام پدرش با عنوان «و اسمه احمد بن عبدالله» عنوان می کند. این حدیث که از منابع عامه، وارد کتب شیعه شده، بدون ذکر این قسمت از حدیث و با اندکی تفاوت در کتاب های شیعه آمده است.(۶) برای مثال در منبع شیعه، لفظ «قائم» در اول حدیث آمده، ولی در نقل عامه به جای آن در محتوای ندا، نام «مهدی» اضافه شده است و این مطلب حاکی از این است که بر اساس اختلاف عقیـده، حدیث تغییر کرده است؛ چون لقب «قائم» را عامه در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی آورند.

پنجم: مخاطبان ندای آسمانی

تنها یک حدیث در میان احادیث عامه، در همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی صراحت دارد و آن حدیثی است که مقدسی شافعی از ابی جعفر

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص۸۴، حد۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۴، حد۸.

۲- «عقد الدرر»، ص۱۴۵و ص۱۸۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۰۹، حد۲۱.

۳- «عقد الدرر»، ص ۱۵۰.

۴- «الملاحم لابن المنادی»، ص۳۰۴، حد۲۵۴؛ «کنزالعمال»، ج۱۴، ص۲۵۱، حد۳۹۶۷۲.

۵- «العرف الوردی»، ص۳۹، حد۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۲، حد۳.

۶- «الاختصاص»، ص۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۳۰۴، باب۲۶، حد۷۳.

محمد بن علی علیهما السلام در کتاب خود آورده است. این حدیث چنین است: «فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب».(۱) این روایت از منابع حدیثی شیعه توسط ایشان نقل شده است.(۲) حدیث دیگری که از آن می توان استفاده همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی را کرد، روایت حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که در بیان محتوای ندای آسمانی آورده است: «ایها الناس...»(۳) و اطلاق ناس، دال بر همگانی بودن مخاطبان آن است. علاوه بر این، در روایات دیگر، مخاطبان مخصوصی برای ندا معرفی نشده است.

ب. حوادث قبل از ندای آسمانی

اشاره

قبل و بعد از ندای آسمانی، جهان در چه وضعی خواهد بود و چه اتفاقی رخ می دهد؟ با شناسایی این مطالب، دوران ظهور و زمان ندای آسمانی برای ما بهتر نمایان می شود.

۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق

در حدیث حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: سفیانی بعد از فساد علنی که در مسجد دمشق انجام می دهد و مرد مسلمانی، او را از آن کار زشت نهی می کند و می گوید: «إن هذا لایحل»، او آن مرد مسلمان و همفکران وی را

۱- «عقد الدرر»، ص۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۰۹، حد۲۱.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص۲۳۰، باب۲۵، حد۹۶.

۳- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۶۸، حد۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص۱۰۳، حد۲۲۵.

در همان مسجد به قتل می رساند. در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می دهد:

فعنـد ذلک ینادی مناد من السـماء؛ ایها الناس إن الله عزوجل قد قطع عنکم مده الجبارین و... فالحقوا به بمکه فإنه المهدی؛(۱) در آن هنگام، منادی از آسـمان نـدا می دهـد: ای مردم، همانا خـدای عزوجل، مدت حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را برداشت و ولی شما برترین امّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. به او در مکه ملحق شوید؛ همانا او مهدی است.

۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می شود

در حدیث شهر بن حوشب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این مطلب اشاره شده است.(۲) این حدیث در فصل قبل در حوادث بعد از صیحه مطرح شد.

۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن

در چند حدیث به فتنه ای اشاره شده است که فروکش نمی کند و در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می دهد.

از طلحه بن عبید الله از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

ستکون فتنه لایهدأ منها جانب إلا جاش منها جانب حتی ینادی...؛ فتنه ای خواهد آمد که گوشه ای از آن آرام

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۶۸، حد۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص۱۰۳، حد۲۲۵.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد۶۱۳؛ «کنزالعمال»، ج۱۴، ص۱۲۲، حد۳۸۷۰۲.

نمی گیرد؛ مگر این که گوشه دیگر آن شعله ور می شود تا این که منادی ندا می دهد.(۱)

در روایت دیگری، وقتی مغیره بن عبدالرحمن به مادرش می گوید: در فتنه عبدالله بن زبیر، مردم هلاک می شوند، مادر او پاسخ می دهد:

کلاـ یا بنیّ و لکن بعدها فتنه یهلک فیها الناس لایستقیم امرهم حتی ینادی مناد من السماء علیکم بفلان؛ هرگز چنین نیست فرزندم، ولی فتنه ای خواهد آمد که مردم در آن هلاک می شوند و امرشان سامان نمی یابد تا این که منادی از آسمان ندا می دهد بر شماست پیروی از فلانی.(۲)

و در حدیث دیگری که از سعید بن مسیب نقل شده، به ظهور این فتنه قبل از ندا اشاره شده است. (۳)

۴. وقوع خسف قبل از ندا

در حدیثی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام، ندای آسمانی، بعد از خسف مطرح شده است، ولی مشخص نیست آیا خسف بیداء، مراد است یا خسف دیگری. اما به دلیل مشهور بودن خسف بیداء در روایات عامه و شیعه در میان خسف ها می توان مراد از خسف را در این روایت، خسف بیداء دانست.

۱- «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج۵، ص ۶۰؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج۳، ص۳۳۵.

۲- «العرف الوردی»، ص۸۴، حد۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۴، حد۸؛ «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۸.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۶، حد۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۳؛ «کنزالعمال»، ج ۱۱، ص ۲۵۸، حد۳۱۴۴۴.

عبارت حدیث:

بعد الخسف ینادی مناد من السماء...؛ بعد از خسف، منادی از آسمان ندا می دهد.(۱)

۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی

در حدیثی، «زهری»، وقت ندا را هنگام رویارویی سپاه سفیانی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند:

اذا التقی السفیانی و المهدی للقتال یومئذ یسمع صوت من السماء ألا إن اولیاء الله اصحاب فلان یعنی المهدی؛ وقتی سفیانی و حضرت مهدی برای جنگ با هم روبه رو می شوند؛ در آن هنگام، صدایی از آسمان شنیده می شود که آگاه باشید همانا اولیای خدا یاوران فلانی، یعنی مهدی هستند.(۲)

۶. قتل نفس زکیه

بر اساس نقلی که از عمار بن یاسر شده است، ندای آسمانی را بعد از قتل نفس زکیه معرفی می کند و می دانیم که قتل نفس زکیه، پانزده روز قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد. در این حدیث آمده است:

اذا قتل النفس الزکیه و اخوه، یقتل بمکه ضیعه، نادی مناد من السماء إن امیرکم فلان و ذلک المهدی الذی یملأ الارض حقاً

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۵؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص۵۶، باب۱۲۲.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۷، حد۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص۸۵ حد۱۶۵؛ «عقدالدرر»، ص۱۴۴.

و عـدلاً؛ وقتی نفس زکیه و برادرش کشـته می شوند، در مکه، خونشان بی جهت می ریزد، منادی از آسـمان ندا می دهد قطعاً امیر شما فلانی است و آن مهدی است؛ کسی که زمین را سرشار از حق و عدل می کند.(۱)

این حدیث از منابع عامه در منابع حدیثی شیعه وارد شده است. البته شیخ طوسی، آن را با اضافات و مقداری اختلاف، از عمار بن یاسر نقل کرده است.(۲)

ج. پی آمدهای ندای آسمانی

یکم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ندای آسـمانی، خود، اعلانِ آمدن حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است که با محتوای ندا این مطلب روشن می شود. عبـاراتی چون: «ولا کم خیر امه محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم فالحقوا به بمکه فإنّه المهـدی» و «الا ان صـفوه الله من خلقه فلان فاسـمعوا له و اطیعوا» یـا «إن امیرکم فلان» یا «علیکم بفلان»، همگی بر ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در آن زمان دلالت دارند. مردم نیز بعد از ندا، ظهور و دیدن حضرت مهدی را می طلبند و حرف آمدن او بین دهانها می چرخد و عشق او از دلها لبریز می شود.

در روایتی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است که فرمود:

ص:۲۰۵

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۶، حد۹۳۲؛ «العرف الوردی»، ص۸۵، حد۱۶۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۱۲.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۶۳، حد۴۷۹؛ «بحار الانوار»، ج۵۲، ص ۲۰۷، باب۲۵، حد۴۵.

اذا نادی مناد من السـماء إنّ الحق فی آل محمـد فعنـد ذلک یظهر المهـدی علی افواه الناس و یشـربون حبّه و لا یکون لهم ذکرٌ غیره؛ وقتی منادی از آسـمان نـدا می دهد: همانا حق با آل محمد است. در آن هنگام، ذکر مهدی بر دهان های مردم ظاهر می شود و عشق به او را می نوشند و غیر از او را یاد نمی کنند.(۱)

تنها در یک روایت ـ که به صورت مرسل از حضـرت علی علیه السـلام نقل شـده ـ به ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی اشاره شده است:

اذا نادی منادی من السماء إنّ الحق فی آل محمد فعند ذلک یظهر المهدی؛ وقتی منادی از آسمان ندا می دهد: قطعاً حق از آن آل محمد است؛ در آن هنگام، مهدی ظاهر می شود.(۲)

دوم: ندای شیطانی

از طرف دیگر اهل باطل بیکار نمی نشینند و شـیطان بر آنان نـدایی می دهد و آنها را به دنبال خود می کشد. در روایات عامه به صورت محدود و مجمل به ندای ابلیس اشاره شده است.

در حدیث ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است:

بعد الخسف ینادی مناد من السماء انّ الحق فی آل محمد فی اول النهار، ثم ینادی مناد فی آخر النهار، إن الحق فی ولد

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص۱۹۶، حد۱۴۳؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۲۴۹، حد۳۹۶۵۸؛ «عقدالدرر»، ص۸۳؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، ص۷۸، حد۴۸.

۲- «عقد الدرر»، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۴.

عیسی و ذلک نخوه من الشیطان؛ بعد از خسف، منادی از آسمان ندا می دهد: قطعا حق با آل محمد است و این در اول روز است. پس در آخر روز منادی ندا می دهد همانا حق با فرزندان عیسی است و آن فریبی از طرف شیطان است.(۱)

در روایت دیگری از جابربن یزید جعفی از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام می خوانیم:

ینادی مناد من السماء، ألا إنّ الحق فی آل محمد و ینادی مناد من الأرض ألا إن الحق فی آل عیسی أو قال: لعباس- انا اشک فیه- و انما الصوت الأسفل من الشیطان لیلبس علی الناس، شک ابوعبدالله نعیم؛ منادی از آسمان ندا می دهد آگاه باشید، همانا حق با آل محمد است و منادی از زمین ندا می دهد: آگاه باشید، همانا حق با آل عیسی است یا این که (ابوجعفر علیه السلام) گفت: حق با عباس است- من در آن شک دارم - و همانا صوت پایین از شیطان است تا مردم را گمراه کند. ابوعبدالله نعیم این شک را دارد.(۲)

در دو حدیث دیگر که از زهری و ابن شهاب توسط ابن حماد نقل شده است، نیز اشاره ای به ندای زمینی دارند.(۳)

این احادیث، ندا را از جانب شیطان و زمینی و در آخر روز معرفی

ص:۲۰۷

۱- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۷، حد۹۳۴؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص۵۶، باب۱۲۲؛ «الصراط المستقیم»، ج۲، ص۲۵۹.
۲- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۶؛ «العرف الوردی»، ص۸۴، حد۱۶؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۴، حد۶.
۳- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۷ و ص۲۳۹، حد۹۴۱.

می کنند و حدیث دوم، دلیل ندای شیطانی را مشتبه کردن امر بر مردم بعد از ندای آسمانی می داند و محتوای ندای زمینی را اعلان حق برای آل و فرزندان عیسی علیه السلام معرفی می کنند؛ هر چند، روایت دوم، شکی در این مورد مطرح می کند. اما در مقابل صوت آسمانی در ماه رمضان، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطلبی دارد که نشان از صوت شیطان در مقابل صدای جبرئیل امین علیه السلام است. در این حدیث آمده است:

... و یتبعه (معه) صوت آخر، فالصوت الأول صوت جبرئیل و الصوت الثانی صوت الشیطان فالصوت فی رمضان...؛ و به دنبال آن، صوت آسمانی، صدای دیگری است؛ پس صدای اول، صوت جبرئیل و صدای دوم، صوت شیطان است و صدا در رمضان است.(۱)

گرچه روایات صوت و این حدیث، محتوایی برای صوت ماه مبارک رمضان نیاورده اند، ولی این عبارت می رساند که صوت در ماه مبارک رمضان باید دارای محتوا باشد که شیطان در مقابل آن، صوتی مطرح می کند.

البته این روایت، تأثیرات عجیبی برای صوت ماه مبارک رمضان نقل می کند که در فصل اول بدان پرداختیم. به هر صورت، همان طور که مشاهده می شود به سبب جانبداری از بنی امیه، نامی از «سفیانی» در ندای شیطان مطرح نیست و به جای آن، «آل عیسی» و «بنی عباس» مطرح می شوند.

۱- «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج۱۸، ص ۳۳۲، حد۸۵۳؛ «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۳۸، حد۵۱۹.

د. وظیفه مخاطبان ندای آسمانی

اشاره

وقتی ندای آسمانی داده شد، مردم چه وظیفه ای در مقابل آن دارند؟ روایاتی از عامه، وظایفی را برای مخاطبان ندای آسمانی مطرح می کنند که در این قسمت به آنها می پردازیم:

یکم: رفتن به سوی مکه

در روایت حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در محتوای ندای آسمانی، دستور رفتن به مکه با این عبارت «فالحقوا به بمکه»(۱) آمده است، یعنی در مکه به او ملحق شوید و در برپایی حق، او را یاری کنید.

دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در حدیث شهر بن حوشب از پیامبر گرامی اسلام در محتوای ندای آسمانی، اطاعت و پیروی ازحضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده است. در این حدیث آمده است: «فاسمعوا و اطیعوا»،(۲) یعنی حرف او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

البته در دو حدیث که از منابع شیعه به منابع عامه راه یافته، اجابت ندای آسمانی در پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده است. در یکی از این دو روایت آمده است:

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، ص۲۶۸، حد۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص۱۰۳، حد۲۲۵.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۶، حد۹۳۱؛ «کنز العمال»، ج۱۴، ص۱۲۲، ح ۳۸۷۰۲.

فرحم الله عبداً سمع ذلک الصوت فأجاب؛ خدا رحمت کند بنده ای را که به آن صدا گوش دهد و آن را اجابت کند.(۱)

علاوه بر این، عباراتی چون «علیکم بفلان»(۲) که به عنوان محتوای ندای آسمانی مطرح شده اند، دالّ بر لزوم پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

۱- «عقد الدرر»، ص۱۴۵ و ص ۱۵۰؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۰۹، حد۲۱؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۲، باب۱۴، حد۱۳.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص۲۳۵، حد۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص۸۴، حد۱۶۱.

فصل سوم: ندای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

چند روایت به ندای فرشته ای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث عامه اشاره دارند.

عبدالله بن عمرو از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

یخرج المهدی علی رأسه عمامهٌ، فیها ملک ینادی، هذا المهدی خلیفه الله فاتبعوه.(۱)

در نقل دیگر به جای «عمامه»، «غمامه» ذکر شده و به جای «ملک»، «مناد» آمده است.(۲)

ترجمه حدیث: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج می شود درحالی که بر روی سرش، عمامه ای (ابر سفیدی) است و در آن، فرشته ای (منادی) ندا می دهد: این مهدی، خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید.

در روایت دیگری با همین سند آمده است:

ص:۲۱۱

۱- «عقد الدرر»، ص۱۸۳؛ «العرف الوردی»، ص۳۸، حد ۳۰؛ «الکامل ابن عدی»، ج۵، ص۲۹۶.

۲- «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، ص۷۶، حد۴۶؛ «فرائد السمطین»، ج۲، ص۳۱۶، باب ۶۱، حد۵۶۸.

يخرج المهدی و علی رأسه ملک ينادی إنّ هذا المهدی فاتبعوه؛ حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـريف خارج می شود و بر روی سرش، فرشته ای است که ندا می دهد همانا اين مهدی است؛ از او پيروی کنيد.(۱)

اين نـدا که در منابع عامه مطرح شـده، شبيه نـدای بعـد از بيعت در احاديث شـيعه است که در بخش سوم مطرح شـد. البته اين حديث در منابع شـيعه نيز راه يافته است، و سند آن نشان می دهد که نقل از کتاب های عامه است. عبدالرحمن بن أبی ليلی از حضرت علی عليه السلام و ايشان از رسول گرامی اسلام صلی الله عليه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

... فيخرج من اليمن من قريه يقال لها أکرعه، علی رأسه عمامه متدرع بدرعی متقلد بسـيفی ذی الفقار و مناد ينادی هذالمهدی خليفه الله فاتبعوه...؛ حضـرت مهدی از يمن از روسـتايی به نام أکرعه خارج می شود، بر روی سرش عمامه ای است؛ در حالی که زره مرا پوشـيده و شمشـير مرا- ذوالفقار- به کمر بسـته است و منادی نـدا می دهد اين مهدی، خليفه خداست؛ از او پيروی کنيد.(۲)

و يا اربلی از عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم ــ حديث دومی را که مطرح

۱- «العرف الوردی»، ص۳۸، حد۳۱؛ «البيان فی اخبار صاحب الزمان»، ص۷۷، حد۴۷؛ «البرهان متقی هندی»، ص۷۲، باب اول، حد۲؛ «مسند الشاميين»، ج۲، ص۷۲، حد۹۳۷.

۲- «کفايه الاثر»، ص۱۴۷؛ «بحار الانوار»، ج۳۶، ص۳۳۳، باب۴۱، حد۱۹۵؛ «ميزان الاعتدال»، ج۲، ص ۶۸۰.

شد ـ می آورد.(۱) البته اختلاف در «ابن عمر» بودن یا «ابن عمرو» بودن عبدالله در منابع عامه نیز مشاهده می شود.

نکته پایانی

در پایان متذکر می شویم روایات دیگری در مورد نـدای آسـمانی را مقدسـی شافعی در کتاب «عقدالدرر» آورده است که به نظر می رسد ایشان از منابع شیعه گرفته باشد و جزء احادیث عامه محسوب نمی شود. برای مثال به روایتی از حضرت علی علیه السـلام به صورت مرسل اشاره می کند(۲) که در ذیل آیه ۴ سوره شـعراء حضرت مراد از «آیه» را «فزعه» معرفی می کند. این حدیث در منابع شیعه از داوود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است.(۳)

یا در حدیث دیگری، صاحب عقد الدرر برای حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنج علامت به نقل از امام حسین علیه السلام آورده است که:

عـن ابی عبـدالله الحسـین بن علی علیهمـا السـلام، أنه قـال: للمهـدی خمس علامـات السـفیانی و الیمـانی و الصـیحه من السـماء والخسف بالبیداء و قتل النفس الزکیه.(۴)

ولی این روایت از امـام جعفر صادق علیه السـلام است که به دلیل یکی بودن کنیه ایشان با امام حسـین علیه السـلام، «مقدسـی شافعی» خیال کرده مراد از «ابی عبدالله»،

۱- «کشف الغمه»، ج۲، ص۴۷۱؛ «بحار الانوار»، ج۳۶، باب ۴۱ و ج۵۱، ص۸۱، باب ۱۰.

۲- «عقد الدرر»، ص۱۴۳، باب چهارم، فصل سوم.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب۱۴، حد۸.

۴- «عقد الدرر»، ص۱۵۱، باب چهارم، فصل سوم؛ «البرهان متقی هندی»، ص۱۱۴.

امام حسین علیه السلام است؛ به خصوص این که در منابع شیعه به دلیل کثرت روایات از امام جعفر صادق علیه السلام، کنیه ابوعبدالله، برای امام جعفر صادق علیه السلام عَلَم شده است و فقط ایشان را با این کنیه و بدون ذکر نام می آورند. همین روایت را منابع شیعی از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت متعدد نقل کرده اند.(۱)

البته ایشان نیز قائل به وجود دو نداست و نظر خود را در باب شمارش علامات قیام، این گونه بیان می کند:

و نداء من السماء یعمّ اهل الارض و یسمع کل اهل لغه بلغتهم و مسخ قوم من اهل البدع و خروج العبید عن طاعه ساداتهم و صوت فی لیله النصف من رمضان یوقظ النائم و یفزع الیقظان و...؛ و ندایی از آسمان که تمام اهل زمین را فرا می گیرد و هر کسی با زبان خود آن را می شنود و مسخ گروهی از اهل بدعت و خروج بندگان از اطاعت مولاهایشان و صدایی در شب نیمه ماه رمضان که افراد خواب را بیدار و افراد بیدار را به وحشت می اندازد.(۲)

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج۲، ص۵۵۶، باب۵۷، حد۷؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص۴۳۶، حد۴۲۷؛ «الغیبه نعمانی»، ص۲۶۱، باب۱۴، حد۹.

۲- «عقدالدرر فی اخبار المنتظر»، ص۱۵۵، باب چهارم، فصل سوم.

خاتمه

اشاره

ص:۲۱۵

با وجود کثرت روایات شیعه در مورد نـدای آسـمانی و دو برابر بودن آن نسـبت به احادیث عامه و حتمی معرفی شدن ندا نزد شیعه، در بسیاری از مـوارد، شـیعه و عـامه در مورد نـدای آسـمانی و اصـل وقوع آن اشـتراک نظر دارنـد. در این جـا به نقـاط اشتراک و افتراق شیعه و عامه در مورد ندای آسمانی می پردازیم:

الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی

۱. با وجود حدود صد روایت از شیعه و عامه، اصل ندای آسمانی برای هر دو اثبات پذیز است.

۲. هر دو قائل به وجود صوت در ماه مبارک رمضان هستند.

۳. ندا دهنده، جبرئیل امین علیه السلام است.

۴. تأثیرات صـیحه که عبارتند از: بیدار شدن افراد خواب، وحشت افراد بیدار، نشسـتن افراد ایسـتاده و خارج شدن دختران پرده نشین.

۵. وقوع هرج و مرج و کشتار و ناامیدی قبل از وقوع ندای آسمانی.

۶. اشاره به بودن قیام از کنار کعبه در محرم، بعد از وقوع صیحه آسمانی.

۷. محتوای ندا، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان حقانیت و خواندن مردم به سوی اوست.

ص:۲۱۶

۸. تمامی مردم، مخاطبان ندا هستند.

۹. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی.

۱۰. ندای شیطانی به عنوان پی آمدی برای ندای آسمانی.

۱۱. وظیفه مخاطبان در رفتن به سوی مکه و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی

۱. غالب روایات عامه، صیحه در ماه مبارک رمضان را بدون محتوا و صدای شدیدی چون صدای رعد می دانند و ندای آسمانی که زمان آن به صورت دقیق مشخص نیست، را دارای محتوا می دانند، ولی در احادیث شیعه، صیحه ماه مبارک رمضان با محتوا معرفی می شود که در آن به بیان نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.

۲. روایات عامه، زمان صیحه را نیمه ماه مبارک رمضان می دانند، ولی در احادیث شیعه، این زمان، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان معرفی می شود.

۳. در احادیث شیعه، از مخاطبان خواسته شده تا از صیحه ماه مبارک رمضان پیروی کرده و به آن گوش دهید؛ ولی در روایات عامه چون آن را بدون محتوا و شدید می دانند، دوری از آن و گرفتن گوش ها مطرح است.

۴. در روایات عامه، دو نداء و صوت، یکی بدون محتوا و دیگری بامحتوا معرفی می شود، ولی در احادیث شیعه، ندای آسمانی، با محتوا معرفی می شود.

۵. زمان ندای آسمانی بامحتوا در روایات عامه در حدیثی، ماه محرم و در

روایت دیگر، ماه رمضان است و در حدیث دیگری، هنگام موسم معرفی می شود، ولی احادیث شیعه، فقط ماه مبارک رمضان را به عنوان زمان ندا معرفی می کنند.

۶. نـدای ابلیس به عنوان پی آمـدی برای نـدای آسـمانی در احـادیث شـیعه _ که به بیـان حقـانیت عثمـان و بیـان مظلومیت او وحقانیت سـفیانی می پردازد _ مطرح است، ولی در روایات عامه، ندا از شیطان معرفی می شود؛ نه ابلیس. و محتوای آن، بیان حقانیت فرزندان عیسی است و به صورت محدود در چند حدیث آمده است.

۷. به صورت کلی، ندای آسـمانی به صورت دقیق تر و شفاف تر در احادیث شیعه آمده و تمام مطالب در مورد آن به صورت ریز مطرح شده است، ولی این شفافیت در روایات عامه مشاهده نمی شود.

ص:۲۱۸

کتابنامه

قرآن کریم.

۱.آیتی، نصرت الله، سفیانی از ظهور تا افول، قم، ثانی عشر، ۱۳۸۴ش.

۲.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا، بی جا، جهان، ۱۳۷۸ق.

۳.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، چ۷، نشر اسلامی، ۱۴۲۶ق.

۴.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه داوری، بی تا.

۵.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، منصور پهلوان، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.

۶.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۷.ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، نشر اسلامی، چ۳، ۱۴۱۳ق.

۸.ابن حنبل، احمد، احادیث المهدی من مسنداحمد بن حنبل، قم، نشر اسلامی، چ۵، ۱۴۰۹ق.

۹.ابن عدی، عبدالله، غزاوی، یحیی مختار، الکامل، لبنان، دارالفکر، چ۳، ۱۴۰۹ق.

۱۰.ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغه، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

۱۱.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دارصادر، بی تا.

۱۲.ابن نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۳.ابن هاشم، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، چ۳، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۴.ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

۱۵.اختصاص؛ قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۶.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

۱۷.اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.

۱۸.اموی دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، اردن، بیت الافکار الدولیه، [بی تا].

۱۹.بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۲۰.بحرانی، سید هاشم، میلانی، محمد منیر، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، قم، بینا، بی تا.

۲۱.جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، بوستان کتاب، چ۳، ۱۳۸۲ش.

۲۲.جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، لبنان، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ق.

۲۳.حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۲۴.حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، مطبعه العلمیه، بی تا.

۲۵.حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چ۶، ۱۴۱۲ق.

۲۶.حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۲۷.حسین بن علی، ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۲۸.حسینی استر آبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

۲۹.حمیری (ابن هشام)، عبدالملک بن هشام، السیره النبویّه، لبنان، دارالمعرفه، بی تا.

۳۰.حمیری عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.

۳۱.حیصبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، لبنان، البلاغ، ۱۴۱۹ق.

۳۲.خراسانی، جواد، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، لاهوت، چ۴، ۱۳۸۴ش.

۳۳.خزار قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.

۳۴.دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.

۳۵.ذهبی، ابی عبد الله محمد بن احمد، میزان الاعتدال، لبنان، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ق.

۳۶.راغب اصفهانی، الحسین بن محمد، المفردات غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۳۷.راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.

۳۸.راوندی، قطب الدین، قصص الانبیاء، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۲ق.

۳۹.رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش.

۴۰.سلیمان، کامل، یوم الخلاص، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ۶، ۱۴۱۵ق.

۴۱.سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، قم، نشر گنج معرفت، ۱۴۲۵ق.

۴۲.سید شرف الدین، المجالس الفاخره فی مصائب العتره الطاهره، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیّه، ۱۴۲۱ق.

۴۳.سیوطی، جلال الدین، العرف الوردی فی اخبار الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دمشق، دارالکوثر، ۱۴۲۲ق.

۴۴.شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

۴۵.شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، قم، آل البیت، ۱۴۰۴ ق.

۴۶.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مؤلف، ۱۴۲۲ق.

۴۷.صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.

۴۸.صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.

۴۹.طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، چ۵، ۱۴۱۷ق.

۵۰.طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، عربستان، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.

۵۱.طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، مصر، مکتبه ابن تیمیه، ۱۹۸۳م.

۵۲.طبرانی، سلیمان بن احمد، مسند الشامیین، لبنان، مؤسسه الرساله، چ۲، ۱۴۱۷ق.

۵۳.طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۵۴.طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران، دارالکتاب اسلامیه، چ۳، بی تا.

۵۵.طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، لبنان، دار التراث، چ۲، ۱۳۸۷ق.

۵۶.طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، دار الذخائر للمطبوعات، چ۱.

۵۷.طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چ۲، ۱۳۶۲ش.

۵۸.طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن الحسن، الغیبه، عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، المعارف الاسلامیه، چ۳، ۱۴۲۵ق.

۵۹.طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ترجمه احمد قصیر عاملی، لبنان، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۶۰.طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دار الکتاب اسلامیه، چ۴، ۱۳۶۵ ش.

۶۱.طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، رجال الطوسی، ترجمه جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، چ۲، ۱۴۲۰ ق.

۶۲.طوسی، محمد بن الحسن، قم، چاپخانه ستار، ۱۴۱۷ق.

۶۳.طوسی، محمد بن حسنی، الفهرست، جواد قیومی، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهد، چ۲، ۱۴۲۲ق.

۶۴.عاملی، سید جعفر مرتضی، دراسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، قم، جبل عامل الاسلامی، ۱۴۱۲ق.

۶۵.عروسی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۲ش.

۶۶.فانی اصفهانی، سید علی علامه، بداء از نظر شیعه، ترجمه سید محمد باقر بنی سعید لنگرودی، تهران، دُرسا، چ۲، ۱۳۷۴ش.

۶۷.فتال نیشابوری، محمد، روضه الواعظین، مترجم غلام حسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ش.

۶۸.فراهیدی، الخلیل بن احمد، الهمین، بی جا، دارالهجره، چ۲، ۱۴۰۹ق.

۶۹.فصلنامه تخصصی، تراثنا، قم، مؤسسه آل البیت، سال چهارم، عدد دوّم، ش ۱۵.

۷۰.فصلنامه علمی تخصصی انتظار، ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

۷۱.فقیه، محمد، حسینی، سید شاهپور، سفیانی و نشانه های ظهور، تهران، موعود، ۱۳۸۵ش.

۷۲.فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ۲، ۱۴۰۲ق.

۷۳.قزوینی، سید محمد کاظم، الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور، قم، محلاتی، ۱۳۸۰ش.

ص:۲۲۳

۷۴.قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم، الشریف الرضی، چ۲، ۱۳۷۵ش.

۷۵.کتاب مقدس.

۷۶.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، لبنان، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.

۷۷.کنجی شافعی، ابوعبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ترجمه مهدی احمد فتلاوی، لبنان، دارالمحجه البیضاء، ۱۴۲۱ق.

۷۸.کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۷۹.کورانی، علی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، بی نا، ۱۴۲۶ق.

۸۰.گرگانی، امیر فریدون، گنجینه ای از تلمود، کهن، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰ش.

۸۱.گرینستون، جولیوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.

۸۲.متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، تهران، شرکت رضوان، ۱۳۹۹ق.

۸۳.مجلسی (علامه مجلسی)، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۸۴.مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.

۸۵.مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، لبنان، دار الأضواء، چ دوم، ۱۴۰۹ق.

۸۶.مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۶ق.

۸۷.مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بی جا، مکتبه بور سعید، بی تا.

۸۸.مکارم شیرازی ودیگران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۸۹.مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نسل جوان، چ۳، ۱۳۸۴ش.

۹۰.منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، قم، دارالسیره، ۱۴۱۸ق.

۹۱.موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، حائری قزوینی، سید مهدی، مکیال المکارم، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ش.

۹۲.موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، قم، مدینه العلم، چ۴، ۱۴۰۹ق.

۹۳.موسوی سبزواری، میر لوحی، کفایه المهتدی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۴ش.

۹۴.نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، عراق، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.

۹۵.نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ترجمه سید موسی شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، چ۶، ۱۴۱۸ ق.

۹۶.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، فارس حسون کریم، قم، مدین، ۱۴۲۶ق.

۹۷.نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، لبنان، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ۲، ۱۴۰۸ق.

۹۸.نیلی نجفی، علی نب عبدالکریم، منتخب الانوار المفیئه، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ق.

۹۹.هندی، المتقی بن حسام الدین، کنزل العمال، لبنان، دارالکتب العلمیه، چ۲، ۱۴۲۴ق.

۱۰۰.هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، لبنان، دارالکتاب العربی، چ۳، ۱۴۰۲ق.

ص:۲۲۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹